فهرست مطالب

اصلاحات و تغییرات و تتمیم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸..... ۱۳
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳٦۸/۰۵/۰٦..... ۲۱

دفتر اول: قوانین جزائی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱..... ٦۹
نرخ دیهٔ کامله در ماه‌های غیرحرام از ابتدای سال ۱٤۰۳..... ۲۵۷
کتاب پنجم – تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده..... ۲۵۹
قانون جرائم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸/۰۳/۰۵..... ۳۲۹
قانون استفساریه نسبت به کلمهٔ اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد (۵۱۳)، (۵۱٤)، (٦۰۸) و (٦۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) مادهٔ (٦) و مواد (۲٦) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۰۳..... ۳٤۱
آیین‌نامه اجرایی ماده (۷۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳/۰٦/۰۵..... ۳٤۳
آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲٦..... ۳٤۷
قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸/۰۱/۱۸..... ۳۵۳
قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می نمایند مصوب ۱۳۰۷/۰۵/۰۳..... ۳۵۹
قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می دهند و یا تملّک می کنند و مجازات آنها مصوب ۱۳۰۲ با اصلاحات بعدی..... ۳٦۱
قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می نمایند مصوب ۱۳۰۸/۰۲/۳۱..... ۳٦۳
قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳٦٤/۰٦/۲۸ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳٦۷/۰۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۳٦۵
قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان مجعول مصوب ۱۳٦۸/۰۱/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۳۷۷

قانون تشدید مجازات رباییدگان اشخاص مصوب اسفندماه ۱۳۵۳..... ۳۷۹
قانون مربوط به تشدید مجازات سرقت مسلّحانه مصوب ۱۳۳۸/۱۰/۲۷..... ۳۸۱
قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲۱..... ۳۸۳
قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۱۹..... ۳۸۵

دفتر دوم: آیین دادرسی کیفری و قوانین مرتبط

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با اصلاحات سال ۱۳۹۴..... ۳۹۱
قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلّح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۰۷/۰۸..... ۶۲۳
آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹/۰۵/۱۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی..... ۶۵۱
قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵..... ۶۶۱
دستورالعمل اجرائی بند (۱۵) قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۸/۳۰..... ۶۶۵
آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷/۰۹/۱۲..... ۶۶۹
قانون راجع به تعیین قیم اتفاقی مصوب ۱۳۱۶/۰۲/۲۶..... ۶۷۵
آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مصوب ۱۳۹۸/۰۳/۲۷..... ۶۷۷
آیین نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات،آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۴..... ۷۰۳
آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۰۴/۱۰..... ۷۱۳

دفتر سوم: قضات

قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۰۷/۱۷..... ۷۲۱

دفتر چهارم: مواد مخدر و قاچاق کالا و ارز و قوانین مرتبط

قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۰۸/۱۷ و با اصلاحات و الحاقات مصوب ۱۳۸۹/۰۵/۰۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۶/۰۷/۱۲..... ۷۳۹
قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰..... ۷۶۵
قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۰۶/۰۷ مجلس شورای اسلامی..... ۸۱۷

دفتر پنجم: تعزیرات حکومتی، احتکار و گرانفروشی و قوانین مرتبط

قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳٦۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۸۲۵
قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۰۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۸۳۳
قانون راجع به جلوگیری از احتکار مصوب ۱۳۲۰/۱۲/۲۷..... ۸۳۵
قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان مصوب ۱۳٦۷/۰۱/۲۳..... ۸۳۹

دفتر ششم: مطبوعات و مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و نشریات و آثار صوتی

قانون مطبوعات مصوب ۱۳٦٤/۱۲/۲۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی..... ۸٤۳
قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳٤۸/۱۰/۱۱..... ۸۵۹
قانون نحوهٔ مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸٦/۱۰/۱٦..... ۸٦۵

دفتر هفتم: تجهیزات ماهواره‌ای

قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳..... ۸۷۳
آیین نامه اجرائی قانون «ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» مصوب ۱۳۷٤/۰۱/۰۹ هیئت وزیران..... ۸۷۷

دفتر هشتم: قوانین متفرقه

قانون رسیدگی به تخلّفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۰۸..... ۸۸۳
قانون ممنوعیت، بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمانی منتقل می نمایند مصوب ۱۳۸۰/۰۲/۳ ..... ۸۹۹
قانون رسیدگی فوری به خسارات ناشیه از تصادفات رانندگی به وسیلهٔ نقلیه موتوری مصوب ۱۳٤۵/۰۹/۱۳ ..... ۹۰۱
قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲/۱۲/۰٦..... ۹۰۳
تصویب‌نامه در خصوص تعدیل میزان مبالغ مجازات نقدی جرایم و تخلفات مندرج در قوانین و مقررات مختلف..... ۹۰۷

مقدمه

برای حفظ ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بشری و نظم بخشیدن به روابط اجتماعی بین افراد جامعه و حاکمیت قوانین و مقرراتی وضع می‌گرددو لازمه اجرای آن نیز اطلاع‌رسانی مقررات است تا افراد از حقوق قانونی خود آگاه شوند و محدودیت‌هایی را که در روابط با دیگران و حاکمیت دارند، رعایت کنند و حقوق حقه خود را نیز حفظ نمایند. گاهی قوانین جنبه عمومی داردو افراد بیشتری را شامل می‌شود و برخی از قوانین نیز مختص قشر خاصی از افراد جامعه است. با این تفاسیر عده‌ای از مؤلفین کتاب‌های حقوقی با سلیقه خود و با الهام از نیازهای جامعه در اطلاع از قوانین، مجموعه قوانین جمع‌آوری و انتشارمی‌نمایند و در اکثر آنها بنا بر این است که از پرکاربردترین قوانین استفاده شود. اما قوانین برای همه به راحتی قابل فهم نیست و مردم عادی از ارتباط‌دهی قوانین و مواد قانونی و همچنین تفسیر و تعیین حدود و ثغور آن عاجزند و لازم است برخی از مواد یا جملات قانونی تشریح شود و یا حدود و شمول آن مشخص گردد و این مهم بر عهده دکترین، رویه قضایی است. دراین راستا اداره حقوقی نقش بسزایی در این مسیر ایفاء می‌نماید و به استعلامات قضات و حقوقدانان پاسخ می‌دهد و آنها را در راه عدالت مساعدت می‌کند.

در مجموعه حاضر نیز سعی شده است جدیدترین، بروزترین و مهمترین نظریات مشورتی به همراه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور در پانوشت قوانین مربوط به آنها قرار گیرد و در ضمن آن مواد قانونی مرتبط به همدیگر ارجاع داده شود تا استفاده کنندگان بدون سردرگمی بتوانند از این مجموعه استفاده کنند.

عمده تفاوت این مجموعه حقوقی با سایر مجموع قوانینی که جمع‌آوری شده در این است که خلاصه‌ای از محتوای نظریات و آراء، مجزای از متن آنها بیان شده است که این امر به خواننده

این امکان را می‌دهد بدون ورود به متن طولانی نظریه، سریعاً به موضوع آن پی ببرد و چنانچه موضوع نظریه یا رأی مورد توجه او نباشد به سراغ نظریه دیگری برود.

آراء وحدت هیأت عمومی دیوان عالی کشور در حکم قانون و برای همه دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است اماباید توجه داشت نظریات مشورتی برای مراجع قضایی لازم‌الاتباع نیستند و صرفا نظریات حقوقدانان متبحر و برجسته‌ای هستند که ممکن است مورد نقد قرار گیرد به گونه‌ای که اداره حقوقی در ذیل برخی از نظرات خود اذعان می‌دارد که اگر نظریات بعدی مخالف یا مغایر با نظریات قبلی باشد بدین معناست که اداره مزبور از نظر قبلی خود عدول کرده است. بنابراین در مطالعه مجموعه این مهم نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در نهایت مایه مسرت این حقیر است که نظرات، انتقادات و پیشنهادات شما مخاطبان گرامی با اعلام به انتشارات کتاب آوا مرا در تکمیل این مجموعه مساعدت نماید.

از همسرم که با بردباری تمام عیار با بر عهده گرفتن تایپ، صفحه‌بندی و ویراستاری این مجموعه مرا در تدوین آن یاری کرد، تشکر می‌کنم. همچنین قدردان پشتیبانی مدیران انتشارات کتاب آوا هستم که لحظه‌ای حمایت خود را از من دریغ نکردند.

با احترام

منصور قرائی

عناوین اختصاری

رجوع کنید	ر.ک
قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲	ق.آ.د.ک
قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹	ق.آ.د.م
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	ق.ا
قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹	ق.ا.ح
قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶	ق.ا.ا.م
قانون بیمه اجباری خسارت وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵	ق.ب.ا
قانون بیمه	ق.ب
قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱	ق.ت
قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری	ق.ت.م.م.ا.ا.ک
قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵	ق.ث.ا
قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰	ق.ث.ا.ا
قانون جرم سیاسی	ق.ج.س
قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱	ق.ح.خ
قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵	ق.ص.چ
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲	ق.م.ا
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵	ق.م.ا (تعزیرات)
قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ و ۱۳۱۴	ق.م
قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹	ق.م.م
قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴	ق.ن.ا.م.م
لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷	ل.ا.ق.ت

اصلاحات و تغییرات و تتمیم قانون اساسی

مصوب ۱۳۵۸

دولت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد اصلاحات و تغییرات و تتمیم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ را که شورای بازنگری قانون اساسی به موجب فرمان مورخ چهار اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ قائد عظیم‌الشأن و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی قدس سره‌الشریف در چهل و هشت اصل مدون و چند تتمیم و توضیح در جلسات مورخ هفدهم تا بیستم تیر ماه یک هزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی به‌طور نهایی بررسی و تدوین کرده و در چهل و یکمین اجلاس خود به تصویب نهایی رسانده و مقام معظم رهبری آن را تأیید و امضاء فرموده و جهت همه پرسی طی فرمان مورخ بیست و هشتم تیر ماه یک هزار و سیصد و شصت و هشت به دولت ابلاغ کرده‌اند به شرح زیر به همه پرسی می‌گذارد:

ماده ۱ـ در تمامی اصول و سر فصل‌ها و مقدمهٔ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عبارت «مجلس شورای ملّی» به «مجلس شورای اسلامی» تغییر می‌یابد.

ماده ۲ــ عنوان مبحثِ اول فصل نهم به «ریاست جمهوری و وزراء» تبدیل گردد و عنوان «مبحثِ سوم » همین فصل (قبل از اصل یکصد و چهل و سوم) به «مبحث دوم» تغییر یابد و عنوان «مبحث دوم، نخست وزیر و وزراء» (قبل از اصل یکصد و سی و سوم) حذف گردد و عنوان «فصل دوازدهم، رسانه‌های گروهی» به «فصل دوازدهم، صدا و سیما» تغییر یابد و قبل از اصل یکصد و هفتاد و ششم، عنوان «فصل سیزدهم، شورای عالی امنیت ملّی» و قبل از یکصد و هفتاد و هفتم، عنوان «فصل چهاردهم، بازنگری در قانون اساسی» افزوده گردد.

ماده ۳ـ اصول ۵ ـ ۵۷ ـ ۶۰ ـ ۶۴ ـ ۶۹ ـ ۷۰ ـ ۸۵ ـ ۸۷ ـ ۸۸ ـ ۸۹ ـ ۹۱ ـ ۹۹ ـ ۱۰۷ ـــ ۱۰۸ ـــ ۱۰۹ ـ ۱۱۰ ـ ۱۱۱ ـ ۱۱۲ ـ ۱۱۳ ـ ۱۲۱ـ ۱۲۲ ـ ۱۲۴ ـ ۱۲۶ ـ ۱۲۷ ـ ۱۲۸ ـ ۱۳۰ ـ ۱۳۱ ـ ۱۳۲ ـ ۱۳۳ـ ۱۳۴ ـ ۱۳۵ ـ ۱۳۶ ـ ۱۳۷ـ ۱۳۸ ـ ۱۴۰ ـ ۱۴۱ ـ ۱۴۲ ـ ۱۵۷ ـ ۱۵۸ـ ۱۶۰ـــ ۱۶۱ـــ ۱۶۲ـــ ۱۶۴ـ ۱۷۳ ـ ۱۷۴ و ۱۷۵ اصلاح می‌شود و تغییر و تتمیم می‌یابد و به‌جای اصول قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ قرار می‌گیرد و اصول ۱۷۶ و ۱۷۷ نیز به قانون اساسی اضافه می‌شود و کلیهٔ اصلاحات و تغییرات و جابجایی‌ها و اضافات در چهل و هشت اصل مدون به شرح زیر تصویب می‌گردد.[1]

[1]- اصلاحات، تغییرات و اضافات مصوب ۱۳۶۸ در متن قانون اساسی اعمال شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَیِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَابَ وَالْمِیزَانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ[۱]

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعهٔ ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. ماهیّت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزهٔ مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعهٔ این پیروزی بزرگ ملّت ما با تمام وجود نیل به آن را می‌طلبد.

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سدهٔ اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است، ملّت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملّی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیّت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت، ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکود کشانده شد. از اینجا وجدان بیدار ملّت به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیّت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملّت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می‌باشد).

طلیعهٔ نهضت

اعتراض در هم کوبنده امام خمینی به توطئهٔ آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی بود عامل حرکت یکپارچه ملّت گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم و خونبار امت اسلامی در خردادماه ۴۲ که در حقیقت نقطهٔ آغاز شکوفایی این قیام شکوهمند و گسترده بود مرکزیت امام را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علیرغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) پیوند مستحکم امت با امام همچنان

[۱]- سورهٔ حدید، آیهٔ ۲۵.

استمرار یافت و ملّت مسلمان و به ویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند.

در این میان قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری و با الهام از مکتب انقلابی و پربار اسلام تلاش پی‌گیر و ثمر بخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملّت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانون‌های پرخروش انقلاب آغاز نموده بود به مذبوحانه‌ترین اقدامات ددمنشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم دست زد و در این میان جوخه‌های اعدام، شکنجه‌های قرون وسطایی و زندان‌های دراز مدت، بهایی بود که ملّت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامهٔ مبارزه می‌پرداخت. خون صدها زن و مرد جوان و با ایمان که سحرگاهان در میدان‌های تیر فریاد «الله اکبر» سر می‌دادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفتند انقلاب اسلامی را تداوم بخشید، بیانیه‌ها و پیام‌های پی درپی امام به مناسبت‌های مختلف، آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزون‌تر داد.

حکومت اسلامی

طرح حکومت اسلامی بر پایهٔ ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد انگیزهٔ مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت.

در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی‌ها و شدت خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشاگری و انعکاس مبارزه به وسیلهٔ روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی، بنیان‌های حاکمیت رژیم را به شدت متزلزل کرد. و به ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح باز کردن فضای سیاسی کشور شدند تا به گمان خویش دریچهٔ اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بگشایند. اما ملّت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل‌ناپذیر امام، قیام پیروزمند و یکپارچه خود را به طرز گسترده و سراسری آغاز نمود.

خشم ملّت

انتشار نامهٔ توهین‌آمیز به ساحت مقدس روحانیت و به ویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ از طرف رژیم حاکم این حرکت را سریع‌تر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتشفشان خشم مردم کوشید این قیام معترضانه را با به خاک و خون کشیدن

خاموش کند اما این خود خون بیشتری در رگ‌های انقلاب جاری ساخت و طـپش‌هـای پـی‌درپـی انقلاب در هفتم‌ها و چهلم‌های یاد بود شهدای انقلاب، حیات و گرمی و جوشش یکپارچـه و هرچـه فزون‌تری به این نهضت در سراسر کشـور بخشـید و در ادامـه و اسـتمرار حرکـت مـردم تمـامی سازمان‌های کشور با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند. همبستگی گسترده مردان و زنان از همهٔ اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین کننده بود، و مخصوصاً زنـان بـه شـکل بـارزی در تمـامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند، صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را بـا کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد بیانگر سـهم عمـده و تعیین‌کنندهٔ این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.

بهایی که ملّت پرداخت

نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از شصت هـزار شهید و صد هزار زخمی و معلول و با بر جای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای: «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و قاطعیّت رهبری در مراحل حساس و هیجان‌آمیز نهضت و نیز فداکاری ملّـت بـه پیـروزی رسـید مؤفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید کـه در نـوع خـود سرفصل جدیدی بر انقلابات گستردهٔ مردمی در جهان شد.

۲۱ و ۲۲ بهمن سال یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هفت روزهای فرو ریختن بنیاد شاهنشـاهی شـد و استبداد داخلی و سلطهٔ خارجی متکی بر آن را در هم شکست و با این پیروزی بزرگ طلیعهٔ حکومت اسلامی که خواست دیرینهٔ مردم مسلمان بود نوید پیروزی نهایی را داد.

ملّت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همـه پرسـی جمهوری اسلامی تصمیم نهایی و قاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کـرد و بـا اکثریت (۹۸/۲ ٪) به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد.

اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیانگر نهادهـا و مناسـبات سیاسـی، اجتمـاعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه دهندهٔ طرح نـوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد.

شیوهٔ حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملّتی هم کیش و هم فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکـری و

عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملّت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعهٔ نمونهٔ (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان شمول اسلامی پرورش یابد.

قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینهٔ تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ)[۱] و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

با توجه به ماهیّت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلاَلَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ)[۲].

در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایهٔ تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و ادارهٔ مملکت می‌گردند. (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)[۳] و قانون گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ)[۴] تا زمینهٔ بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تَخَلَّقوا بِأخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.

با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینهٔ چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همهٔ افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست

---

[۱]- سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۹۲.
[۲]- سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۵۷.
[۳]- سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۱۰۵.
[۴]- سورهٔ نور، آیهٔ ۴۲.

اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ).[۱]

ولایت فقیه

بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینهٔ تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مَجاری الأُمور، بِيَدِالعُلماءِ بِالله الأُمَناءِ على حَلالِهِ و حَرامِهِ) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند.

اقتصاد وسیله است نه هدف

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارائی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامهٔ اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینهٔ مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همهٔ افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهدهٔ حکومت اسلامی است.

زن در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبهٔ خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.

خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابندهٔ انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیء بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعهٔ مصرف زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفهٔ خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیشاهنگ و خود همرزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

---

[۱]- سورهٔ قصص، آیهٔ ۵.

ارتش مکتبی

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد، بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود (وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدْوَّ اللّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ)[۱].

قضاء در قانون اساسی

مسألهٔ قضاء در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایهٔ عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است؛ این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُواْ بِالْعَدْلِ).[۲]

قوهٔ مجریه

قوهٔ مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسأله حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پا گیر پیچیده که وصول به این هدف را کُند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد. بدین جهت نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیّت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرائی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید.

وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی (رادیو ـ تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعهٔ فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.

پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحهٔ اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهدهٔ همگان است و لازم است که امّت مسلمان با انتخاب مسئولین

---

[۱]- سورهٔ انفال، آیهٔ ۶۰.

[۲]- سورهٔ نساء، آیهٔ ۵۸.

کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند به امید اینکه در بنای جامعهٔ نمونهٔ اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُواْ شُهَدَاء عَلَى النَّاسِ)[۱].

نمایندگان

مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیهٔ پیشنهادهایی که از گروه‌های مختلف مردم رسیده بود در دوازده فصل که مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل[۲] می‌باشد در طلیعهٔ پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم، بنیانگذار مکتب رهایی بخش اسلام با اهداف و انگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند، به این امید که این قرن، قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین گردد.

[۱]- سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۴۳.

[۲]- در بازنگری سال ۱۳۶۸ به ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل تغییر یافته است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸/۰۵/۰۶

فصل اول ـ اصول کلی

اصل اول

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملّت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت (۹۸/۲ ٪) کلیهٔ کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

اصل دوم

جمهور اسلامی، نظامی است بر پایهٔ ایمان به:

۱- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازندهٔ آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریع.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،

ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفتهٔ بشری و تلاش در پیشبرد آنها،

ج- نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملّی را تأمین می‌کند.

اصل سوم

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همهٔ امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیهٔ مظاهر فساد و تباهی.

۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همهٔ زمینه‌ها با استفادهٔ صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۶- محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

۷- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸- مشارکت عامهٔ مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.

۱۱- تقویت کامل بنیهٔ دفاع ملّی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱۲- پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.

۱۴- تأمین حقوق همه جانبهٔ افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همهٔ مردم.

۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همهٔ مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

اصل چهارم

کلیهٔ قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همهٔ اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهدهٔ فقهای شورای نگهبان است.

اصل پنجم

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهدهٔ فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد.

اصل ششم

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.

اصل هفتم

طبق دستور قرآن کریم: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ »[۱] و «وَشَاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ»[۲] شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها از ارکان تصمیم گیری و ادارهٔ امور کشورند.

موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می کند.

اصل هشتم

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهدهٔ مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.[۳] «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاء بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ»[۴].

اصل نهم

در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفهٔ دولت و آحاد ملّت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین

---

[۱]- سورهٔ شوری، آیهٔ ۳۸.

[۲]- سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۵۹.

[۳]- **ر.ک: قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی.**

[۴]- سورهٔ توبه، آیهٔ ۷۱.

خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل دهم

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همهٔ قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایهٔ حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

اصل یازدهم

به حکم آیهٔ کریمهٔ «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»[1] همهٔ مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظّف است سیاست کلّی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصل دوازدهم

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند[2] و

---

[1]- سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۹۲.

[2]- **قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ مجلس شورای اسلامی:** نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد وعادات مسلمه متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند:

۱- در مسایل مربوطه به نکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.

۲- در مسایل مربوطه به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهب متوفی.

۳- در مسایل مربوطه به فرزندخواندگی عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.

❖ **رعایت قواعد و عادات مسلم ایرانیان غیر شیعه در اموال شخصیه از طرف دادگاه‌های ایران.**

رأی وحدت رویه شماره ۳۷- ۱۳۶۳/۰۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب مردادماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمه تداوله در مذهب آنان در دادگاه‌ها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان جز

در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.[۱]

اصل سیزدهم

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.[۲]

در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

❖ **اجرت‌المثل ایام زوجیت و نحله جزو اموال شخصیه تلقی نمی‌شود.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۰۶۷- ۱۴۰۱/۱۰/۱۸:** از آنجا که در تبصره ذیل ماده ۳۳۶ ق.م، اجرت‌المثل از باب استیفا پیش‌بینی شده است و در ماده ۲۹ ق.ح.خ مصوب ۱۳۹۲ به این تبصره ارجاع شده است، اجرت‌المثل جزو احوال شخصیه نمی‌باشد؛ بر این اساس، نحله نیز که بدل از اجرت‌المثل است و قانونگذار به نحو اطلاق با رعایت شرایطی زوجه را مستحق بر مطالبه آن دانسته است، جزو احوال شخصیه نمی‌باشد؛ ضمن آنکه قیود مندرج در بند «ب» تبصره ۶ ماده واحده قانونی اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ (با توجه به سنوات زندگی مشترک، نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج) نیز مؤید آن است که نحله نیز به مانند اجرت‌المثل از باب استیفاء است و مذهب متبوع زوجین در تعلق یا عدم تعلق نحله به زوجه تأثیری ندارد.

[۲]- **قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام:** رأی وحدت رویه شماره ۳۷- ۱۳۶۹/۰۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عیناً و به شرح ذیل به تصویب رسید:

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان در دادگاه‌ها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت‌نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

❖ **تابعیت از قوانین ایران از جمله اموال شخصیه توسط ایرانیانی که پیرو ادیان شناخته شده نیستند و خروج موضوعی آنها از تبصره ماده ۴ قانون حمایت خانواده.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۸۱- ۱۳۹۹/۱۰/۰۷: به موجب ماده ۵ ق.م «کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد» مطابق ماده ۶ این قانون «قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود» و برابر اصل سیزدهم ق.ا جمهوری اسلامی ایران، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و منسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده‌اند که در احوال شخصیه و تعلیمات دینی تابع آیین خودشان هستند. بنابراین ایرانیانی که پیرو ادیان شناخته شده نیستند، در کلیه قوانین و مقررات از جمله احوال شخصیه تابع قوانین و مقررات کشور می‌باشند. بدیهی است احکام خاص مربوط به کفر و اسلام مانند ماده ۸۸۱ ق.م (عدم ارث کافر از مسلم و نیز به

اصل چهاردهم

به حکم آیهٔ شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»[1] دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظّفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

فصل دوم- زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور

اصل پانزدهم

زبان و خطِ رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

ارث رسیدن تمام میراث کافر به وارث مسلم وی) باید رعایت شود. بهائیان از شمول تبصره ماده ۴ ق.ح.خ مصوب ۱۳۹۱ خروج موضوعی دارند.

❖ **مرجع اظهارنظر و استعلام احوال شخصیه ایرانیان تابع ادیان شناخته شده در قانون اساسی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۹۲۷- ۱۳۹۹/۱۱/۲۶: اولاً، مقررات احوال شخصیه مسیحیان کاتولیک ایران، تابع نظر شورای اسقفان کاتولیک ایران است و قواعد آن در ۶۰ ماده به تصویب این شورا رسیده است.

ثانیاً، در مورد مسیحیان پروتستان ایران، به موجب ماده ۲۹۵ مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران مصوب ۱۳۸۷/۰۷/۰۳ تفسیر مواد این مقررات با اظهارظر در موارد خاص بر عهده کلیسا یا کمیته منتخب کلیساهای پروتستان است.

ثالثاً، هرچند مقررات احوال شخصیه ارامنه گریگوری در سال ۱۳۱۷ به تصویب رسیده و متعاقباً با اصلاحاتی مواجه شده است، اما رئیس شورای خلیفه‌گری تهران به موجب نامه شماره ۱۰۳۴/۷۷ مورخ ۱۳۸۲/۰۴/۰۲ به اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری اعلام داشته است که تفسیر این مقررات در صلاحیت انحصاری مراجع دینی کلیسای ارمنی است، لذا مرجع استعلام در خصوص این مقررات، خلیفه‌گری ارامنه گریگوری تهران است.

۲- در حال حاضر انجمن کلیمیان تهران مرجع عالی دینی کلیمیان ایران است که برابر اساسنامه مربوط مجاز به اظهارنظر و پاسخگویی راجع به پرسش‌های مربوط به احوال شخصیه است که با جلب نظر دارالشرع صورت می‌گیرد.

۳- با توجه به تبصره ماده ۴ ق.ح.خ مصوب ۱۳۹۱ و آیین‌نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۷، انجمن موبدان تهران به عنوان مرجع عالی دینی زرتشتیان تعیین شده است و مرجع رسمی استعلامات در امور حسبی و احوال شخصیه است.

[1]- سورهٔ ممتحنه، آیهٔ ۸.

اصل شانزدهم

از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید پس از دورهٔ ابتدایی تا پایان دورهٔ متوسطه در همهٔ کلاس‌ها و در همهٔ رشته‌ها تدریس شود.

اصل هفدهم

مبدأ تاریخ رسمی کشور هجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است، اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

اصل هجدهم

پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است.

فصل سوم- حقوق ملّت

اصل نوزدهم

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم

همهٔ افراد ملّت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همهٔ حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او.[۱]

---

[۱]- **ر.ک:**

- منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی مصوب ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی.

۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.[۱]

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.[۲]

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطهٔ آنها در صورت نبودن ولیّ شرعی.

اصل بیست و دوم

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و سوم

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست و چهارم

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

اصل بیست و پنجم

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسّس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل بیست و ششم

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند[۳]، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملّی، موازین اسلامی و اساس جمهوری

---

[۱]- **ر.ک:**

- قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی مصوب ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی.

[۲]- **ر.ک: ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی.**

[۳]- **ر.ک:**

- قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی.

اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم

تشکیل اجتماعات و راه پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.[۱]

اصل بیست و هشتم

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.

دولت موظّف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همهٔ افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل بیست و نهم

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.[۲]

اصل سی‌ام

دولت موظّف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملّت تا پایان دورهٔ متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل سی و یکم

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانوادهٔ ایرانی است. دولت موظّف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران زمینهٔ اجرای این اصل را فراهم کند.

- قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی.

[۱]- ر.ک: آیین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی ۱۳۸۱ هیأت وزیران.

[۲]- ر.ک: قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ مجلس شورای اسلامی.

اصل سی و دوم

هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی کـه قـانون معـین مـی‌کنـد. در صـورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظـرف مدت بیست و چهار ساعت پروندهٔ مقدماتی به مراجع صالحهٔ قضایی ارسال و مقـدمات محاکمـه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلّف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.[۱]

اصل سی و سوم

هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا بـه اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل سی و چهارم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همهٔ افراد ملّت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم

در همهٔ دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نماینـد و اگـر توانـایی انتخـاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.[۲]

---

[۱]- **ر.ک: مواد ۴۴ و ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی.**
ماده ۵۸۳ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی)

❖ **الزامی نبودن دخالت وکیل در اقامه دعاوی، شکایت از آراء و دفاع از آنها.**

[۲]- **رأی وحدت رویه شماره ۷۱۴- ۱۳۸۸/۱۲/۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند بـه منظـور دادخـواهی بـه دادگاه‌های صالح رجوع نماید ... و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه بـه آن را دارد منـع کرد» انتخاب وکیل هم بنا به حکم مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی از حقوق اصحاب دعـوا اسـت و قـانون آیـین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز با تأکید بر حـق متـداعیین در انتخـاب وکیـل، در مـاده ۲ مقـرر داشته: « هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یـا قـائم‌مقـام یـا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.» و در ماده ۳۹ تصریح کرده: «در صورتی کـه وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسـی را تعقیب نماید ...» همچنین قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در فصل هشتم در قسمت اخیـر مـاده ۳۴ یادآور شده که اجرای مقررات این فصل نباید حق تظلم و مراجعه مستقیم و بدون مانع اشخاص به دادگاه‌ها و دیـوان عالی کشور را از آنان سلب نماید، بنابراین به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیـوان عـالی کشـور بـرای اقامه دعاوی حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آنها دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست.

اصل سی و ششم

حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.[۱]

اصل سی و هفتم

اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.[۲]

اصل سی و هشتم

هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلّف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.[۳]

اصل سی و نهم

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.[۴]

اصل چهلم

هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.[۵]

اصل چهل و یکم

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.[۶]

ر.ک: ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

[۱]- **ر.ک: مواد ۲، ۱۰ و ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.**

[۲]- **ر.ک: ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.**

[۳]- **ر.ک: بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی.**

[۴]- **ر.ک: ماده ۱۰۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰ مصوب رئیس قوه قضائیه.**

[۵]- **ر.ک: ماده ۱۳۲ قانون مدنی.**

[۶]- **ر.ک: کتاب دوم (در تابعیت) از جلد دوم قانون مدنی (در اشخاص).**

اصل چهل و دوم

اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.[۱]

فصل چهارم- اقتصاد و امور مالی

اصل چهل و سوم

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همهٔ کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳- تنظیم برنامهٔ اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴- رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.[۲]

۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

---

[۱]- **ر.ک: کتاب دوم (در تابعیت) از جلد دوم قانون مدنی (در اشخاص).**

[۲]- **ر.ک:**

- قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی.

- قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی.

- فصل نهم (تسهیل رقابت و منع انحصار) از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۶.

۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸- جلوگیری از سلطهٔ اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحلهٔ خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

اصل چهل و چهارم

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایهٔ سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیهٔ صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.[۱]

اصل چهل و پنجم

انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و ششم

هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

---

[۱]- **ر.ک: قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی.**

اصل چهل و هفتم

مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و هشتم

در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملّی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل چهل و نهم

دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیلهٔ دولت اجراء شود.[1]

❖ **صلاحیت دادگاه‌های انقلاب در رسیدگی به دعاوی اشخاص نسبت به اموالی که مصادره کرده است.**

[1]- **رأی وحدت رویه شماره ۵۸۱- ۱۳۷۱/۱۲/۰۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به فرمان مبارک امام راحل رضوان ا... تعالی علیه و مصوبه بیست و هفتم خرداد ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب تشکیل شده‌اند بر طبق اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحت نظارت دیوان عالی کشور به جرایمی که در اصل چهل و نهم قانون اساسی و قانون حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب مصوب یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی معین شده رسیدگی می‌نمایند و صلاحیت آنها نسبت به صلاحیت دادگاه‌های عمومی دادگستری اعم از حقوقی و کیفری از نوع صلاحیت ذاتی است.

احکام صادره از دادگاه‌های انقلاب در بعضی موارد علاوه بر جنبه کیفری و مجازات مرتکب واجد جنبه حقوقی هم می‌باشد و اموال نامشروع او را نیز شامل می‌شود. در چنین موردی هر نوع ادعای حقی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به این اموال عنوان شود ولو به ادعای خارج بودن آن مال از دارائی نامشروع محکوم علیه باشد رسیدگی آن برحسب شکایت شاکی و طبق ماده ۸ و تبصره ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی مصوب ۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۳ با دادگاه صادرکننده حکم می‌باشد و دادگاه انقلاب پس از رسیدگی اگر صحت ادعا را تشخیص دهد بر طبق ذیل اصل چهل و نهم قانون اساسی مال را به صاحبش رد می‌کند والا به بیت‌المال می‌دهد.

بنا به مراتب مزبور هیأت عمومی وحدت رویه دیوان عالی کشور براساس ذیل ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۷ تیر ماه ۱۳۲۸ در رأی وحدت رویه شماره ۵۷۵- ۱۳۷۱/۰۲/۲۹ تجدیدنظر نموده و با تغییر رای مزبور رسیدگی به ادعای اشخاص حقیقی یا حقوقی را نسبت به اموالی که دادگاه‌های انقلاب نامشروع شناخته و مصادره نموده‌اند در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب تشخیص می‌دهد.

❖ **رسیدگی به جرم راهزنی در صلاحیت محاکم عمومی است.**

رأی وحدت رویه شماره ۶۸۲- ۱۳۸۴/۱۰/۰۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب بند ۶ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، رسیدگی به دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی از جمله ثروت‌های ناشی از ربا، در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد.

اصل پنجاهم

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفهٔ عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.[۱]

اصل پنجاه و یکم

هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.[۲]

اصل پنجاه و دوم

بودجهٔ سالانهٔ کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.[۳]

اصل پنجاه و سوم

کلیهٔ دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همهٔ پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.[۴]

و بر طبق ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی رسیدگی به جرم رِباخواری در صلاحیت محاکم عمومی است.

❖ **مراجع صالح حقوقی و کیفری در اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۲۰۱- ۱۴۰۰/۱۱/۲۷: با توجه به مقررات قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۵ این قانون اصلاحیه آیین‌نامه نحوه رسیدگی به این‌گونه پرونده‌ها مصوب سال ۱۳۸۰ رئیس قوه قضاییه، رسیدگی دادگاه‌های اصل چهل و نهم قانون اساسی به موضوع، جنبه حقوقی دارد و دادگاه‌های اصل ۴۹ صرفاً به تحصیل ثروت از راه نامشروع رسیدگی می‌نمایند؛ در حالی که رسیدگی به جنبه جزایی جرائم مشمول این قانون که مربوط به اسباب نامشروع تحصیل ثروت از قبیل آنچه که در اصل چهل و نهم قانون اساسی ذکر شده، طبق قواعد و اصول کلی و با عنایت به رأی وحدت رویه شماره ۶۸۲ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۰۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با دادگاه‌های عمومی جزایی است.

ر.ک: قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی.

[۱]- **ر.ک: قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ مجلس شورای اسلامی.**

[۲]- **ر.ک: قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی.**

[۳]- **ر.ک: قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی.**

[۴]- **ر.ک:**

- قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی.

- تصویب‌نامه واریز کردن درآمدهای دولتی به حساب خزانه‌داری کل مصوب ۱۳۶۰ قوه قضائیه.

اصل پنجاه و چهارم

دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و ادارهٔ امـور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل پنجاه و پنجم

دیوان محاسبات به کلیهٔ حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هـایی که به نحوی از انحاء از بودجهٔ کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خـود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطـه را برابـر قـانون جمـع آوری و گزارش تفریغ بودجهٔ هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلـس شـورای اسـلامی تسـلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

فصل پنجم- حق حاکمیت ملّت و قوای ناشی از آن

اصل پنجاه و ششم

حاکمیّت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بـر سرنوشـت اجتمـاعی خـویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یـا گروهی خاص قرار دهد و ملّت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

اصل پنجاه و هفتم

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوهٔ مقننه، قوهٔ مجریه و قوهٔ قضائیه که زیـر نظـر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. ایـن قـوا مسـتقل از یکدیگرند.

اصل پنجاه و هشتم

اعمال قوهٔ مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شـود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجراء به قوهٔ مجریه و قضائیه ابـلاغ می‌گردد.

اصل پنجاه و نهم

در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوهٔ مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.[۱]

اصل شصتم

اعمال قوهٔ مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهدهٔ رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است.

اصل شصت و یکم

اعمال قوهٔ قضائیه به وسیلهٔ دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامهٔ حدود الهی بپردازد.

فصل ششم- قوهٔ مقننه

مبحث اول- مجلس شورای اسلامی

اصل شصت و دوم

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملّت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیّت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.[۲]

اصل شصت و سوم

دورهٔ نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دورهٔ قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.

اصل شصت و چهارم

عدهٔ نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال یکهزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود.
زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند.

---

[۱]- **ر.ک: قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی.**
[۲]- **ر.ک: قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی.**

محدودهٔ حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.

اصل شصت و پنجم

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامهٔ مصوب داخلی انجام می‌گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد.
برای تصویب آیین نامهٔ داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.[۱]

اصل شصت و ششم

ترتیب انتخاب رئیس و هیأت رئیسهٔ مجلس و تعداد کمیسیون‌ها و دورهٔ تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیلهٔ آیین‌نامهٔ داخلی مجلس معین می‌گردد.[۲]

اصل شصت و هفتم

نمایندگان باید در نخستین جلسهٔ مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم نامه را امضا نمایند.

بسم الله الرحمن الرحیم

«من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملّت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، ودیعه‌ای را که ملّت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملّت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مد نظر داشته باشم.»
نمایندگان اقلیت‌های دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد.
نمایندگانی که در جلسهٔ نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند مراسم سوگند را به‌جای آوردند.

اصل شصت و هشتم

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی

---

[۱]- **ر.ک: قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام.**
[۲]- **ر.ک: قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام.**

متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان بـه کـار خـود ادامـه خواهد داد.

اصل شصت و نهم

مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامهٔ رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسهٔ غیر علنی تشکیل مـی‌شـود. مصوبات جلسهٔ غیر علنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهـارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اصل هفتادم

رئیس جمهور و معاونان او، و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلـس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بداننـد، وزراء مکلّف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود.

مبحث دوم ـ اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی

اصل هفتاد و یکم

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

اصل هفتاد و دوم

مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهدهٔ شورای نگهبان است.

اصل هفتاد و سوم

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسـیری که دادرسان در مقام تمیز حق، از قوانین می‌کنند نیست.

اصل هفتاد و چهارم

لوایح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قـانونی بـه پیشـنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.

اصل هفتاد و پنجم

طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینهٔ جدید نیز معلوم شده باشد.

اصل هفتاد و ششم

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحّص در تمام امور کشور را دارد.

اصل هفتاد و هفتم

عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، قراردادها و موافقت نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هفتاد و هشتم

هر گونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور، به شرط این که یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هفتاد و نهم

برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراریِ نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

اصل هشتادم

گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.

اصل هشتاد و یکم

دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

اصل هشتاد و دوم

استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

اصل هشتاد و سوم

بناها و اموال دولتی که از نفایس ملّی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد.

اصل هشتاد و چهارم

هر نماینده در برابر تمام ملّت مسئول است و حق دارد در همهٔ مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.

اصل هشتاد و پنجم

سِمَت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجراء می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.

همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامهٔ سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازهٔ تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هشتاد و ششم

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.[1]

اصل هشتاد و هفتم

رئیس جمهور برای هیأت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل هشتاد و هشتم

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، دربارهٔ یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظّف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.

اصل هشتاد و نهم

۱- نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیأت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود.

هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر

❖ **کسب نظر هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس، در تشخیص اینکه رفتار نماینده در مقام ایفاء وظایف نمایندگی بوده یا نه.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۶۸۷- ۱۴۰۰/۱۰/۱۴:** مستفاد از نظریه نفسیری شماره ۳۰۳۶/۲۱/۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۳۰ شورای نگهبان ق.ا و تبصره یک ماده ۹ قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان مجلس مصوب ۱۳۹۱، صرف نمایندگی مجلس نافی مسئولیت مرتکب جرم نیست؛ بنابراین چنانچه به نظر مقام قضایی تردیدی در این باشد که رفتار نماینده مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی موضوع اصل هشتاد و ششم ق.ا جمهوری اسلامی ایران بوده و یا خیر، مطابق تبصره یک ماده ۹ قانون فوق‌الذکر تشخیص این امر با هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس است و مقام قضایی با کسب نظریات مزبور اقدام می‌کند.

ر.ک: مواد ۷۳، ۷۴ و ۷۵ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹.

برای پاسخ، نمایندگان مزبور دربارهٔ استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد.

اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیأت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند.

۲- در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوهٔ مجریه و ادارهٔ امور اجرائی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

اصل نودم

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوهٔ مجریه یا قوهٔ قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظّف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوهٔ مجریه و یا قوهٔ قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

اصل نود و یکم

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود.

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عدّه با مقام رهبری است.

۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوهٔ قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.[۱]

---

[۱]- مهم‌ترین وظایف شورای نگهبان عبارت است از:
- نظارت بر قانونگذاری، اصول ۴، ۷۱، ۷۲، ۹۱، ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی.
- تفسیر قانون اساسی، اصل ۹۸ قانون اساسی.
- نظارت بر انتخابات، ماده ۴ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری.
ماده ۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸.

اصل نود و دوم

اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند.

اصل نود و سوم

مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامهٔ نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.

اصل نود و چهارم

کلیهٔ مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظّف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجراء است.

اصل نود و پنجم

در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

اصل نود و ششم

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهدهٔ اکثریت همهٔ اعضای شورای نگهبان است.

اصل نود و هفتم

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره دربارهٔ لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

اصل نود و هشتم

تفسیر قانون اساسی به عهدهٔ شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

ماده ۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۸۶.
اصل ۹۹ قانون اساسی.

اصل نود و نهم

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری[۱]، ریاست جمهوری[۲]، مجلس شورای اسلامی[۳] و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی[۴] را بر عهده دارد.

فصل هفتم- شوراها

اصل یکصدم

برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، ادارهٔ امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوهٔ انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملّی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.[۵]

اصل یکصد و یکم

به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیهٔ برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود.

نحوهٔ تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.[۶]

اصل یکصد و دوم

شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

---

[۱]- **ر.ک: آیین‌نامه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری مصوب ۱۳۶۱ شورای نگهبان.**

[۲]- **ر.ک: قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی.**

[۳]- **ر.ک: قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی.**

[۴]- **ر.ک: قانون همه‌پرسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی.**

[۵]- **ر.ک: قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی.**

[۶]- **ر.ک: آیین‌نامه داخلی شورای عالی استان‌ها مصوب ۱۳۸۴ هیأت وزیران.**

اصل یکصد و سوم

استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

اصل یکصد و چهارم

به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیهٔ برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می‌شود.
چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند.[۱]

اصل یکصد و پنجم

تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.[۲]

اصل یکصد و ششم

انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند.[۳]
شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظّف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

فصل هشتم- رهبر یا شورای رهبری

اصل یکصد و هفتم

پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی «قدس سره الشریف» که از طرف اکثریت قاطع مردم به

---

[۱]- **ر.ک:**
- لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی- صنعتی- کشاورزی و خدماتی مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب.
- قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار مصوب ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی.
[۲]- **ر.ک: ماده ۸۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی.**
[۳]- **ر.ک: ماده ۸۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی.**

مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است.[۱] خبرگان رهبری دربارهٔ همهٔ فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همهٔ مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اصل یکصد و هشتم

قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامهٔ داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیلهٔ فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هر گونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

اصل یکصد و نهم

شرایط و صفات رهبر:

۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه.

۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امّت اسلام.

۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدّم است.

---

[۱]- **ر.ک:**

- قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری مصوب ۱۳۵۲ فقهای شورای نگهبان.

- آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری ۱۳۶۱ شورای نگهبان.

- آیین‌نامه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری مصوب ۱۳۸۵ شورای نگهبان.

اصل یکصد و دهم

وظایف و اختیارت رهبر:

۱- تعیین سیاست‌های کلّی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.[۱]

۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلّی نظام.

۳- فرمان همه پرسی.

۴- فرماندهی کل نیروهای مسلّح.

۵- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها.

۶- نصب و عزل و قبول استعفای:

الفـ فقهای شورای نگهبان.

بـ عالی‌ترین مقام قوهٔ قضائیه.

ج ــ رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

د ــ رئیس ستاد مشترک.

هـ ــ فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

و ــ فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.

۷- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه.

۸- حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۹- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دورهٔ اول به تأیید رهبری برسد.

۱۰- عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلّف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم.

۱۱- عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوهٔ قضائیه.[۲]

---

[۱]- **ر.ک: سیاست‌های کلی نظامی (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری) مصوب ۱۳۸۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام.**

[۲]- **ر.ک:**

- آیین‌نامه کمیسیون عفو، تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷ قوه قضائیه.

- ر.ک: ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

اصل یکصد و یازدهم

هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود بر کنار خواهد شد.

تشخیص این امر به عهدهٔ خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد.

در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظّفند، در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوهٔ قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همهٔ وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقهاء در شورا، به جای وی منصوب می‌گردد.

این شورا در خصوص وظایف بندهای (۱) و (۲) و (۳) و (۵) و (۱۰) و قسمت‌های (د) و (ه) و (و) بند (۶) اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند.

هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثهٔ دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.

اصل یکصد و دوازدهم

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبهٔ مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود.

اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید.

مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.[۱]

---

[۱]- **ر.ک: آیین‌نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۶۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام.**

فصل نهم- قوۀ مجریه

مبحث اول- ریاست جمهوری و وزراء

اصل یکصد و سیزدهم

پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوۀ مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

اصل یکصد و چهاردهم

رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

اصل یکصد و پانزدهم

رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:
ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

اصل یکصد و شانزدهم

نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهور را قانون معین می‌کند.[۱]

اصل یکصد و هفدهم

رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دورۀ نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورد، روز جمعۀ هفتۀ بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت می‌کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارندۀ آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند.

اصل یکصد و هجدهم

مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهدۀ شورای نگهبان است ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهدۀ انجمن نظارتی است که قانون تعیین می‌کند.[۲]

---

[۱]- **ر.ک: قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی.**
[۲]- **ر.ک: قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی.**

اصل یکصد و نوزدهم

انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دورهٔ ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصلهٔ انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دورهٔ ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری را انجام می‌دهد.

اصل یکصد و بیستم

هرگاه در فاصلهٔ ده روز پیش از رأی گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حایز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود.

اصل یکصد و بیست و یکم

رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوهٔ قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ

«من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملّت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملّت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملّت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملّت پس از خود بسپارم.»

اصل یکصد و بیست و دوم

رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملّت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.[۱]

---

[۱]- **ر.ک: قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی.**

اصل یکصد و بیست و سوم

رئیس جمهور موظّف است مصوبات مجلس یا نتیجهٔ همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجراء در اختیار مسئولان بگذارد.[۱]

اصل یکصد و بیست و چهارم

رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد.
معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی ادارهٔ هیأت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را به عهده خواهد داشت.

اصل یکصد و بیست و پنجم

امضای عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، موافقت نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نمایندهٔ قانونی او است.

اصل یکصد و بیست و ششم

رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند ادارهٔ آنها را به عهدهٔ دیگری بگذارد.

اصل یکصد و بیست و هفتم

رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران نماینده، یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران خواهد بود.

اصل یکصد و بیست و هشتم

سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

---

[۱]- **ماده ۱ قانون مدنی:** «مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجهٔ همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس‌جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس‌جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضاء و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامهٔ رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید.
تبصره- در صورت استنکاف رئیس‌جمهور از امضاء یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده، به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامهٔ رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید.»

اصل یکصد و بیست و نهم

اعطای نشان‌های دولتی با رئیس جمهور است.

اصل یکصد و سی‌ام

رئیس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد.

اصل یکصد و سی و یکم

در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوهٔ قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

اصل یکصد و سی و دوم

در مدتی که اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور بر عهدهٔ معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌گردد، وزراء را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام نمود.

اصل یکصد و سی و سوم

وزراء توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزراء لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و سی و چهارم

ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجراء می‌کند.

در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که بـه پیشـنهاد رئـیس جمهـور اتخـاذ مـی‌شـود لازم‌الاجراء است.

رئیس جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است.

اصل یکصد و سی و پنجم

وزراء تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس بـه آنهـا رأی عدم اعتماد نداده است در سِمَت خود باقی می‌مانند.

استعفای هیأت وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و هیأت وزیران تـا تعیـین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد.

رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سـه مـاه سرپرسـت تعیین نماید.

اصل یکصد و سی و ششم

رئیس جمهور می‌تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل یکصد و سی و هفتم

هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در امـوری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

اصل یکصد و سی و هشتم

علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین نامه‌های اجرائی قـوانین مـی‌شـود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب نامه و آیین نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصـوبات هیأت وزیران حق وضع آیین نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نبایـد بـا مـتن و روح قوانین مخالف باشد.

دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌هـای متشـکل از چنـد وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌هـا در محـدودهٔ قـوانین پـس از تأییـد رئـیس جمهـور لازم‌الاجراء است.

تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد.

اصل یکصد و سی و نهم

صلح دعاویِ راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و چهلم

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

اصل یکصد و چهل و یکم

رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایهٔ آن متعلّق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است.
سِمَت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.[1]

❖ **وظیفه اداره دولتی در اعلام تخلف تصدی بیش از یک شغل به هیأت‌های رسیدگی‌کننده به تخلفات اداری.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۳۱۲- ۱۳۹۹/۰۳/۱۷:** تصدی بیش از یک شغل در موارد مذکور در قانون، تخلف اداری است و مجازات آن به نحوی است که در تبصره ۵ ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ آمده است. اداره دولتی ذی‌ربط باید مراتب وقوع تخلف را به هیأت‌های رسیدگی‌کننده به تخلفات اداری گزارش کند.

❖ **فقدان اشکال قانونی تصدی دو شغل وکالت و کارشناس رسمی دادگستری.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۷۰۲- ۱۴۰۰/۱۰/۰۶: از آنجا که شغل وکالت و کارشناسی رسمی دادگستری، از مصادیق شغل دولتی و مشاغل مذکور در اصل یکصد و چهل و یکم ق.ا جمهوری اسلامی ایران نیستند تا مشمول منع موضوع قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ شوند و در قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ و آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۷ نیز تصریحی به ممنوع بودن تصدی دو شغل مذکور نشده است و با یکدیگر نیز منافاتی ندارند، لذا تصدی دو شغل وکالت و کارشناس رسمی دادگستری، فاقد اشکال قانونی است.
ر.ک: قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی.

اصل یکصد و چهل و دوم

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوۀ قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد.[۱]

مبحث دوم- ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اصل یکصد و چهل و سوم

ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد.[۲]

اصل یکصد و چهل و چهارم

ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

اصل یکصد و چهل و پنجم

هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

اصل یکصد و چهل و ششم

استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح آمیز باشد ممنوع است.

اصل یکصد و چهل و هفتم

دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی، و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید.

اصل یکصد و چهل و هشتم

هر نوع بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، رانندۀ شخصی و نظایر اینها ممنوع است.

---

[۱]- **ر.ک: قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی.**

[۲]- **ر.ک: قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی.**

اصل یکصد و چهل و نهم

ترفیع درجهٔ نظامیان و سلب آن به موجب قانون است.

اصل یکصد و پنجاهم

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامهٔ نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلّح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیلهٔ قانون تعیین می‌شود.[۱]

اصل یکصد و پنجاه و یکم

به حکم آیهٔ کریمهٔ «وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدْوَّ اللّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لاَ تَعْلَمُونَهُمُ اللّهُ يَعْلَمُهُمْ »[۲] دولت موظف است برای همهٔ افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلّحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازهٔ مقامات رسمی باشد.

فصل دهم- سیاست خارجی

اصل یکصد و پنجاه و دوم

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همهٔ مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

اصل یکصد و پنجاه و سوم

هرگونه قرارداد که موجب سلطهٔ بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.

اصل یکصد و پنجاه و چهارم

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همهٔ مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه

---

[۱]- **ر.ک: اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی.**

[۲]- سورهٔ انفال، آیهٔ ۶۰.

دخالت در امور داخلی ملّت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

اصل یکصد و پنجاه و پنجم

دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند.[۱]

فصل یازدهم- قوهٔ قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و ششم

قوهٔ قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم

به منظور انجام مسئولیت‌های قوهٔ قضائیه در کلیهٔ امور قضایی و اداری و اجرائی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوهٔ قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوهٔ قضائیه است.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم

وظایف رئیس قوهٔ قضائیه به شرح زیر است:[۲]

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم.

---

[۱]- **ر.ک: قانون کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن مصوب ۱۳۵۵ مجلس شورای اسلامی.**

❖ **لزوم صدور ابلاغ دادرسی با ذکر عناوین مشاغل قضایی.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۷۱۰- ۱۴۰۰/۱۲/۱۷:** مستفاد از بند سوم اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صدور ابلاغ دادرسی باید با ذکر عناوین مشاغل قضایی مندرج در قوانین مربوطه صورت پذیرد و لذا صرف ابلاغ دادرس به صورت مطلق کفایت نمی‌کند.

۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.[۱]

اصل یکصد و پنجاه و نهم

مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.[۲]

اصل یکصد و شصتم

وزیر دادگستری مسئولیت کلیهٔ مسائل مربوطه به روابط قوهٔ قضائیه با قوهٔ مجریه و قوهٔ مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوهٔ قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد. رئیس قوهٔ قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی‌ترین مقام اجرائی پیش بینی می‌شود.

اصل یکصد و شصت و یکم

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویهٔ قضایی[۳] و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که رئیس قوهٔ قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

---

[۱]- **ر.ک: قانون راجع به استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب ۱۳۴۳ مجلس شورا.**

❖ **قابل استماع بودن دعاوی مربوط به اسناد رسمی و قروض اقساطی لازم‌الاجراء در مراجع دادگستری.**

[۲]- **رأی وحدت رویه شماره ۱۲- ۱۳۶۰/۰۳/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

نظر به اینکه مرجع تظلمات عمومی دادگستری است فلذا بجز آنچه که در قانون مستثنی شده انواع مختلفه دعاوی از جمله دعاوی مربوط به اسناد رسمی و قبوض اقساطی لازم‌الاجراء در دادگاه‌های دادگستری قابل استماع و رسیدگی است و حکم ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد و املاک مبنی بر اینکه مدلول کلیه اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول بدون احتیاج حکمی از محاکم دادگستری لازم‌الاجراء است منافات و مغایرتی با حق و اختیار اقامهٔ دعوی در دادگاه‌های دادگستری ندارد و لازم‌الاجراء بودن اسناد مزبور مزیتی است که در قانون برای چنین اسنادی در نظر گرفته است تا صاحبان حق بتوانند از هر طریقی که مصلحت و مقتضی می‌دانند برای احقاق حق خود اقدام نمایند.

ر.ک:

- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی.

- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی.

- قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی.

[۳]- **ر.ک: ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی.**

اصل یکصد و شصت و دوم

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوهٔ قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سِمَت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و سوم

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیلهٔ قانون معین می‌شود.[۱]

اصل یکصد و شصت و چهارم

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلّفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دایم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سِمَتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوهٔ قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلّی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و شصت و پنجم

محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.[۲]

اصل یکصد و شصت و ششم

احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.[۳]

---

[۱]- **ر.ک: قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی.**

[۲]- **ر.ک:**

- ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی.

- دستورالعمل نحوه انتشار احکام دادگاه‌ها و برگزاری دادگاه علنی مصوب ۱۴۰۰.

[۳]- **ر.ک:**

- ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی.

- ماده ۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی.

اصل یکصد و شصت و هفتم

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانهٔ سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.[۱]

اصل یکصد و شصت و هشتم

رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوهٔ انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه[۲] و تعریف جرم سیاسی[۳] را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.[۴]

اصل یکصد و شصت و نهم

هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.[۵]

---

[۱]- **ر.ک: ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی.**

[۲]- **ر.ک: قانون هیأت منصفه مصوب ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی.**

[۳]- **ر.ک: قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی.**

❖ **استقلال قاضی در صدور رأی و تکلیف به رعایت قانون و عدم الزام به تبعیت از نظر هیأت منصفه.**

[۴]- **رأی وحدت رویه شماره ۸۳۷-۱۴۰۲/۰۷/۰۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (فرق دارد)**

مطابق اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. به موجب تبصره یک الحاقی ماده ۴۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۳۰ پس از اعلام نظر هیأت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم کرده و مبادرت به صدور رأی می‌نماید. نظر به اینکه حکم تبصره مذکور در مورد تکلیف دادگاه به صدور رأی طبق قانون اطلاق داشته و شامل مجرمیت و برائت متهم می‌شود و با توجه به اصل یکصد و شصت و ششم قانون اساسی و ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رأی دادگاه باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن صادر شده است. بنابراین در مواردی که نظر اکثریت هیأت منصفه بر بی‌گناهی متهم باشد، اما دادگاه با لحاظ ادله موجود در پرونده رفتار منتسب به وی را طبق قانون، جرم و مستوجب مجازات تشخیص دهد، با عنایت به استقلال قاضی در صدور رأی و تکلیف وی به رعایت قانون ملزم به تبعیت از نظر هیأت منصفه نمی‌باشد و به استناد قانون، حکم به محکومیت متهم صادر می‌کند. بنا به مراتب رأی شعبه بیست و ششم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد با اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

[۵]- **ر.ک: ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی.**

اصل یکصد و هفتادم

قضات دادگاه‌ها مکلّفند از اجرای تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوهٔ مجریه است خودداری کنند و هرکس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.[۱]

اصل یکصد و هفتاد و یکم

هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیلهٔ دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعادهٔ حیثیت می‌گردد.[۲]

اصل یکصد و هفتاد و دوم

برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد[۳]، ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.[۴]

---

[۱]- **ر.ک: ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی.**

❖ **منوط بودن رسیدگی به جبران خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی به احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه انتظامی قضات.**

[۲]- **رأی وحدت رویه شماره ۷۹۱- ۱۳۹۹/۰۴/۱۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

با عنایت به ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۰۷/۱۷ رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دادگاه عمومی حقوقی تهران منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات است. بنابراین مدعی ورود خسارت مذکور ابتدا باید درخواست خود را به دادگاه عالی انتظامی قضات تقدیم و پس از احراز تقصیر یا اشتباه قاضی، دعوا را حسب مورد، به طرفیت قاضی مقصر یا دولت در دادگاه عمومی حقوقی صالح اقامه کند. بر این اساس، رأی شماره ۰۰۶۴۶ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۳۰ شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود.

ر.ک: ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی.

[۳]- **ر.ک:**

- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی.

- قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی.

[۴]- **ر.ک: ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی.**

دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوهٔ قضائیهٔ کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.[۱]

اصل یکصد و هفتاد و سوم

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوهٔ قضائیه تأسیس می‌گردد.

حدود اختیارات و نحوهٔ عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.[۲]

❖ **صلاحیت دادگاه‌های کیفری در رسیدگی به جرائم نظامیان به عنوان ضابط دادگستری طبق قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در صورت انطباق رفتار با این قانون.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۵۳۳- ۱۴۰۲/۰۷/۲۵:** به عبارت دیگر ماده ۵۹۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، صرفاً در مقام اعلام مرجع صالح برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح است؛ نه در مقام بیان قانون حاکم بر جرایم افراد نظامی و با توجه به اینکه ضابط دادگستری بودن فرد نظامی، وصف نظامی را از وی زائل نمی‌کند؛ لذا در مواردی که رفتار مجرمانه فرد نظامی قابل انطباق با قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ باشد و همزمان منطبق با ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ نیز باشد، مقررات قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به عنوان قانون خاص اجرا می‌شود؛ صرف‌نظر از اینکه رسیدگی به جرم مذکور در صلاحیت دادگاه نظامی باشد (چنانچه جرم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی باشد) یا به علت ارتکاب جرم مذکور توسط فرد نظامی در مقام اجرای وظایف خود به عنوان ضابط دادگستری در صلاحیت دادگاه‌های کیفری عمومی باشد.

❖ **قابلیت اعتراض آراء کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها توسط سازمان‌های دولتی در مراجع دادگستری.**

[۲]- **رأی وحدت رویه شماره ۶۹۹- ۱۳۸۶/۰۳/۲۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

قانونگذار برای آراء صادره از مراجع غیردادگستری نوعاً مرجعی را برای رسیدگی به اعتراضات و رفع اشتباهات احتمالی تعیین نموده است، در حالی که برای رسیدگی به اعتراض نسبت به آراء کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری که ابتدائاً رسیدگی می‌نماید چنین مرجعی پیش‌بینی نشده است، بنا به مراتب، همانطور که به موجب اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مردم می‌توانند اعتراضات خود را در دیوان عدالت اداری مطرح نمایند، سازمان‌های دولتی نیز می‌توانند برای رفع هر نوع تخلف احتمالی از قانون، در صدور آراء کمیسیون ماده ۷۷ از حیث نقص قوانین یا مقررات و مخالفت با آنها، به مراجع دادگستری که مرجع تظلم عمومی است مراجعه نمایند.

❖ **عدم تجویز رسیدگی به اعتراض اشخاص حقوقی حقوق عمومی (سازمان‌های دولتی) در دیوان عدالت اداری نافی صلاحیت مراجع دادگستری در رسیدگی به دعاوی طرح شده از طرف مؤسسات مزبور نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۹۱۴- ۱۳۹۹/۰۸/۱۸: در اصل ۱۷۳ ق.ا با توجه به معنی لغوی و عرفی کلمه «مردم»، واحدهای دولتی و عمومی از شمول «مردم» خارج و به اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی اطلاق می‌شود و از طرفی به موجب اصل یکصد و پنجاه و نهم ق.ا، مرجع رسمی رسیدگی به تظلّمات و شکایات، «دادگستری» است، لذا عدم تجویز رسیدگی به اعتراضات اشخاص حقوقی حقوق عمومی، نظیر مؤسسات دولتی در دیوان عدالت اداری مسقط و نافی صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های عمومی در رسیدگی به دعاوی طرح شده از سوی مؤسسات مزبور مبنی بر ابطال آرای قطعی مراجع حل اختلاف کار نمی‌باشد و رسیدگی به این دعاوی در صلاحیت محاکم عمومی است.

ر.ک: قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم

براساس حق نظارت قوهٔ قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوهٔ قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.[۱]

فصل دوازدهم- صدا و سیما

اصل یکصد و هفتاد و پنجم

در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوهٔ قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت.

خط مشی و ترتیب ادارهٔ سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.[۲]

فصل سیزدهم- شورای عالی امنیّت ملّی

اصل یکصد و هفتاد و ششم

به منظور تأمین منافع ملّی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملّی، «شورای عالی امنیت ملّی» به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.[۳]

۱- تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدودهٔ سیاست‌های کلّی تعیین شده از طرف مقام رهبری.

۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلّی دفاعی - امنیتی.

۳- بهره گیری از امکانات مادّی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

اعضای شورا عبارتند از:

- رؤسای قوای سه گانه.

---

[۱]- **ر.ک: قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی.**

[۲]- **ر.ک:**

- اساسنامه سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی.

- قانون اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی.

[۳]- **ر.ک: قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی.**

- رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلّح.
- مسئول امور برنامه و بودجه.
- دو نماینده به انتخاب مقام رهبری.
- وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات.
- حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه.

شورای عالی امنیت ملّی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود.

حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد.

مصوبات شورای عالی امنیت ملّی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراء است.

فصل چهاردهم- بازنگری در قانون اساسی

اصل یکصد و هفتاد و هفتم

بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد:

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا تتمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید:

۱- اعضای شورای نگهبان.

۲- رؤسای قوای سه گانه.

۳- اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۴- پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری.

۵- ده نفر به انتخاب مقام رهبری.

۶- سه نفر از هیأت وزیران.

۷- سه نفر از قوهٔ قضائیه.

۸- ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی.

۹- سه نفر از دانشگاهیان.

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند.

مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی بـه تصـویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد.

رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست.

محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیهٔ قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایتِ امـر و امامـتِ امت و نیز ادارهٔ امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.

دفتر اول:

قوانین جزائی

فصل اول: قانون مجازات اسلامی و قوانین مرتبط

فصل دوم: قوانین جزائی تعرض به اموال

فصل سوم: قوانین جزائی متفرقه

قانون مجازات اسلامی[1]

مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱

کتاب اول- کلیات

بخش اول ـ مواد عمومی

فصل اول ـ تعاریف

ماده ۱ـ قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسؤولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است.

ماده ۲ـ هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.[2]

فصل دوم ـ قلمرو اجرای قوانین جزائی در مکان

ماده ۳ـ قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۴ـ هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.

ماده ۵ـ هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند:

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران.

ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن.

پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل

---

[1]- به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۹۸۷۳- ۱۳۹۲/۰۳/۰۶.

[2]- **ر.ک: اصول ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی.**

کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس جمهور یا استفاده از آنها.

ت- جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها.

ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل.

ماده ۶ـ به جرائم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند و به جرائم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می‌شود.

ماده ۷ـ علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه:[1]

الف- رفتار ارتکابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب- در صورتی که جرم ارتکابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

پ- طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

ماده ۸ـ هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

الف- متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

❖ **تعقیب رسیدگی به جرم اتباع ایرانی که در خارج از کشور تحقق یافته منوط به حضور مرتکب در ایران است و در صورت حضور مرتکب در ایران تعقیب متهم در صلاحیت دادگاه محل دستگیری است.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۱۳۱- ۱۴۰۲/۰۸/۱۶:** اولاً، صراحت مفاد ماده ۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ حکایت از آن دارد که رسیدگی به جرم اتباع ایرانی که در خارج از کشور تحقق یافته، منوط به احراز یکی از دو شرط است: «... در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد ...» و مراد مقنن از عبارات اخیر، حضور متهم در قلمرو جمهوری اسلامی ایران است و بدون حضور وی در ایران، بزه ارتکابی قابل تعقیب نخواهد بود و چنانچه تعقیب کیفری متهم آغاز شده باشد، در هر مرحله از مراحل رسیدگی، اعم از دادسرا یا دادگاه موقوف می‌شود.

ثانیاً، رسیدگی به جرمی که هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب می‌شود، با توجه به ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ حسب مورد در صلاحیت دادگاه محل دستگیری است.

ب- رفتار ارتکابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.

ماده ۹ـ مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.

فصل سوم ـ قلمرو اجرای قوانین جزائی در زمان

ماده ۱۰ـ در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است[۱] و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم‌الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود:[۲]

---

[۱]- **ر.ک: اصول ۳۶ و ۱۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.**

❖ **نمونه درخواست اعاده دادرسی برای محکومان به قصاص نفس که سن آنان در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال تمام بوده است.**

[۲]- **رأی وحدت رویه شماره ۷۳۷- ۱۳۹۳/۰۹/۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

نظر به اینکه مقررات بند «ب» ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ با توجه به عبارت صدر ماده از جرائم حدود و قصاص انصراف دارد و اختیارات پیش بینی شده برای قاضی اجرای احکام در مورد درخواست اصلاح و یا حق مراجعهٔ محکوم‌علیه به دادگاه برای تخفیف مجازات به نحوی که در بند مذکور مقرر شده است با بند ۷ ماده (۲۷۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مغایرتی نداشته و آن را نسخ ننموده است لذا محکومان به قصاص نفس که سن آنان در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال تمام بوده و احکام قطعی محکومیت آنان قبل از لازم‌الاجراء شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ صادر شده، چنانچه مدعی مشمول شرایط مقرر در ماده (۹۱) این قانون باشند به لحاظ اینکه تبدیل و تغییر مجازات به ترتیب مذکور در این ماده مآلاً تخفیف مجازات و تعیین کیفر مساعدتر به حال متهم به شمار می‌آید می‌توانند بر اساس بند ۷ ماده (۲۷۲) قانون آئین دادرسی مذکور در فوق درخواست اعادهٔ دادرسی نمایند. بنا به مراتب رأی شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح تشخیص می‌گردد.

❖ **مقررات تبصره ماده ۵۷ ق.م.ا الحاقی ۱۳۹۹ از جمله قوانین مساعد به حال مرتکب است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۳۰- ۱۳۹۹/۰۸/۲۷: تبصره‌های الحاقی به مواد ۵۷ و ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۹ موضوع مواد ۸ و ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، ناظر به تجویز استفاده از نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه الکترونیکی در جرایم تعزیری درجه دو، سه و چهار است و از آنجا که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری از «زمره قوانین مساعد به حال مرتکبین» موضوع صدر ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ است، نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون قابل اعمال (مؤثر) است.

الف- اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی‌شود و اگر در جریان اجراء باشد اجرای آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است هیچگونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.

ب- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولیّ یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.[1]

تبصره- مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین و یا موارد خاص وضع شده است، مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی‌شود.[2]

❖ **ملاک اعمال مقررات بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا مجازات قانونی است به قضایی.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۶۰- ۱۳۹۹/۰۴/۲۸:** ملاک اعمال مقررات بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ اخف بودن قانون لاحق نسبت به قانونی سابق است؛ نه مجازات قضایی مندرج در حکم.

❖ **قابلیت تجدیدنظرخواهی رأی صادره براساس بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۰۲- ۱۳۹۹/۰۸/۲۴: رأی صادر شده از دادگاه کیفری براساس بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با توجه به اصل قابلیت تجدیدنظرخواهی از آراء مذکور در ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، از حیث تجدیدنظرخواهی تابع عمومات حاکم بر تجدیدنظر از آراء دادگاه‌ها است.

❖ **عدم قابلیت اعمال بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا در مورد احکام غیابی و قابلیت اصلاح رأی غیابی بدون ورود به ماهیت.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۵۱- ۱۳۹۹/۰۹/۰۲: بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ناظر به «آراء قطعی و لازم‌الاجرا» است و نسبت به آراء غیابی که فاقد وصف قطعیت است، اعمال نمی‌شود؛ با این وجود در مواردی که پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف مجازات وضع شود؛ نظیر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، آراء غیابی مشمول صدر ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ (تا صدور حکم قطعی) است.

❖ **عدم جواز دادگاه در ورود به ماهیت حکم در اعمال بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۲۵۲- ۱۴۰۰/۰۵/۰۴: مستفاد از بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، دادگاه صادرکننده حکم قطعی تنها در حدود مقرر در این بند مجاز به صدور حکم اصلاحی و تخفیف مجازات است و حق ورود به ماهیت و اتخاذ تصمیم در مواردی از قبیل مجرمیت، برائت، تغییر عنوان مجرمانه، بررسی ادله جرم و موانع مسئولیت کیفری را ندارد و تنها پیرامون تعیین مجازات با لحاظ قانون لاحق اقدام می‌کند؛ بنابراین در حدودی که قانون جدید اقتضاء می‌کند و پیش از ان شرایط قانونی وجود نداشته، امکان تخفیف مجازات و یا استفاده از نهادهای ارفاقی، مانند تعیین مجازات جایگزین حبس یا تعلیق اجرای مجازات وجود دارد. بدیهی است حق مکتسبه قبلی محکوم‌علیه در تخفیف مجازات یا برخورداری از نهادهای ارفاقی در رأی تصحیحی باید لحاظ شود.

❖ **جرم بودن تخلف از مفاد پیمان یا تعهدات ارزی.**

[2]- **رأی وحدت رویه شماره ۶۱۶- ۱۳۷۶/۰۳/۰۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

ماده ۱۱ـ قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می‌شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت[۱]

ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم[۲]

پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی

ت- قوانین مربوط به مرور زمان

به موجب ماده ۵ قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب اسفند ماه سال ۱۳۳۶ و تبصره یک آن صادرکنندگان کالا بایستی در موقع صدور، متعهد شوند که ارز حاصل از صادرات خود را به ایران انتقال داده و به بانک‌های مجاز دولتی بفروشند و مطابق ماده ۷ قانون مذکور تخلف از مفاد پیمان که اصطلاحاً پیمان یا تعهد ارزی نامیده می‌شود جرم محسوب می‌گردد و ماده ۱۳ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب سال ۷۲ که صادرکنندگان کالا (به استثنای نفت خام و فرآورده‌های پایین دستی آن) را از تعهد ارزی معاف نموده به معنای جرم ندانستن عمل و یا تخفیف در مجازات مقرره نیست تا مشمول ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی [تبصره ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲] گردیده از مجازات معاف شود بلکه صرفاً ناظر به عدم انعقاد پیمان ارزی در همان سال ۷۲ می‌باشد بخصوص که ماده اخیرالذکر عدم اعمال مفاد آن را در مورد قوانینی که برای مدّت معین و موارد خاص وضع گردیده با صراحت قید کرده است علیهذا رأی شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که متضمن نقض حکم برائت متخلف از تعهد ارزی و محکومیت وی می‌باشد نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌شود.

❖ **عدم تأثیر کاهش مجازات مبس تعزیری در قابلیت فرجام‌خواهی از آراء.**

[۱]- **رأی وحدت رویه شماره ۷۹۶- ۱۳۹۹/۰۷/۰۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

نظر به اینکه مطابق قسمت دوم ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض، تجدیدنظر و فرجام تابع قوانین مجری در زمان صدور آن است و این حکم که یکی از قواعد تضمین‌کننده حقوق مکتسب اصحاب دعوا است، در امور کیفری نیز جاری است و به همین سبب حکم مندرج در بند «الف» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر اجرای فوری قوانین مربوط به صلاحیت، منصرف از قاعده مذکور است. بنابراین، چنانچه رأی دادگاه کیفری با توجه به درجه مجازات قانونی جرم در زمان صدور، مطابق ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قابل فرجام در دیوان عالی کشور باشد، کاهش مجازات به موجب قانون جدید تأثیری در قابلیت فرجام رأی ندارد. بر این اساس رأی شعبه بیستم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء هیأت عمومی صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود.

❖ **رأی وحدت رویه شماره ۳۳- ۱۳۵۲/۰۳/۳۰ منصرف از بند «الف» ماده ۱۱ ق.م.ا است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۱۵۵- ۱۴۰۰/۱۲/۱۷: با توجه به اینکه موضوع رأی وحدت رویه شماره ۳۳ مورخ ۱۳۵۲/۰۳/۳۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ناظر به انتزاع محل وقوع بزه از حوزه قضایی دادگاه در حال رسیدگی است و از مقررات بند «الف» ماده ۱۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که ناظر بر قوانین مربوط به صلاحیت منصرف است، بنابراین بحث الغای رأی وحدت رویه مزبور منتفی است.

ر.ک: ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹.

❖ **تغییرات قانونی از حیث ادله دادرسی از جمله قسامه و سوگند در طول دادرسی عطف به ماسبق می‌شوند.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۸۳۷- ۱۳۹۸/۰۶/۲۰:** طبق بند «ب» ماده ۱۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می‌شوند؛ بنابراین چنانچه در طول دادرسی تا زمان صدور حکم قطعی تغییری در قانون از حیث ادله دادرسی صورت گیرد، باید مطابق قانون جدید حکم صادر شود. قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی طبق ماده ۱۶۰ قانون مذکور از ادله اثبات جرم است و مشمول بند «ب» ماده ۱۱ این قانون و تبصره این ماده می‌باشد.

تبصره- در صورتی که در مورد بند (ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌شود.

فصل چهارم ـ قانونی بودن جرائم، مجازات‌ها و دادرسی کیفری

ماده ۱۲- حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.[۱]

ماده ۱۳- حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسؤولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.[۲]

❖ **ماهیت جزای نقدی و عدم وجاهت صدور حکم به جزای نقدی در حق نهادهای حمایتی.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۰۲- ۱۳۹۹/۰۹/۱۵:** جزای نقدی به عنوان درآمدهای دولت به حساب درآمد عمومی به خزانه‌داری کل کشور باید واریز گردد، بنابراین صدور حکم به پرداخت جزای نقدی در حق نهادهای حمایتی از جمله سازمان بهزیستی و یا کمیته امداد امام و ... هرچند که توأم با اهداف خیرخواهانه باشد، فاقد وجاهت قانونی است.

ر.ک:

- اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

- ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

❖ **جبران خسارت ناشی از بازداشت قبل از لازم‌الاجرا شدن ق.م.ا و ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ منوط بر اینکه حکم برائت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب پس از لازم‌الاجرا شدن قوانین مذکور صادر شده باشد.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۳۴۱- ۱۴۰۲/۰۴/۲۴:** جبران خسارت از بازداشت شدگانی که با صدور حکم برائت یا قرار منع پیگرد قطعی، بی‌گناهی آنان اثبات می‌شود، در اصل یکصد و هفتاد و یکم ق.ا جمهوری اسلامی ایران و در ماده ۵۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ و سپس در ماده ۱۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مورد حکم قرار گرفت و آنچه در مواد ۲۵۵ تا ۲۶۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص وضع شده است، از حیث ماهوی متضمن وضع قاعده جدیدی نیست؛ بلکه صرفاً ناظر بر شکل و نحوه جبران خسارت است. مطابق ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک، بازداشت شدگان بی‌گناه باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواست جبران خسارت وارده را به کمیسیون استانی تقدیم کنند؛ بنابراین در فرضی که تاریخ بازداشت متهم بی‌گناه قبل از لازم‌الاجرا شدن ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ بوده و حکم برائت یا قرار منع تعقیب قطعی بعد از لازم‌الاجرا شدن این قانون صادر شده است، مشمول مقررات مواد ۲۵۵ تا ۲۶۱ قانون پیش گفته است.

ر.ک:

- اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

- مواد ۲۵۵ الی ۲۶۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲.

بخش دوم ـ مجازات‌ها

فصل اول ـ مجازات‌های اصلی

ماده ۱۴ـ مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است:

الف- حد

ب- قصاص

پ- دیه

ت- تعزیر

تبصره ـ چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود. اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده (۲۰) خواهد بود.[۱]

❖ **مسئولیت کیفری شخص حقوقی در جرائم عمدی و غیرعمدی.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۹۷۳- ۱۳۹۸/۰۶/۲۶:** مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با لحاظ تبصره ماده ۱۴ و ماده ۲۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ناظر به جرایم تعزیری اعم از عمدی و غیرعمدی است.

❖ **محکومیت شخص حقوقی به پرداخت دیه و خسارت با لحاظ ارکان مسئولیت مدنی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۸۰- ۱۴۰۰/۰۲/۲۵: مستفاد از مواد ۱۴۳ و ۴۵۲ و تبصره ماده ۱۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۸۴ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، در حوادث ناشی از کار و دیگر حوادث منتهی به فوت یا صدمه اشخاص که از این حیث مسئولیت کیفری متوجه شخص حقوقی شود، در خصوص احراز رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت بدنی وارد شده، مرجع قضایی با لحاظ ارکان مسئولیت مدنی و با ملاحظه همه جوانب و مندرجات پرونده و از جمله جلب نظر کارشناس در امور فنی و تخصصی، نسبت به احراز رابطه علیت اقدام می‌کند.

❖ **مسئولیت شخص حقوقی در مورد دیه و خسارت بر پایه مسئولیت سازمانی است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۷۳- ۱۴۰۰/۰۳/۲۶: مستفاد از تبصره ماده ۱۴ ق.م.ا که مقرر داشته است چنانچه رابطه علیت منحصراً بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود، مسئولیت شخص حقوقی در مورد دیه و خسارت، نه براساس تقصیر فردی بلکه بر پایه مسئولیت سازمانی یعنی عملکرد شخص حقوقی مستقر است؛ زیرا مجموع ساختار و رویه‌های شخص حقوقی که عملکرد فرد نیز جزئی از آن است منجر به ایراد خسارت شده است. بنابراین هرگاه بتوان صدمه وارد شده را ناشی از اشکالات ساختاری و رویه‌ای شخص حقوقی دانست و در نتیجه صدمه یا خسارت وارده را به آن منتسب کرد؛ مسئولیت پرداخت دیه به استناد تبصره ماده ۱۴ ق.م.ا و اخذ ملاک از ماده ۱۸۴ قانون کار و ماده ۱۲ ق.م.م و در نظر گرفتن حکم ماده ۴۵۲ ق.م.ا به عهده شخص حقوقی است.

❖ **بلامانع بودن محکومیت شخص حقوقی به پرداخت دیه و متهم محسوب نشدن شخص حقوقی از میث پرداخت دیه یا خسارت.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۷۱۶- ۱۴۰۲/۰۹/۱۴: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با لحاظ تبصره ماده ۱۴ و ماده ۲۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ناظر به جرایم تعزیری و منصرف از موارد پرداخت دیه است؛ لکن با عنایت به تعریف مقرر در ماده ۱۷ قانون مورد بحث و بعضی مواد دیگر این قانون از جمله ماده ۴۵۲ و تبصره آن و همچنین مسئولیت عاقله یا بیت‌المال در پرداخت دیه، می‌توان دیه را جبران خسارت ناشی از جنایت هم دانست؛ لذا در صورت وجود رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده، محکومیت شخص حقوقی به پرداخت دیه بلامانع است؛ لکن شخص

ماده ۱۵ـ حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجـرای آن در شـرع مقـدس، تعیـین شده است.

ماده ۱۶ـ قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح منـدرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود.

ماده ۱۷ـ دیه اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایـت غیرعمـدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود.

ماده ۱۸ـ تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیسـت و بـه موجـب قـانون در موارد ارتکاب محرمات شرعـی یا نقض مقررات حکـومتی تعیـین و اعمـال مـی‌گـردد. نـوع، مقـدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیـین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقـررات قـانونی، مـوارد زیـر را مـورد توجـه قـرار می‌دهد:[1]

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی

تبصره (الحاقی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حـداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قـانونی،

حقوقی از حیث پرداخت دیه، متهم محسوب نمی‌شود و مفاد ماده ۱۸۴ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ نیـز مؤیـد ایـن مطلـب است. بنابراین در جرایم غیرعمدی که صرفاً مستلزم پرداخت دیه است و فقط از شخص حقوقی مطالبه دیـه شـده اسـت، تعقیب نماینده قانونی وی و رسیدگی به اتهام شخص حقیقی منتفی است.

ر.ک: مواد ۲۰ و ۱۴۳ همین قانون.

❖ امکان تغییر مجازات در دادگاه تجدیدنظر در موردی که مجازات جرم متعدد و تغییری است.

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۳۷۴- ۱۳۹۹/۰۴/۲۴:** در فرضی که مجـازات جـرم بـه صـورت متعـدد و تخییـری تعیین شده است، مستفاد از مواد ۴۵۴ و ۴۵۷ ق.آ.د.ک و ماده ۱۸ ق.م.ا و ضـرورت تعیـین مجـازات تعزیـری متناسـب، دادگاه تجدیدنظر در تعیین مجازات، دارای اختیارات دادگاه نخسـتین اسـت؛ لـذا چنانچـه دادگـاه تجدیـدنظر، مجـازات مذکور در حکم نخستین را متناسب نداند، هرچند هیچ یک از جهات مخففه نظیـر جهـات تخفیـف مـذکور در مـاده ۳۸ ق.م.ا نیز وجود نداشته باشد، می‌تواند نسبت به انتخاب مجازات تخییری دیگر مقرر در قانون اقدام کند. بدیهی اسـت کـه تغییر مجازات باید به گونه‌ای باشد که با توجه به ماده ۴۵۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، موجب تشدید مجازات نشود.

❖ حبس تأدیبی همان حبس تعزیری است.

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۰۰۳- ۱۴۰۰/۱۱/۱۱: حبس تأدیبی مقرر در قـوانین پـیش از انقـلاب اسـلامی ۱۳۵۷ همان حبس تعزیری است که در ماده ۱۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ تعریف شده است.

علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند و عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار[۱] می‌باشد.[۲]

---

[۱]- به موجب ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ مجازات انتظامی درجه چهار: کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال.

❖ **تجویز اعاده دادرسی در صورت تعیین مجازات حبس بیش از حداقل مجازات بدون ذکر علت آن.**

[۲]- **رأی وحدت رویه شماره ۸۳۴- ۱۴۰۲/۰۵/۲۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

مطابق تبصره الحاقی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی موضوع ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، چنانچه دادگاه در حکم صادره، مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین نماید، باید مبتنی بر بندهای این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت آن را ذکر کند و با توجه به فلسفه وضع قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در واقع از حیث تعیین مجازات مورد حکم، مجازات مقرر در قانون همان حداقل مجازات حبس است. بنابراین در مواردی که دادگاه بدون رعایت تبصره مذکور، مجازات حبس تعزیری را بیش از میزان حداقل تعیین نماید، مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی محسوب می‌شود و به موجب قسمت اخیر بند «چ» ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از موجبات تجویز اعاده دادرسی است. بنا به مراتب، رأی شعبه سی و هشتم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر مطابقت دارد با اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود.

❖ **ذکر علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات قانونی منصرف از مجازات‌های جزای نقدی و شلاق است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۲۱- ۱۳۹۹/۰۴/۱۱: مقررات تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ به مجازات شلاق و جزای نقدی تسری ندارد و طبق تصریح قانون صرفاً مربوط به مجازات حبس است.

❖ **در تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا مجازات قانونی تقلیل نیافته و از موارد بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۶۱۵- ۱۳۹۹/۰۵/۱۵: در تبصره الحاقی ماده ۱۸ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹، مجازات قانونی جرم تقلیل نیافته است تا در خصوص پرونده‌هایی که منجر به صدور حکم قطعی شده است، موجب اعمال بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ شود؛ لیکن رعایت مقررات این تبصره در کلیه پرونده‌هایی که پس از لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در حال رسیدگی است، لازم‌الرعایه است.

❖ **منظور از «سایر جهات قانونی» در تبصره الحاقی ماده ۱۸ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۵۲۴- ۱۳۹۹/۰۵/۲۵: منظور از عبارت «سایر جهات قانونی» در تبصره الحاقی (۱۳۹۹/۰۲/۲۳) ماده ۱۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، مواردی است که قانونگذار به تعیین بیش از حداقل مجازات حبس مقرر برای جرم تصریح کرده است؛ نظیر آنچه در قسمت اخیر مواد ۵۶۲، ۵۸۰، ۶۲۱، ۷۰۴ و ۷۱۸ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ آمده است.

❖ **عدم شمول تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا نسبت به جرائمی که حداقل مجازات ندارد.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۶۹۳- ۱۳۹۹/۰۶/۱۲: مواردی که در قانون، حداقل مجازات حبس یا جزای نقدی مشخص نشده یا ثابت است، شامل مقرراتی که در آن حداقل مجازات موضوعیت دارد (نظیر تبصره الحاقی به ماده ۱۸ و بند «ب» ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹) نمی‌شود. بند «ج» ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ نیز مؤید این امر است.

❖ **منظور از «حداقل مجازات مقرر در قانون» در تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۹۸- ۱۳۹۹/۱۰/۰۳: مراد مقنن از عبارت «حداقل مجازات مقرر در قانون» مذکور در تبصره الحاقی ماده ۱۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۹ «حداقل مجازات مقرر در قانون برای جرم یا جرایم ارتکابی در موارد شمول است» و نه درجه بندی مجازات‌های تعزیری و حداقل مجازات مقرر در هر یک از درجات مذکور در ماده ۱۹ این قانون.

ماده ۱۹ـ مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود:[1]

درجه ۱

- حبس بیش از بیست و پنج سال
- جزای نقدی بیش از نُه میلیارد و دویست میلیون (۹/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- مصادره کل اموال
- انحلال شخص حقوقی

درجه ۲

- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال
- جزای نقدی بیش از پنج میلیارد (۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا نُه میلیارد و دویست میلیون (۹/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

درجه ۳

- حبس بیش از ده تا پانزده سال
- جزای نقدی بیش از سه میلیارد و سیصد میلیون (۳/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنج میلیارد (۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

❖ **تأثیر عدم ذکر علت و توجیه صدور حکم به بیش از حداقل قانونی، در تجدیدنظرخواهی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۲۳۰- ۱۴۰۰/۰۵/۱۹: رعایت مقررات تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا الحاقی ۱۳۹۹ در کلیه احکامی که پس از لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ صادر می‌شود، الزامی است و چنانچه دادگاه نخستین بدون رعایت مقررات تبصره یاد شده اقدام به صدور حکم کند؛ یعنی بدون ذکر علت و توجیه قانونی، مجازات حبس بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون را تعیین کند، صرف نظر از حق تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه، دادستان نیز می‌تواند به استناد بند «پ» ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ به علت عدم انطباق رأی با قانون، تقاضای تجدیدنظرخواهی کند و چنانچه پرونده در دادگاه تجدیدنظر مطرح شود، این دادگاه باید حکم دادگاه نخستین را از این حیث با لحاظ ماده ۴۵۷ قانون اخیرالذکر اصلاح کند.

❖ **ملاک قانونی تعیین حداقل مجازات برای جرائمی که مجازات آنها فاقد حداقل است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۶۸- ۱۴۰۲/۰۶/۰۵: با توجه به ملاک بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و ... مصوب ۱۳۷۳ و تبصره الحاقی به ماده ۳۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۹ و مواد ۶۵ و ۶۶ این قانون، قانونگذار صدور حکم به کمتر از ۹۱ روز حبس به عنوان مجازات اصلی را جایز ندانسته است. بنابراین، در فرضی که مجازات قانونی جرم تا یک سال حبس و فاقد حداقل است چون نظر قانونگذار بر تعیین حبس کمتر از ۹۱ روز نیست، لذا ۹۱ روز حبس باید به عنوان ملاک قانونی تعیین مجازات در نظر گرفته شود.

[1]- میزان مبالغ مجازات نقدی درجات هشتگانه جرائم به موجب تصویب‌نامه شماره ۲۴۷۸۴- ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ در خصوص تعدیل میزان مبالغ مجازات نقدی جرائم و تخلفات مندرج در قوانین و مقررات مختلف مصوب ۱۳۹۹ اصلاحی ۱۴۰۳ افزایش یافته است.

❖ **تعدیل جزای نقدی تغییری در درجه‌بندی مجازات‌ها ایجاد نمی‌کند.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۰۰- ۱۴۰۰/۰۶/۱۴: با توجه به اینکه مبالغ جزای نقدی موضوع ماده ۱۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نیز براساس ماده ۲۸ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ تغییر پیدا می‌کند، در نتیجه تغییری در درجه‌بندی مجازات‌های ایجاد نخواهد کرد.

درجه ۴

- حبس بیش از پنج تا ده سال
- جزای نقدی بیش از یک میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون (۱/۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سه میلیارد و سیصد میلیون (۳/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

درجه ۵

- حبس بیش از دو تا پنج سال
- جزای نقدی بیش از هشتصد میلیون (۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون (۱/۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال
- ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی
- ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

درجه ۶

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال
- جزای نقدی بیش از دویست میلیون (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هشتصد میلیون (۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت
- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال
- انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها
- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

درجه ۷

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه
- جزای نقدی بیش از صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست میلیون (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- شلاق از یازده تا سی ضربه
- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

درجه ۸

- حبس تا سه ماه
- جزای نقدی تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- شلاق تا ده ضربه

تبصره ۱ـ موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی ذکر شده است.
تبصره ۲ـ مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود.
تبصره ۳ـ در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای هشتگانه این ماده مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت محسوب می‌شود.[1]

❖ **در تعیین مجازات حبس توأم با جزای نقدی، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و صلاحیت دادگاه است.**

[1]- **رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴- ۱۳۹۴/۰۸/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار هر یک از مجازات‌ها را در درجه‌ای خاص قرار داده که قرار گرفتن هر مجازات در مرتبه‌ای معین در عین حال مبیّن شدت و ضعف آن کیفر نیز می‌باشد، لکن در هر یک از این درجات نیز کیفرهای غیر متجانس وجود دارد که به لحاظ عدم امکان سنجش آنها با یکدیگر، تشخیص کیفر اشد در بین آنها بعضاً با اشکال مواجه می‌گردد؛ به منظور رفع اشکال، تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون یاد شده، در مقام بیان قاعده، مقرر می‌دارد: ... در صورت تعدد مجازات‌ها و عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است...؛ علاوه بر این در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی، از جزای نقدی به عنوان «بدیل مناسب‌تر» مجازات حبس (در مقام تخفیف و تبدیل آن مجازات) و کیفر جایگزین مجازات حبس که علی‌القاعده ماهیت خفیف‌تر و ملایم‌تری از حبس دارد، استفاده شده است و عرف و سابقه قانونگذاری در کشور ما نیز حکایت از صحت چنین استنباطی دارد. بنا به مراتب مذکور، به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و بالنتیجه صلاحیت دادگاه است.

❖ **مجازات جرائمی که طبق قانون جزای نقدی نسبی است درجه هفت محسوب می‌شود و صلاحیت دادگاه بر همین اساس تعیین می‌شود.**

رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹- ۱۳۹۶/۰۴/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مجازات جزای نقدی که درجات آن در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوّب سال ۱۳۹۲ مشخص شده، با توجه به تعیین حداقل و حداکثر آن در قانون، ناظر به جزای نقدی ثابت است و از جزای نقدی نسبی که میزان آن بر اساس واحد با مبنای خاص قانونی احتساب می گردد و از این حیث در جرایم با عناوین مشابه یکسان نیست، انصراف دارد؛ بنابراین مجازات جرائمی که طبق قانون جزای نقدی نسبی است با توجه به حکم مقرر در تبصره ۳ ماده مورد اشاره، تعزیر درجه هفت محسوب می‌شود و رسیدگی به آن به موجب ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در صلاحیت دادگاه کیفری دو می‌باشد و رأی این دادگاه قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است. بر این اساس رأی شعبهٔ هفدهم دیوان عالی کشور در مورد درجهٔ مجازات بزه تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها به صورت غیرمجاز که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.

❖ **مجازات بزه تخریب جزای نقدی نسبی است و درجه هفت محسوب می‌شود.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۸۶- ۱۳۹۹/۰۹/۲۹: مجازات بزه تخریب در این مورد صرفاً جزای نقدی نسبی است و در مواردی که جرم فقط دارای مجازات جزای نقدی نسبی است، با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۰ و لحاظ قسمت اخیر تبصره ۳ ماده ۱۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، جرم درجه هفت محسوب می‌شود.

❖ **مجازات حبس در صورتی که از نظر میزان با مجازات شلاق در یک درجه باشد شدیدتر از شلاق است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۴۵۲- ۱۴۰۰/۱۲/۲۱: «مجازات حبس» سالب آزادی و «مجازات شلاق» مجازات بدنی است با اتخاذ ملاک از قسمت اخیر ماده ۲۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ «مجازات حبس» به طور معمول و در صورتی که از نظر میزان با «مجازات شلاق» در یک درجه باشد شدیدتر از شلاق محسوب می‌شود.

تبصره ۴ـ مقررات این ماده و تبصره‌های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات‌های مقرر در قوانین جاری ندارد.

تبصره ۵ـ ضبط اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به کارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده و بند (ب) ماده (۲۰) خارج و در مورد آنها برابر ماده (۲۱۵) این قانون عمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود.

❖ **ملاک تعیین درجه مجازات بزه‌هایی که دارای مجازات‌های متعدد تخییری است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۸۱ - ۱۴۰۱/۰۳/۰۹: در مواردی که جرم واحد قانوناً دارای مجازات‌های متعدد تخییری است، برای تشخیص درجه مجازات آن جرم باید هر یک از مجازات‌های قانونی با توجه به شاخص‌های مقرر در ماده ۱۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و تبصره‌های آن و لحاظ رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۹ مستقل از سایر مجازات‌های درجه‌بندی شود؛ آنگاه بالاترین درجه مجازات، ملاک تعیین و تشخیص دادگاه صالح برای رسیدگی به موضوع است.

❖ **نمونه تشخیص درجه مجازات بزه در مواردی که کیفر حبس توأم با جزای نقدی نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۶۹۶ - ۱۴۰۱/۰۷/۲۴: در خصوص رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که در استعلام به آن اشاره شده است، رأی وحدت رویه مذکور، همان‌طور که در متن آن تصریح شده «... در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده کیفر حبس، ملاک تشخیص درجه مجازات و صلاحیت دادگاه است»، صرفاً ناظر به مواردی است که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی است و قابل تسری به سایر موارد نیست؛ بنابراین، چنانچه جرمی فقط دارای مجازات حبس و جرم دیگر دارای مجازات حبس و جزای نقدی باشد، باید درجه هر یک از این مجازات‌ها براساس شاخص‌های ماده ۱۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و تبصره‌های آن مشخص و هر کدام که در درجه بالاتری قرار گیرد، مجازات اشد محسوب می‌شود و در مرحله اجرا نیز نسبت به مجازات‌های مورد حکم به همین نحو عمل می‌شود.

❖ **مجازات «خدمات عمومی رایگان» درجه هفت محسوب می‌شود.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۷۹۷ - ۱۴۰۱/۰۸/۲۸: در خصوص «خدمات عمومی رایگان» از آنجا که این مجازات با هیچ یک از بندهای هشتگانه ماده اخیرالذکر مطابقت ندارد، طبق قسمت آخر تبصره ۳ ماده ۱۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ «مجازات درجه هفت» محسوب می‌شود.

❖ **نمونه تشخیص مجازات اشد در محکومیت‌های متعدد تعزیری.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۴۷۲ - ۱۴۰۲/۰۷/۰۴: الف- رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴- ۱۳۹۴/۰۸/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، که بیان می‌کند «... در مواردی که مجازات بزه، حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس، ملاک تشخیص درجه مجازات و بالنتیجه صلاحیت دادگاه است»، صرفاً ناظر به مواردی است که مجازات بزه، «حبس توأم با جزای نقدی است» و به سایر موارد قابل تسری نیست.

ب- برای تشخیص مجازات اشد در محکومیت‌های متعدد تعزیری، باید مجازات‌های هر یک از جرائم ارتکابی براساس شاخص‌های ماده ۱۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و تبصره‌های آن درجه‌بندی شده و مجازات مربوط به جرمی که از درجه بالاتر است، مجازات اشد محسوب می‌شود؛ لذا یکصد و پنجاه میلیون ریال جزای نقدی موضوع محکومیت بزه توهین از پنج ماه حبس موضوع محکومیت بزه تهدید، اشد محسوب و قابل اجرا است. بنابراین این مورد از قلمرو شمول رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴- ۱۳۹۴/۰۸/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور خارج است.

تبصره ۶ (الحاقی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ تمام حبس‌های ابد غیرحدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می‌شود.[۱]

ماده ۲۰ـ در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسؤول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتکابی و نتایج زیانبار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:[۲]

الف- انحلال شخص حقوقی

❖ **تمام حبس‌های ابد غیرحدی در کلیه قوانین عام و خاص به حبس درجه یک تبدیل شده است مگر در مواردی که قانون یا شرع مجازات دیگری تعیین کرده است.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۶۰- ۱۳۹۹/۰۴/۲۸:** اطلاق تمام حبس‌های ابد غیر حدّی در تبصره ۶ ماده ۱۹ ق.م.ا الحاقی ۱۳۹۹ (موضوع ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) شامل کلیه حبس های ابد مقرر در تمام قوانین (مانند حبس ابد مقرر در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری) اعم از قانون عام و خاص است. همچنین مطابق ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر الحاقی ۱۳۹۶ در جرایم موضوع این قانون، مجازات حبس ابد حسب مورد به اعدام یا حبس و جزای نقدی درجه دو تبدیل شده است؛ بنابراین مجازات حبس ابد در این قانون منتفی است. حبس‌های ابد غیر حدّی که در شرع مقرر شده است، مانند مجازات حبس ابد برای ممسک در قتل، از شمول تبصره ۶ الحاقی به ماده ۱۹ قانون پیش گفته خارج است.

❖ **بلامانع بودن ممکومیت شخص حقوقی به پرداخت دیه و متهم محسوب نشدن شخص حقوقی از حیث پرداخت دیه یا خسارت.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۹۳۳- ۱۳۹۸/۰۶/۲۶:** مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با لحاظ تبصره ماده ۱۴ و ماده ۲۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ناظر به جرایم تعزیری و منصرف از موارد پرداخت دیه است؛ لکن با عنایت به تعریف مقرر در ماده ۱۷ قانون مورد بحث و بعضی مواد دیگر این قانون از جمله ماده ۴۵۲ و تبصره آن و همچنین مسئولیت عاقله یا بیت‌المال در پرداخت دیه، می‌توان دیه را جبران خسارت ناشی از جنایت هم دانست؛ لذا در صورت وجود رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده، محکومیت شخص حقوقی به پرداخت دیه بلامانع است؛ لکن شخص حقوقی از حیث پرداخت دیه، متهم محسوب نمی‌شود و مفاد ماده ۱۸۴ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ نیز مؤید این مطلب است. بنابراین در جرایم غیرعمدی که صرفاً مستلزم پرداخت دیه است و فقط از شخص حقوقی مطالبه دیه شده است، تعقیب نماینده قانونی وی و رسیدگی به اتهام شخص حقیقی منتفی است.

❖ **تعقیب کیفری شخص حقوقی شرکت ناظر به زمانی است که منحل نشده باشد.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۷۳- ۱۴۰۰/۰۸/۱۷: از مجازات‌هایی که در ماده ۲۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده است چنین برداشت می‌شود که تعقیب شرکت ناظر به زمانی است که شرکت منحل نشده باشد. همچنین از مفهوم ماده ۶۹۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر قابل تعقیب بودن شرکت در صورت انحلال ارادی آن نیز علی‌الاصول نمی‌توان به عنوان مجوزی برای تعقیب شرکت استفاده کرد؛ زیرا ماده ۶۹۲ یاد شده باید با توجه به بند «ب» ماده ۶۹۰ همین قانون تفسیر شود. بدین معنی که چنانچه مقام تعقیب برابر بند «ب» ماده ۶۹۰ یاد شده، قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی را صادر کرده باشد و شرکت به رغم قرار فوق به صورت ارادی منحل شود، اثری بر این انحلال مترتب نیست، در نتیجه شرکت قابل تعقیب است. لذا در حالت دوم که پس از انحلال ارادی، شرکت در حال تصفیه است، نیز قابل تعقیب نیست؛ مگر اینکه مقام قضایی قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شرکت را صادر کرده باشد.

ب- مصادره کل اموال[۱]
پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال
ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال
ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال
ج- جزای نقدی
چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها

تبصره- مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.[۲]

ماده ۲۱- میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود.

ماده ۲۲- انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.

فصل دوم ـ مجازات‌های تکمیلی و تبعی

ماده ۲۳ (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)- دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتکابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی بندها و تبصره‌های این ماده محکوم نماید:[۳]

❖ **مصادره کل اموال شخص حقوقی مجازات تعزیری درجه یک محسوب می‌شود.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۶۸۶- ۱۳۹۹/۱۲/۰۵:** حکم به مصادره اموال شخص حقوقی توسط دادگاه کیفری به استناد بند «ب» ماده ۲۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، مجازات تعزیری درجه یک موضوع ماده ۱۹ این قانون است.

❖ **امکان تعقیب اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی به اعتبار اعمال تصدی‌گری.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۹۹۹- ۱۴۰۰/۰۳/۰۳:** در فرضی که اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی غیر دولتی در هر دو زمینه یعنی «اعمال حاکمیت و اعمال تصدی‌گری» فعالیت دارند به اعتبار انجام امور حاکمیتی مشمول مقررات تبصره ماده ۲۰ ق.م.ا هستند. بدیهی است در مواردی که این اشخاص اعمال تصدی‌گری انجام می‌دهند از شمول تبصره ماده ۲۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ خارج و مطابق مقررات، مسئولیت کیفری دارند.

❖ **منظور قانونگذار از «شخص حقوقی برای ارتکاب جرم به وجود آمده» قصد ایجادکنندگان است نه هدف و فعالیت آن.**

[۳]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۹۹۹- ۱۴۰۰/۰۳/۰۳:** منظور قانونگذار از بیان اینکه شخص حقوقی برای ارتکاب جرم به وجود آمده باشد در ماده ۲۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ناظر به قصد ایجادکنندگان شخص حقوقی است نه هدف و فعالیت شخص حقوقی که در اساسنامه و سایر مستندات ثبت آن ذکر می‌شود (نظیر صدر تبصره ماده ۷۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)؛ بنابراین دادگاه در تشخیص موضوع باید به قصد ایجادکنندگان شخص حقوقی توجه کند.

الف- اقامت اجباری در محل معین
ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین
پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین
ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی
ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری
ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتی
چ- منع از حمل سلاح
ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور

❖ **قابل اعمال نبودن مجازات تکمیلی نسبت به نوجوانان.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۳۴۹- ۱۴۰۰/۱۰/۰۵: مقنن در مواد ۸۹ و ۹۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نسبت به افراد پانزده تا هجده سال دیدگاه افتراقی داشته است و با اجتناب از به کار بردن اصطلاح «حبس تعزیری»، عبارت «نگهداری» در کانون اصلاح و تربیت را به کار برده است؛ بنابراین و با عنایت به اینکه موضوع ماده ۲۳ ق.م.ا افزایش مجازات اصلی تعزیری تحت عنوان مجازات تکمیلی است، نسبت به نوجوانان قابل اعمال نیست. اصل رعایت منافع عالی کودک و نوجوان مذکور در ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی که جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به آن ملحق شده است و نیز تکلیف دادگاه به «رعایت غبطه و مصلحت کودک و نوجوان» در ماده ۴۵ ق.ح.خ مصوب ۱۳۹۱ نیز مؤید این استنباط است.

❖ **فقدان وجاهت قانونی محرومیت محکومین به حبس از مرخصی به عنوان مجازات تکمیلی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۶۹۵- ۱۴۰۰/۱۲/۲۴: با عنایت به ذیل ماده یک ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، وظایف و اختیارات مقامات قضایی در رسیدگی و صدور رأی تابع اصل قانونی بودن دادرسی کیفری موضوع صدر ماده ۲ این قانون است و موارد محرومیت محکومان به حبس از مرخصی در بند «پ» ماده ۵۲۴ قانون پیش‌گفته و مواد ۲۰۷ و ۲۰۸ از آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اصلاحی ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ پیش‌بینی شده است؛ بنابراین به استناد ماده ۲۳ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹، محروم کردن محکومان به حبس از مرخصی ضمن صدور رأی (جزئاً یا کلاً) برای مدت معین یا تمام مدت محکومیت حبس، فاقد وجاهت قانونی است.

❖ **توجه به جنسیت محکوم‌علیه در تعیین مجازات تکمیلی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۰۱- ۱۴۰۱/۰۴/۲۸: هرچند قانونگذار در ماده ۲۳ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ در محکومیت به مجازات‌های تکمیلی، بین زن و مرد تفاوتی قائل نشده است؛ اما باید توجه داشت که مطابق ماده یاد شده، مجازات تکمیلی باید با جرم ارتکابی و با خصوصیات مرتکب جرم متناسب باشد. همچنین دادگاه باید در صدور حکم به مجازات اصلی و تکمیلی مطابق بند «ت» ماده ۱۸ قانون یاد شده، سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و همچنین میزان تأثیر مجازات بر وی را مورد توجه قرار دهد.

❖ **سقوط مجازات تکمیلی در صورت سقوط مجازات اصلی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۳۱۹- ۱۴۰۱/۱۲/۲۴: مجازات تکمیلی همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، مجازاتی است که به منظور تحقق اهداف اصلاحی مجازات‌ها و بعضاً صیانت از جامعه، در تکمیل مجازات اصلی (اعم از تعزیر یا قصاص و یا حد) توسط دادگاه تعیین می‌شود؛ بنابراین مجازات تکمیلی وابسته به مجازات اصلی است و با سقوط مجازات اصلی به نحو کلی جز در مواردی نظیر تبصره ۲ ماده ۱۱۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ (در زنا و لواط) که حکم خاصی مقرر شده است، مجازات تکمیلی نیز ساقط می‌شود.

خ- اخراج بیگانگان از کشور[۱]
د- الزام به خدمات عمومی
ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی
ر- توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم
ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین
ژ- الزام به تحصیل
س- انتشار حکم محکومیت قطعی

تبصره ۱ـ مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

تبصره ۲ـ چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد.

تبصره ۳ـ آیین‌نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیلی ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.[۲]

❖ **وجه افتراق اخراج بیگانگان از کشور به عنوان مجازات تکمیلی با اخراج آنها مطابق قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران و عدم جواز ورود بیگانگان پس از سپری شدن مدت مجازات.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۶۰۹- ۱۴۰۲/۰۸/۲۱:** «اخراج تبعه بیگانه از کشور» که به موجب بند «خ» ماده ۲۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در خصوص تبعه بیگانه به واسطه ارتکاب جرم و به عنوان مجازات تکمیلی از سوی دادگاه تعیین می‌شود، از اخراج یا تغییر محل اقامت تبعه خارجی به استناد ماده ۱۱ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰ که در موارد بندهای ذیل این ماده و در حدود وظایف و اختیارات مأمورین دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اعمال می‌شود، متفاوت است و در واقع به لحاظ حفظ انتظامات مملکتی و در زمره اقدامات و تدابیر پیشگیرانه است که مستقیماً به امور قضایی مرتبط نبوده و فاقد ماهیت مجازات است؛ بنابراین مواد قانونی پیش گفته از هم متفاوت بوده و هر کدام در مجرای خود قابل اعمال و استناد است و بند «خ» ماده ۲۳ قانون یاد شده به معنای ایجاد حق برای تبعه بیگانه بعد از سپری شدن مدت مذکور، برای ورود به ایران یا عبور از آن نیست.

❖ **نحوه و ترتیب اجرای مجازات اصلی و تکمیلی.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۶۸۳- ۱۴۰۰/۰۶/۲۷:** اصولاً احکام پس از قطعیت قابلیت اجرایی می‌یابند و در چگونگی اجرای مجازات تکمیلی در کنار مجازات اصلی، چنانچه مجازات تکمیلی همزمان با مجازات اصلی قابل اجرا باشد (از قبیل حبس و منع از داشتن دسته چک)، اجرا به نحو همزمان صورت می‌گیرد؛ و اگر اجرای همزمان مجازات اصلی و تکمیلی میسر نباشد (مانند مجازات اصلی حبس و مجازات‌های تکمیلی انفصال موقت از خدمت دولت یا عمومی)، وفق ماده ۵۲۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و ماده یک «آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷»، اجرای مجازات تکمیلی «از زمان پایان یافتن مجازات حبس» و «بعد از اجرای حکم اصلی» شروع می‌شود.

ر.ک: آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۶ رئیس قوه قضائیه.

ماده ۲۴ـ چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می‌دهد و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌کند. همچنین بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند.[۱]

ماده ۲۵ـ محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:[۲]

❖ **شمول مرور زمان نسبت به مجازات حبس یا جزای نقدی موضوع ماده ۲۴ ق.م.ا.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۸۰۴- ۱۳۹۹/۱۲/۱۷:** ... مجازات حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت موضوع ماده ۲۴ ق.م.ا که به عنوان ضمانت اجرای تخطی محکوم از اجرای مجازات تکمیلی تعیین شده است، از حیث مرور زمان، مشمول عمومات ماده ۱۰۷ این قانون است.

❖ **اختیار قاضی نسبت به تعیین مجازات حبس یا جزای نقدی (درجه هفت یا هشت) در صورت تکرار عدم رعایت مفاد حکم در مورد مجازات تکمیلی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۴۳۸- ۱۴۰۲/۰۶/۲۲: به صراحت ماده ۲۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت نکند، دادگاه صادرکننده حکم برای بار اول مدت مجازات تکمیلی را طبق مقررات این ماده افزایش می‌دهد. در صورت تکرار این موضوع (عدم رعایت مفاد حکم مجازات تکمیلی)، دادگاه می‌تواند بقیه محکومیت مجازات تکمیلی وی را به حبس یا جزای نقدی درجه ۷ یا ۸ موضوع ماده ۱۹ همین قانون تبدیل کند؛ بنابراین، قاضی اختیار دارد در صورت تکرار، نسبت به تعیین حبس از درجه ۷ یا ۸ و یا جزای نقدی از درجه ۷ یا ۸ اقدام کند. لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری و قاعده بیشتر نبودن مجازات تکمیلی از مجازات اصلی، مؤید این نظر است.

❖ **ملاک اعمال و محاسبه مجازات تبعی.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۹۴۳- ۱۳۹۹/۰۷/۱۲:** با عنایت به تصریح ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ملاک اعمال و محاسبه مجازات تبعی و نیز تشخیص درجه مجازات، «همان مجازات مندرج در دادنامه» است؛ اعم از اینکه در تعیین مجازات به لحاظ جهات قانونی مقررات تخفیف یا تشدید اعمال شده باشد یا نه.

❖ **اعاده هیئت کیفری پس از انقضای مواعد مقرر برای مجازات‌های تبعی ملاک اعمال و محاسبه مجازات تبعی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۵۶- ۱۳۹۹/۰۹/۱۵: شخصی به لحاظ مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم می‌شود؛ با انقضاء مواعد مقرر در ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، به استثنای مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده ۲۶ قانون مزبور که محرومیت از حقوق اجتماعی دائمی است، اعاده حیثیت حاصل نموده و آثار تبعی محکومیت او زائل و در نتیجه بدون سابقه محکومیت مؤثر کیفری محسوب می‌شود.

❖ **ملاک محاسبه محرومیت محکوم‌علیه از حقوق اجتماعی و عدم تأثیر داشتن یا نداشتن نیست سابقه محکومیت مؤثر کیفری و عفو مجازات اصلی در سقوط مجازات تبعی نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۳۷۱- ۱۴۰۲/۰۱/۳۰: ۱- با عنایت به تصریح ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، که مقرر داشته محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی «پس از اجرای حکم» یا «شمول مرور زمان» در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند، ملاک محاسبه محرومیت محکوم‌علیه از حقوق اجتماعی، اجرای کامل مجازات اصلی است؛ یعنی پس از اجرای مجازات اصلی (یا شمول مرور زمان) و از تاریخ

الف- هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی
ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنیٌ‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار[1]
پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنیٌ‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج
تبصره ۱ـ در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذیربط منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات[2]

اتمام اجرای این مجازات، محکوم مطابق بندهای مقرر در ذیل ماده صدرالذکر از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌شود.

۲- ملاک داشتن یا نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ است و طبق این ماده چون صدور حکم به محکومیت قطعی در جرایم عمدی به مجازات‌های مندرج در ذیل این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی (در مدت‌های مقرر در این ماده) محروم می‌کند؛ لذا این محکومیت قطعی، محکومیت مؤثر کیفری محسوب می‌شود؛ لذا چنانچه در خصوص فردی دو حکم محکومیت قطعی به لحاظ ارتکاب جرایم عمدی صادر شده باشد و هر دو حکم با لحاظ ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ دارای مجازات تبعی باشد، هر دو محکومیت، محکومیت مؤثر کیفری محسوب می‌شود؛ اعم از اینکه در حال اجرا باشد یا هنوز اجرا نشده است.

۳- با عنایت به تصریح ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، ملاک محاسبه محرومیت محکوم‌علیه از حقوق اجتماعی «محکومیت قطعی کیفری مندرج در حکم» است؛ اعم از اینکه در تعیین مجازات به لحاظ جهات قانونی، تخفیف یا تشدید اعمال شده باشد و همچنین مجازاتی که پس از اعمال ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ صادر و اجرا می‌شود، محکومیت قطعی کیفری محسوب می‌شود و ملاک محرومیت یا عدم محرومیت محکوم‌علیه از حقوق اجتماعی (مجازات تبعی) با لحاظ ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ است.

۴- عفو از موارد اجرای مجازات است؛ کما اینکه مطابق تبصره ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، «در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام آزادی مشروط رفع می‌شود ...»؛ بنابراین چنانچه بخشی از محکومیت قطعی که طبق ماده ۲۵ قانون صدرالذکر دارای اثر تبعی (مجازات تبعی) است مشمول عفو شود، چون عفو از موارد اجرای مجازات است باقیمانده مجازات اصلی باید اجرا شود و شروع اعمال مجازات تبعی از تاریخ اتمام اجرای باقیمانده مجازات اصلی است.

❖ **تأثیر گذشت اولیاء دم اجرای قصاص در مجازات تبعی محکوم‌علیه.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۲۰۲۶- ۱۳۹۹/۰۱/۰۵:** چون با گذشت اولیای دم اجرای قصاص منتفی می شود، اجرای مجازات تبعی آن نیز منتفی است و محکومیت حبس موضوع ماده ۶۱۲ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، مجازات مستقلی است که به لحاظ اخلال در نظم عمومی و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران به استناد ماده مذکور صادر شده است. لذا مدت زمان اجرای آثار تبعی این محکومیت (که تعزیر درجه چهار است) با توجه به تبصره ۲ ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و طبق بند «ب» همین ماده سه سال است.

❖ **عدم جواز صدور گواهی عدم سوءپیشینه برای استخدام در بخش خصوصی برای اشخاصی که دارای سابقه کیفری مؤثر هستند.**

[2]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۴۷۹- ۱۳۹۹/۱۱/۱۳:** مطابق ماده ۱۳ آیین‌نامه سجل قضایی مصوب ۱۳۹۸ ریاست محترم قوه قضاییه، گواهی عدم سوء پیشینه فقط در صورت فقدان هر گونه سابقه محکومیت مؤثر کیفری صادر می‌شود؛ بنابراین واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی نمی‌تواند به این علت که داشتن سابقه مؤثر کیفری مانع استخدام یا

تبصره ۲ـ در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

تبصره ۳ـ در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.[۱]

ماده ۲۶ـ حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است:[۲]

الف- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا

ب- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور

پ- تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری

ت- انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراها، احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا با رأی مردم

اشتغال به کار افراد در بخش خصوصی نیست، اقدام به صدور گواهی عدم سوء پیشینه کند. بدیهی است رعایت مقررات تبصره یک ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۰ آیین‌نامه سجل قضایی مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲۳ الزامی است.

❖ **عفو عمومی رافع آثار تبعی مجازات است ولی عفو خصوصی موجب زوال آثار مجازات نمی‌شود.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۶۸۱- ۱۳۹۹/۰۶/۱۸:** منظور از عفو در تبصره ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ عفو خصوصی موضوع ماده ۹۶ قانون مذکور است که به پیشنهاد رئیس محترم قوه قضاییه و موافقت مقام رهبری اعطاء می‌شود و موجب زوال آثار مجازات نمی‌شود مگر اینکه تصریح شده باشد؛ اما عفو موضوع ماده ۹۸ ق.م.ا عفو عمومی است که طبق ماده ۹۷ همین قانون از طرف قانونگذار اعطاء می‌شود و چون به تصویب قوه مقننه می‌رسد، رافع کلیه آثار جرم و محکومیت است؛ بنابراین بین مقررات اشاره شده تعارضی وجود ندارد و چنانچه محکومیت دارای مجازات تبعی مشمول عفو خصوصی شود، اثر تبعی آن پس از انقضای مدت‌های مذکور در ماده ۲۵ ق.م.ا از زمان عفو رفع می‌شود و شخص اعاده حیثیت حاصل می‌کند. بدیهی است پیش از انقضای مدت‌های مذکور در ماده پیش‌گفته، فرد دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر محسوب می‌شود.

❖ **تعلیق اجرای مجازات در حکم اجرای آن است و مانع اعمال مجازات تبعی نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۲۱- ۱۴۰۰/۰۳/۲۹: در محکومیت‌های موضوع ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، آثار تبعی محکومیت کیفری پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان شروع می‌شود و با توجه به بند «ث» ماده ۱۳۴ اصلاحی ۱۳۹۹ ق.م.ا، تعلیق اجرای مجازات در حکم اجرای حکم است. بنابراین و مستفاد از تبصره ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در مواردی که قرار تعلیق اجرای مجازات صادر می‌شود آثار تبعی موضوع ماده ۲۵ یاد شده نیز اعمال شده و مواعد اعاده حیثیت از زمان پایان مدت تعلیق محاسبه می‌شود.

❖ **محرومیت از دریافت خدمات سجلی از موارد مجازات تبعی نیست.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۴۳۸- ۱۳۹۹/۱۰/۱۶:** با توجه به مصادیق حقوق اجتماعی موضوع ماده ۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که محکوم‌علیه به موجب محکومیت قطعی کیفری به عنوان «مجازات تبعی» از آن محروم می‌شود، محرومیت از دریافت خدمات سجلی، از موارد مجازات‌های تبعی نیست.

ث- عضویت در هیئت‌های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف
ج- اشتغال به عنوان مدیر مسؤول یا سردبیر رسانه‌های گروهی
چ- استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آنها
ح- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری
خ- انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام
د- انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی[1]
ذ- استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری
ر- تأسیس، اداره یا عضویت در هیئت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجارتی یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی

تبصره ۱ـ مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می‌شوند.[2]

تبصره ۲ـ هر کس به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده (۲۵) این قانون اعاده حیثیت می‌شود و آثار تبعی محکومیت وی زائل می‌گردد مگر در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده که از حقوق مزبور به طور دائمی محروم می‌شود.

❖ **سلب صلاحیت قضایی از طریق بازنشسته یا بازخرید کردن قاضی موجب ممنوعیت از داوری به عنوان مجازات تبعی نیست.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۳۰۷- ۱۳۹۹/۰۴/۰۲:** براساس ماده ۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲: «انتخاب شدن به سمت داوری» در زمره حقوق اجتماعی است و محرومیت افراد از حقوق اجتماعی مجازات تبعی است که تنها در موارد مصرح قانونی قابل اعمال است. بنابراین با عنایت به مواد ۴۶۶ و ۴۶۹ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹ سلب صلاحیت قضایی از طریق بازنشسته یا بازخرید کردن قاضی موضوع بندهای ۲ و ۳ ماده ۴۶ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ قانوناً موجب ممنوعیت انتخاب وی به عنوان داور نیست؛ مگر در موارد مشمول ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که عنوان مجازات تبعی داشته باشد.

❖ **برخلاف مجازات تکمیلی، بلامانع بودن صدور حکم به مجازاتی که با مجازات تبعی هم نوع است.**

[2]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۹۴- ۱۴۰۱/۰۴/۲۸:** در موردی که در جرایم عمدی، فردی به مجازات جرمی که دارای اثر تبعی است محکوم شود، مجازات تبعی (محرومیت از حقوق اجتماعی)، پس از اجرای مجازات اصلی اعمال می‌شود. تبصره ۲ ماده ۲۳ ق.م.ا مؤید این نظر است؛ چه آنکه قانونگذار در مقام بیان بوده و فقط در فرضی که مجازات تکمیلی و اصلی از یک نوع باشد، قایل به عدم صدور حکم به مجازات تکمیلی شده و ذکری از مجازات تبعی به میان نیاورده است؛ مضافاً به اینکه تبصره یک ماده ۲۶ این قانون نیز تأکید بر اجرای مجازات‌های اصلی و تبعی دارد.

فصل سوم ـ نحوهٔ تعیین و اعمال مجازات‌ها

ماده ۲۷ـ مدت حبس از روزی آغاز می‌شود که محکوم، به موجب حکم قطعی لازم‌الاجـراء حـبس می‌گردد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بـوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می‌شـود. در صـورتی کـه مجـازات مـورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شـلاق یـا دو میلیـون و پانصد هزار (۲/۵۰۰/۰۰۰) ریال است.[۱] چنانچه مجازات متعدد باشـد بـه ترتیـب نسـبت بـه حـبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می‌گردد.[۲]

---

[۱]- **مصوبه شماره ۲۳۱۸۵۰/ت ۶۱۰۱۲هـ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۴**

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ بـه پیشـنهاد شـماره ۴۳۸۲۱ مـورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۷ وزارت دادگسـتری و بـه استناد ماده ۲۸ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ تصویب کرد:

مبلغ مندرج در ماده (۲۷) قانون مجازات اسلامی- مصوب ۱۳۹۲- و بند (ب) ماده (۵۲۹) قانون آیین دادرسـی کیفـری- مصوب ۱۳۹۲- و تبصره (۱) آن از تـاریخ اتمـام مـدت سـه سـال تصـویب نامـه شـماره ۱۵۰۱۷۹/ت ۵۷۰۷۰هـ مـورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۰ (۱۴۰۱/۱۱/۲۶) از مبلغ یـک میلیـون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریـال بـه دو میلیـون و پانصـد (۲/۵۰۰/۰۰۰) ریـال تعدیل می‌شود.

❖ **بزه موضوع ماده ۶۳۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ منصوص شرعی نیست و در نتیجه ایام بازداشت قبلی از محکومیت مرتکب کسر خواهد شد.**

[۲]- **رأی وحدت رویه شماره ۷۷۰- ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

مستنبط از مقررات ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعزیر، مجازاتی اسـت کـه در مـوارد ارتکـاب محرمـات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌شود و کیفیت اجرا و مقررات مربـوط بـه تخفیـف، تعلیـق، سـقوط و سایر احکام مربوط به آن به موجب قانون تعیین می‌شود و در ماده ۱۱۵ این قانون به دادگـاه اجـازه داده شـده، مقـررات راجع به تخفیف مجازات را در کلیه جرائم تعزیری اعمال کند و در تبصره دوم آن «تعزیـر منصـوص شـرعی» کـه نـوع و مقدار آن همانند مجازات‌های حدی، غیر قابل تغییر می‌باشد از اطلاق ماده اخیرالذکر اسـتثنا شـده اسـت بنـابراین نظـر شعبه نهم دیوان عالی کشور که مقررات ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی را نسبت به محکومیت موضوع مـاده ۶۳۷ قـانون مجازات اسلامی ـ تعزیرات اعمال کرده است به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص گردید.

❖ **عدم اختیار محکوم‌علیه مجازات‌های متعدد در محاسبه بازداشت قبلی نسبت به شلاق یا جزای نقدی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۳۸۳- ۱۴۰۰/۱۰/۲۱: مطـابق قسـمت آخـر مـاده ۲۷ ق.م.ا مصـوب ۱۳۹۲ چنانچـه مجازات متعدد باشد، مدت بازداشت قبلی، به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می‌شود و درخواسـت محکوم‌علیه برخلاف ترتیب مذکور قابل پذیرش نیست؛ بنابراین در موردی که محکـوم‌علیـه بـه تحمـل حـبس، شـلاق و جزای نقدی محکوم شده است، مدت بازداشت قبلی ابتدا به ازای حبس محاسبه می‌شود و مازاد آن در صورت وجود، بـه ترتیب نسبت به شلاق و جزای نقدی محاسبه خواهد شد.

❖ **حبس یوم‌الادای محکوم به رد مال محکومیت به عنوان محکومیـت مـدنی اسـت و مشـمول مـاده ۲۷ ق.م.ا نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۶۴۹- ۱۴۰۱/۰۷/۳۰: صدور حکم به رد مال اساساً واجد ماهیت مدنی است و مجازات محسوب نمی‌شود و حبس (توقیف) محکوم به رد مال تا «زمان اجرای حکم» یا «پذیرفته شـدن ادعـای اعسـار وی» یـا «جلب رضایت محکوم‌له» در اجـرای مـواد ۳ و ۲۲ ق.ن.ا.م.م مصـوب ۱۳۹۴ و بـا عنایـت بـه صـدر مـاده ۳ ایـن قـانون، سازوکاری جهت فراهم آوردن زمینه اجرای حکم (استیفای محکوم‌به مالی) است و چنین توقیفی، محکومیت بـه حـبس

ماده ۲۸ (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از تاریخ تصویب آنها در مورد تمام جرایم و تخلفات از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکز، هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود، لازم‌الاجرا می‌گردد.[1]

ماده ۲۹ـ هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می‌شود که از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نیست و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند.

ماده ۳۰ـ منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار است مشروط به اینکه جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل نماید.

ماده ۳۱ـ منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه موتوری مستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است.

ماده ۳۲ـ منع از اصدار چک مستلزم ابطال برگه‌های سفید دسته چک و انسداد حساب جاری و ممنوعیت از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری است.

ماده ۳۳ـ منع از حمل اسلحه مجاز مستلزم ابطال پروانه حمل و توقیف سلاح است.

ماده ۳۴ـ منع از خروج اتباع ایران از کشور مستلزم ابطال گذرنامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است.

به عنوان مجازات محسوب نمی‌شود و از شمول حکم مقرر در ذیل ماده ۲۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۵۱۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ خارج است.

ر.ک:

- ماده ۷۰ همین قانون.

- مواد ۵۱۵ و ۵۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

❖ شمول ماده ۲۸ ق.م.ا نسبت به کلیه قوانین از جمله مجازات‌های تخلفات صنفی.

[1] **- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۳۱- ۱۳۹۹/۰۴/۱۸:** ماده ۲۸ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ بدون استثناء شامل تمام قوانین از جمله مجازات تخلفات صنفی موضوع صلاحیت تعزیرات حکومتی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌شود.

❖ حکم ماده ۲۸ ق.م.ا شامل جرائمی که قبل از تصویب‌نامه ارتکاب یافته، نمی‌شود.

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۵۴۸- ۱۴۰۲/۰۸/۱۴: با عنایت به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و قاعده قبح عقاب بلابیان، عبارت قسمت اخیر ماده ۲۸ ق.م.ا ناظر به سایر مبالغ موردنظر در آن ماده و منصرف از مبالغ جزای نقدی است که قلمرو زمانی اجرای آن تابع قواعد مندرج در ق.ا است؛ به عبارت دیگر، حکم مذکور در قسمت اخیر ماده ۲۸ یاد شده منصرف از جرایمی است که قبل از مصوبه هیأت وزیران واقع شده است. در این مورد نیز ملاک تعیین جزای نقدی، میزان جزای نقدی زمان وقوع جرم است.

ر.ک: تصویب‌نامه در خصوص تعدیل میزان مبالغ مجازات نقدی جرائم و تخلفات مندرج در قوانین و مقررات مختلف مصوب ۱۳۹۹ هیأت وزیران اصلاحی ۱۴۰۳.

ماده ۳۵ـ اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه انجام می‌شود.

ماده ۳۶ـ حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی‌الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از چهارده میلیارد (۱۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.[۱]

تبصره ـ انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتکابی، چهارده میلیارد (۱۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود:

الف- رشاء و ارتشاء

ب- اختلاس

پ- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری

ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری

ث- تبانی در معاملات دولتی

ج- أخذ پورسانت در معاملات خارجی[۲]

چ- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت

❖ **لزوم تصریح انتشار احکام قطعی موضوع ماده ۳۶ ق.م.ا در دادنامه.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۲۸۲- ۱۴۰۰/۰۸/۳۰:** انتشار حکم قطعی موضوع ماده ۳۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن منوط به تصریح در دادنامه صادره است. در موارد الزام قانونی به انتشار، در صورت عدم تصریح در حکم، قاضی اجرای احکام مکلف است مراتب را به دادگاه صادرکننده حکم قطعی اعلام و تقاضای تعیین تکلیف کند.

هزینه انتشار آگهی حکم محکومیت قطعی در جرایم موضوع ماده ۳۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و دستورالعمل نحوه انتشار احکام دادگاه‌ها و برگزاری دادگاه علنی توسط اداره امور مالی دادگستری محل پرداخت می‌شود... مشخصات قاضی صادرکننده حکم هرچند بخشی از دادنامه است؛ اما از آنجایی که برابر ماده ۳۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ «حکم محکومیت قطعی» و نه دادنامه باید منتشر شود، لذا ضرورتی به انتشار نام و مشخصات دادرس صادرکننده رأی وجود ندارد.

ر.ک: دستورالعمل نحوه انتشار احکام دادگاه‌ها و برگزاری دادگاه علنی مصوب ۱۴۰۰ رئیس قوه قضائیه.

❖ **بند «چ» ماده ۳۶ و بند «ب» ماده ۱۰۹ ق.م.ا منصرف از جرم اعمال یا تفریط موجب تضییع اموال دولتی است.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۶۱۵- ۱۴۰۰/۱۲/۰۱:** با توجه به اینکه جرم اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال ذیل ماده ۵۹۸ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ رفتاری غیر عمدی است که از سوی قانونگذار جرم‌انگاری شده است؛ آنچه در بند «چ» ماده ۳۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ تحت عنوان «تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت» به عنوان جرم اقتصادی برشمرده است شامل همه جرایم مذکور در فصل سیزدهم این قانون نیست خصوصاً آنکه از عبارت «کلیه جرایم مذکور در فصل سیزدهم» نیز در قانون استفاده نشده است؛ و تصریح مقنن در بند «ز» ماده ۳۶ پیش‌گفته تحت عنوان «تصرف غیر قانونی در اموال عمومی یا دولتی» که صرفاً به یکی از جرایم مذکور در فصل سیزدهم قانون تعزیرات اشاره دارد، مؤید آن است که قانونگذار در بند «چ» ماده ۳۶ پیش‌گفته همه جرایم مذکور در فصل سیزدهم قانون تعزیرات را مد نظر نداشته است؛ مضافاً آنکه جرم تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت در قوانین دیگر نیز جرم‌انگاری شده است در نتیجه بزه اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال دولتی از شمول بند «چ» ماده ۳۶ پیش‌گفته و بند «ب» ماده ۱۰۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ خارج است و مشمول مرور زمان می‌شود.

ح- جرائم گمرکی
خ- قاچاق کالا و ارز
د- جرائم مالیاتی
ذ- پولشویی
ر- اخلال در نظام اقتصادی کشور
ز- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی

فصل چهارم ـ تخفیف مجازات و معافیت از آن

ماده ۳۷ (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند:[۱]

الف- تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر؛[۲]

ب- تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛

پ- تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛[۳]

❖ **قابل اعمال نبودن نحوه مقررات تخفیف ق.م.ا در مورد جرائم مربوط به مواد مخدر.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۰۳۹- ۱۳۹۹/۰۷/۲۱:** از آنجا که به موجب ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی در مورد نحوه تخفیف مجازات‌های تعزیری در قانون مزبور مقررات خاصی پیش‌بینی شده است؛ لذا ماده ۳۷ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ در جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر قابل اعمال نیست.

❖ **الزامی بودن تبدیل حبس تعزیری درجه هشت به جایگزین حبس.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۲۱- ۱۳۹۹/۰۴/۱۱:** حبس تعزیری درجه هشت (تا سه ماه) طبق ماده ۶۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶- ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌شود.

❖ **مقررات تخفیف در مورد ضبط اموال ناشی از جرم قابل اعمال نیست.**

[۳]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۸۹- ۱۳۹۹/۰۴/۲۵:** در ماده ۳۷ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ برخلاف «مصادره اموال» امکان تخفیف در ضبط اموال پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین ضبط مال ناشی از جرم ارتشاء موضوع ماده ۵۹۲ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، حکم خاص مقنن است و از شمول مقررات تخفیف خارج است و ماده ۴۴۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ نیز در این خصوص قابل اعمال نیست.

❖ **عدم وجاهت قانونی تبدیل ضبط اموال ناشی از جرم به جزای نقدی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۵۲۹- ۱۳۹۹/۰۵/۰۵: بند «پ» ماده ۳۷ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ دائر بر امکان تبدیل «مصادره کل اموال» به جزای نقدی درجه یک تا چهار، منصرف از ضبط اموالی است که دلیل یا واسطه ارتکاب جرم بوده یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است، بلکه این بند از ماده ۳۷ ناظر به موردی است که مصادره اموال به شرح مقرر در ماده ۱۹ ق.م.ا به عنوان مجازات، مقرر شده باشد که در حال حاضر تنها مصداق آن، بند «ب» ماده ۲۰ با رعایت ماده ۲۲ همین قانون است. بنابراین تبدیل ضبط اموالی که دلیل یا

ت- تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛[۱]

ث- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر؛

تبصره (الحاقی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود.[۲]

وسیله ارتکاب جرم بوده یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است؛ به جزای نقدی فاقد وجاهت قانونی است.

❖ **تخفیف قضایی، تخفیف در مجازات قانونی محسوب نمی‌شود و با تصویب قانون کاهش مبس تعزیری در مورد احکام قطعی قبل از لازم‌الاجرا شدن به موجب بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا قابل اعمال نمی‌باشد.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۱۱۷- ۱۴۰۲/۰۳/۰۷:** بند «ت» ماده ۳۷ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹، تخفیف مجازات قانونی جرم نیست؛ بلکه تخفیف قضایی است و اعمال کیفیات مخففه نیز الزامی نیست؛ بنابراین در مورد احکام قطعی که پیش از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ صادر شده‌اند، قابل اعمال نیست و موجبی هم برای اعمال بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نمی‌باشد؛ بنابراین چون مقررات مورد نظر، تخفیف مجازات قانونی محسوب نمی‌شود؛ لذا در مورد احکامی قطعی که قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون جدید صادر شده است، قابل اعمال نیست.

❖ **عدم تعارض مقررات تخفیف مجازات با تعیین مجازات جایگزین مبس کمتر از نود و یک روز و امکان اعمال همزمان این دو نهاد حقوقی.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۹۹- ۱۳۹۹/۰۴/۲۹:** اولاً، تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا الحاقی ۱۳۹۹ در مقام تخفیف مجازات است؛ در حالی که مقررات مواد ۶۶، ۶۷ و ۷۳ قانون مذکور در مقام تعیین مجازات جایگزین حبس است؛ بنابراین در اعمال این دو نهاد ارفاقی تعارضی وجود ندارد و هر کدام حسب اقتضاء از سوی دادگاه صادرکننده رأی مورد استناد و عمل قرار می‌گیرد. چنانچه در اجرای بند «ب» ماده ۳۷ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹، مجازات حبس درجه شش به میزان دو درجه تقلیل یابد و طبق تبصره ذیل همان ماده حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به استناد تبصره مذکور و رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۴۶- ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ و ماده ۶۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ تعیین مجازات جایگزین مربوط به سه ماه حبس و کمتر الزامی است.

ثانیاً، براساس تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا الحاقی ۱۳۹۹ (موضوع ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) چنانچه حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود. بنابراین دادگاه براساس مواد ۷۰ و ۸۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ باید ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی با رعایت ماده ۸۱ این قانون مجازات حبس اجرا شود.

❖ **منظور از مجازات جایگزین مربوط در تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۹۱۲- ۱۳۹۹/۱۲/۱۰: تبصره ذیل ماده ۳۷ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ ناظر به مواردی است که مجازات قانونی جرم بیش از نود و یک روز حبس است و دادگاه با اعمال کیفیات مخففه (الزاماً یا اختیاراً) حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر کند؛ که در این صورت این مجازات به مجازات جایگزین مربوط (که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است) تبدیل می‌شود.

چنانچه حداکثر مجازات قانونی جرم بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، موضوع حسب مورد می‌تواند مشمول مواد ۶۶ و ۶۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و یا مشمول بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و

ماده ۳۸ـ جهات تخفیف عبارتند از:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ باشد؛ که در صورت اخیر، دادگاه مخیر است به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی مطابق جدول تعرفه خدمات قضایی پیوست قانون بودجه سال ۱۳۹۶ (که در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ نیز تغییر نکرده است) حکم صادر کند... .

منظور از عبارت «مجازات جایگزین مربوط» در تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹، مجازات جایگزین حبس جرایمی است که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است.

تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا الحاقی ۱۳۹۹ در مقام تخفیف مجازات است؛ در حالی که مقررات مواد ۶۶، ۶۷ و ۷۳ قانون مذکور در مقام تعیین مجازات جایگزین حبس است؛ بنابراین در اعمال این دو نهاد ارفاقی تعارضی وجود ندارد و هر کدام حسب اقتضاء از سوی دادگاه صادرکننده رأی مورد استناد و عمل قرار می‌گیرد.

❖ **نسخ ضمنی ماده ۷۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به موجب تبصره الحاقی ماده ۳۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۹.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۶۷۴- ۱۴۰۰/۰۶/۲۲: تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا الحاقی ۱۳۹۹ ... به عنوان قانون لاحق، ممنوعیت تعیین مجازات جایگزین حبس برای جرایم عمدی با مجازات قانونی بیش از یک سال حبس مذکور در ماده ۷۳ ق.م.ا را نسخ ضمنی کرده است و بنابراین در صورتی که مرتکب جرم عمدی با مجازات قانونی بیش از یک سال حبس با برخوردار شدن از دو درجه تخفیف به حبس تعزیری درجه هشت محکوم شود، دادگاه مستند به تبصره ماده ۳۷ قانون پیش‌گفته ملزم به تعیین مجازات جایگزین حبس است.

❖ **قابلیت اجرای حبس کمتر از نود و یک روز در مورد بخش تعلیق نشده مجازات حبس و بلامانع بودن اعمال تخفیف نسبت به مدت حبس باقیمانده پس از اعمال ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک در مورد جرائم غیر قابل گذشت.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۵۳۹- ۱۴۰۰/۰۷/۱۸: ۱- در موردی که دادگاه برای متهم یک سال حبس در نظر گرفته و نه ماه آن را تعلیق کرده است؛ از شمول تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا الحاقی ۱۳۹۹ خارج است و سه ماه حبس که اجرای آن تعلیق نشده است، قابلیت اجرا دارد.

۲- حکم مذکور در ماده ۳۷ ق.م.ا و تبصره الحاقی به آن در سال ۱۳۹۹ مربوط به زمان صدور حکم و تعیین مجازات از سوی دادگاه بدوی یا مرجع تجدیدنظر است؛ بنابراین چنانچه جرم غیرقابل گذشت باشد و شاکی پس از قطعیت حکم اعلام گذشت کند؛ اعمال تخفیف توسط دادگاه صادرکننده حکم طبق ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک نسبت به مدت حبس قابل اجرا (سه ماه حبس) فاقد منع قانونی است.

❖ **انتفای اعمال مجازات جایگزین حبس در خصوص جرائم اطفال و نوجوانان.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۳۶۶- ۱۴۰۰/۱۰/۲۲: تعیین مجازات جایگزین حبس در مواردی است که مجازات قانونی جرم، حبس است و چون در خصوص جرایم ارتکابی اطفال و نوجوانان «مجازات حبس» در فصل دهم از بخش دوم کتاب اول ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی نشده است، لذا اعمال مجازات جایگزین حبس موضوعاً منتفی است.

چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیانبار جرم

ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

تبصره ۱ـ دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

تبصره ۲ـ هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.[۱]

ماده ۳۹ـ در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.[۲]

فصل پنجم ـ تعویق صدور حکم

ماده ۴۰ـ در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:[۳]

الف- وجود جهات تخفیف

ب- پیش‌بینی اصلاح مرتکب

❖ **عدم امکان تخفیف مجازات حبس بیش از نود و یک روز حبس و همزمان تبدیل آن به مجازات جایگزین حبس.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۳۹۸- ۱۳۹۹/۰۴/۱۱:** با توجه به ماده ۶۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، اصولاً تعیین مجازات جایگزین حبس در جهت اعمال تخفیف در مجازات متهم است و با لحاظ تبصره ۲ ماده ۳۸ قانون فوق‌الذکر، اعمال تخفیف مجدد مجازات جایز نیست؛ بنابراین دادگاه هنگام صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نمی‌تواند همزمان این مجازات را تخفیف دهد.

❖ **فقدان منع قانونی صدور حکم به معافیت کیفر متهمی که در جریان دادرسی حضور نداشته است.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۸۲۱- ۱۳۹۹/۰۶/۱۸:** ۱- نظر به اینکه مفاد ماده ۳۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که در مقام بیان صدور حکم به معافیت از کیفر و شرایط آن است، دلالتی بر ضرورت حضور متهم در جریان دادرسی ندارد، بنابراین صدور حکم به معافیت از کیفر نسبت به متهمی که در فرایند دادرسی حضور نیافته، فاقد منع قانونی است.

۲- بنا به تصریح ماده ۳۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، صدور حکم به معافیت از کیفر پس از احراز مجرمیت صورت می‌پذیرد و احراز مجرمیت زمانی مقدور است که فرایند دادرسی در دادگاه از جمله تفهیم اتهام و عندالاقتضاء صدور قرار تأمین، همچنین اخذ آخرین دفاع و اعلام ختم دادرسی انجام شده باشد.

❖ **بلامانع بودن تعلیق اجرای مجازات‌های جایگزین حبس.**

[۳]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۳۹۲- ۱۴۰۰/۱۰/۲۱:** با توجه به اینکه براساس مقررات موجود، برای تعلیق اجرای مجازات‌های جایگزین حبس هیچ‌گونه ممنوعیتی پیش‌بینی نشده و اصل بر این است که مقام قضایی اختیار استفاده از این سازکار قانونی را دارا می‌باشد، بنابراین تعلیق مجازات جایگزین حبس، پس از احراز شرایط مذکور در قانون با منع قانونی مواجه نیست.

ر.ک: مواد ۴۶ و ۶۲ همین قانون.

پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران[۱]

ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر

تبصره- محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، براساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.

ماده ۴۱- تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است.

الف- در تعویق ساده مرتکب به طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود.

ب- در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورها و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجراء گذارد.

تبصره ۱- دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند.

تبصره ۲- چنانچه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌نماید. دادگاه می‌تواند در این مورد تأمین مناسب أخذ نماید. در هر صورت أخذ تأمین نباید به بازداشت مرتکب منتهی گردد.

ماده ۴۲- تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:

الف- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر

ب- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی[۲]

پ- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی

ت- کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور

❖ **منظور از عبارت ضرر و زیان در بند «پ» ماده ۴۰ ق.م.ا.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۴۵۲- ۱۴۰۱/۰۷/۰۹:** منظور از عبارت «ضرر و زیان» در بند «پ» ماده ۴۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، اعم از ضرر و زیان موضوع ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، دیه و ردّ مال است که لزوماً باید مورد مطالبه شاکی خصوصی قرار گرفته باشد.

❖ **منظور از «مددکار اجتماعی» در بند «ب» ماده ۴۲ ق.م.ا.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۴۷۲- ۱۴۰۱/۰۷/۲۵:** منظور از «ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی» موضوع بند «ب» ماده ۴۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، ارائه اطلاعات و اسناد به مددکاری اجتماعی است که در اجرای ماده ۴۸۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود و مطابق ماده ۴۸۵ این قانون، معاونت اجرای احکام کیفری نیز به تعداد لازم مددکار اجتماعی در اختیار دارد. در صورتی که چنین تشکیلاتی در حوزه قضایی شهرستان ایجاد نشده باشد، تا زمان ایجاد اطلاعات مورد اشاره باید به قاضی اجرای احکام کیفری ارائه شود.

ر.ک: ماده ۴۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

تبصره- تدابیر یاد شده می‌تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد.

ماده ۴۳- در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتکابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه افراد واجب النفقه

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتکابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه

ح- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

ماده ۴۴- در مدت تعویق، در صورت ارتکاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند. در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه، قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند.

تبصره- در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است.

ماده ۴۵- پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند.[1]

❖ **مرجع صالح برای تعیین کیفر یا صدور حکم به معافیت از کیفر پس از سپری شدن مدت تعویق.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۴۹۰- ۱۴۰۱/۰۷/۲۶:** اعمال ماده ۴۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با همان دادگاه کیفری ۲ (دادگاه بدوی) صادرکننده قرار تعویق صدور حکم است؛ زیرا همان دادگاه مجرمیت متهم را احراز کرده؛ اما صدور حکم را برای مدتی معین معوق کرده است و با سپری شدن مدت تعویق، تعیین کیفر یا صدور حکم به معافیت از کیفر به استناد ماده ۴۵ همان قانون بر عهده دادگاه بدوی است؛ زیرا قرار تعویق صدور حکم تصمیم ماهیتی محسوب نمی‌شود و دادگاه بدوی باید در ماهیت امر مبادرت به صدور حکم نماید. ضمن آنکه، عقیده به اعمال ماده ۴۵ قانون یاد شده توسط دادگاه تجدیدنظر تأییدکننده قرار تعویق صدور حکم، حق متهم برای رسیدگی در مرحله تجدیدنظر را سلب خواهد کرد.

فصل ششم ـ تعلیق اجرای مجازات

ماده ۴۶ـ در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.[1]

❖ **مرجع صالح برای صدور قرار تعلیق اجرای مجازات.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۲۰۵۱ - ۱۳۹۹/۰۱/۱۹:** منظور از «دادگاه» مذکور در ماده ۴۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که می‌تواند قرار تعلیق اجرای مجازات را صادر کند، به قرینه عبارت «دادگاه صادر کننده حکم قطعی»، اعم از دادگاه بدوی و دادگاه تجدیدنظر استان است... صدور قرار تعلیق اجرای تمام یا برخی از مجازات‌ها از سوی دادگاه تجدیدنظر استان نیز همزمان با صدور حکم محکومیت به تبع نقض رأی دادگاه بدوی و یا حتی در مقام تأیید رأی دادگاه بدوی و یا پس از اجرای یک‌سوم مجازات (در صورتی که حکم قطعی محکومیت را دادگاه تجدیدنظر استان صادر کرده باشد)، بلامانع است.

❖ **صدور قرار تعلیق و دستور آزادی مشروط اتخاذ تصمیم ماهوی نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۸۴۴ - ۱۳۹۹/۰۱/۳۱: صدور حکم (دستور) آزادی مشروط طبق ماده ۵۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و قرار تعلیق اجرای مجازات موضوع ماده ۴۶ این قانون، اتخاذ تصمیم «در ماهیت امر» نیست؛ بلکه مستقل از امر تعیین مجازات و صدور حکم محکومیت بوده و تصمیم است که در اجرای حکم، مؤثر است، به این معنی که ناظر به اجرای حکم است و امر اجرایی محسوب می‌شود.

❖ **مقدور نبودن صدور قرار تعلیق مجازات به صورت غیابی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۵۸۱ - ۱۳۹۹/۰۵/۱۵: با توجه به اطلاق مواد ۴۶ و ۴۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، ناظر به مواد ۴۰ و ۴۱ همین قانون، اخذ تعهد از مرتکب به شرح مقرر در بندهای «الف» و «ب» ماده ۴۱ قانون یاد شده، برای صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ضروری است؛ بنابراین صدور قرار مذکور به صورت غیابی مقدور نیست.

❖ **ضرورت فقدان سابقه کیفری مؤثر در صدور قرار تعلیق مجازات.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۸۶۵ - ۱۳۹۹/۱۲/۲۰: ... طبق ماده ۴۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، شرایط لازم برای تعلیق اجرای مجازات، همان شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم است و در بند «ت» ماده ۴۰ قانون مذکور «فقدان سابقه کیفری مؤثر» از جمله شرایط تعویق صدور حکم اعلام شده است؛ بنابراین فقدان سابقه کیفری مؤثر، از جمله شرایط لازم برای صدور قرار تعلیق اجرای مجازات نیز می‌باشد.

❖ **اختیار دادگاه تجدیدنظر در تعلیق اولیه اجرای مجازات ضمن صدور حکم.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۲۲۷ - ۱۴۰۰/۱۰/۰۸: مستفاد از رأی وحدت رویه شماره ۷۳۱- ۱۳۹۲/۰۸/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مقصود از دادگاه صادرکننده حکم قطعی مذکور در ماده ۴۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، اعم از دادگاه بدوی یا دادگاه تجدیدنظر است. همان‌گونه که دادگاه تجدیدنظر استان برابر ذیل ماده ۴۶ قانون اخیرالذکر، اختیار تعلیق ثانوی اجرای مجازات را دارد، با توجه به اطلاق واژه «دادگاه» مذکور در صدر این ماده که دادگاه تجدیدنظر را نیز در بر می‌گیرد، اختیار تعلیق اولیه (ضمن صدور حکم) را نیز دارد؛ بنابراین هرچند محکوم‌علیه تجدیدنظرخواهی نکرده است، اما صدور قرار تعلیق اجرای مجازات وی از سوی دادگاه تجدیدنظر استان با منعی مواجه نیست؛ زیرا قرار تعلیق اجرای مجازات همانند تخفیف مجازات در زمره نهادهای ارفاقی است و مقنن در ماده ۴۵۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، تخفیف مجازات را نیز منوط به تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه ندانسته است.

ماده ۴۷ـ صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:[۱]

❖ **فروع اقدامات تأمینی و تربیتی از شمول مقررات تعلیق اجرای مجازات.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۵۶۵- ۱۴۰۱/۰۶/۱۵: در صورت ارتکاب جرم از سوی اطفال طبق ماده ۱۴۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود نه مجازات، و چون تعلیق موضوع ماده ۴۶ قانون مزبور ناظر به «اجرای مجازات» است، لذا اقدامات تأمینی و تربیتی که براساس مصلحت طفل اتخاذ می‌شود، از شمول تعلیق اجرای مجازات موضوع ماده ۴۶ قانون مذکور خارج است.

❖ **فروع موضوعی حبس بدل از جزای نقدی از شمول مقررات تعلیق اجرای مجازات و نحوه تعلیق جزای نقدی در صورتی که محکوم در حبس بدل از آن است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۵۷۰- ۱۴۰۱/۰۶/۲۷: پس از صدور حکم به پرداخت جزای نقدی، تعلیق اجرای این مجازات صرفاً به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام یا محکوم‌علیه، با احراز شرایط مقرر در قانون و «پرداخت یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم» امکان‌پذیر است و هرگاه محکومیت به پرداخت جزای نقدی به علت عجز محکوم از پرداخت آن در اجرای ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک به حبس تبدیل شود و در اثنای اجرای آن محکوم زندانی یا دادستان یا قاضی اجرای احکام پیشنهاد صدور قرار تعلیق اجرای مجازات را به دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقاضا کنند: اولاً، حبس بدل از جزای نقدی موضوع ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، ناشی از الزام قانونی است و مجازات اصلی جرم نیست؛ لذا از شمول مقررات تعلیق اجرای مجازات خروج موضوعی دارد.

ثانیاً، اگر مدت زمانی که محکوم در حال تحمل حبس بدل از جزای نقدی است معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم باشد (مدت حبس که محکوم به عنوان حبس بدل از جزای نقدی متحمل شده است معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم باشد) در این صورت با احراز تحقق سایر شرایط مقرر در قانون، دادگاه می‌تواند قرار تعلیق اجرای بقیه مجازات جزای نقدی یا قسمتی از آن را صادر کند.

❖ **بلامانع بودن تعلیق اجرای مجازات انفصال موقت.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۵۰۱- ۱۴۰۲/۰۷/۱۷: انفصال از خدمات دولتی و عمومی (اعم از موقت یا دائم) با توجه به بند «چ» ماده ۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ فی‌الواقع یکی از موارد محرومیت از حقوق اجتماعی است که گاه به صورت مجازات اصلی، گاه تبعی یا تکمیلی اعمال می‌شود و با عنایت به ماده ۱۹ قانون مذکور «محرومیت از حقوق اجتماعی» یکی از انواع مجازات‌های تعزیری است. به طور کلی در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند براساس ماده ۴۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در صورت وجود شرایط مقرر در قانون اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را (از جمله مجازات انفصال موقت) به مدت یک تا پنج سال تعلیق نماید و ممنوعیت تعلیق اجرای مجازات جرایم موضوع ماده ۴۷ قانون پیش گفته که ناظر به جرم است، طبق بندهای ذیل این ماده بیان شده است؛ بنابراین جرمی که قانوناً موجب مجازات انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی است اگر از جمله جرایم مذکور در بندهای ذیل ماده ۴۷ قانون مورد بحث با لحاظ تبصره الحاقی ۱۳۹۹ به این ماده نباشد که مقنن تعلیق اجرای مجازات آنها را ممنوع اعلام نموده است، تعلیق اجرای مجازات انفصال موقت به مدت یک تا ۵ سال (با احراز وجود شرایط تعلیق اجرای مجازات مقرر در قانون) بلامانع است.

ر.ک: مواد ۴۶، ۴۹ و ۶۲ همین قانون.

❖ **ممنوعیت تعویق و تعلیق اجرای مجازات‌های موضوع ماده ۴۷ ق.م.ا مانع آزادی محکوم تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۵۲- ۱۴۰۲/۰۱/۲۹:** قرار دادن محکوم به حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، تأسیس حقوقی جدیدی برای اجرای مجازات حبس است و ارتباطی با تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم ندارد و در ماده ۴۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ موارد ممنوعیت تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در جرایم

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات.[۱]

ب- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی.

پ- قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا.[۲]

ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان.[۳]

ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی‌الارض

ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیون (۱/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال.[۴]

احصاء شده در ذیل این ماده، بیان شده است و اشاره‌ای به ممنوعیت قرار دادن محکوم به حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در این جرایم ندارد.

❖ **جرائم توهین به بنیانگذار و رهبر جمهوری اسلامی جرم علیه امنیت داخلی و خارجی نیست و مشمول ممنوعیت از تعویق و تعلیق اجرای مجازات نمی‌باشد.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۱۵۲- ۱۴۰۱/۱۲/۰۶:** ۱- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در فصل اول کتاب پنجم ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و اهانت به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و مقام رهبری در فصل دوم همان قانون و در ماده ۵۱۴ ذکر شده است. چنانچه اراده قانونگذار این بود که جرم اخیرالذکر در زمره جرایم علیه امنیت باشد، در فصل مربوط ذکر می‌شد؛ حال آنکه عنوان مجرمانه مذکور، در فصل مربوط به اهانت به مقدسات مذهبی و ... آمده است؛ بنابراین جرم، در زمره جرایم علیه امنیت نیست. تفکیک جرایم توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و توهین به مقام رهبری طبق بند «ب» ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ... در بند «الف» این ماده، مؤید این نظر است.

۲- با عنایت به مراتب مذکور در بند یک، جرم موضوع ماده ۵۱۴ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مشمول «ممنوعیت» و «محدودیت» مذکور در ماده ۴۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و تبصره الحاقی این ماده مصوب ۱۳۹۹ نیست.

❖ **قابلیت تعویق یا تعلیق اجرای مجازات ایراد جرح یا تهدید با چاقو یا هر اسلحه دیگر.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۴۸۱- ۱۴۰۱/۰۵/۲۹:** آنچه در بند «پ» ماده ۴۷ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ تعویق و تعلیق آن منع شده است، منحصر به قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر است؛ بنابراین جرم ایراد جرح عمدی با چاقو و یا تهدید با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر مشمول منع مذکور نیست.

❖ **قابلیت تعلیق جرائم مذکور در ماده ۷۰۲ کتاب پنجم ق.م.ا اصلاحی ۱۳۸۷.**

[۳]- **رأی وحدت رویه شماره ۷۷۸- ۱۳۹۸/۰۳/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

نظر به این که بر حسب مستفاد از بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز جرائم مذکور در ماده ۷۰۲ اصلاحی قانون مجازات اسلامی داخل در عنوان قاچاق نیست، بنابراین از شمول بند ت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی (قابل تعلیق نبودن قاچاق عمده مشروبات الکلی) خارج است، از این رو اجرای مجازات این جرائم با رعایت شرایط مقرر در ماده ۴۶ قانون اخیر قابل تعلیق است. بر این اساس، رأی شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان چهارمحال و بختیاری در حدی که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.

❖ **غیر قابل تعلیق بودن بزه انتقال مال غیر.**

[۴]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۲۰۵۱- ۱۳۹۹/۰۱/۱۹:** طبق ماده اول قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ مرتکب «بزه انتقال مال غیر» کلاهبردار محسوب می‌شود و کلیه آثار و احکام مربوط به کلاهبرداری به این بزه نیز مترتب است و از حیث تعلیق اجرای مجازات نیز تابع احکام مربوط به بزه کلاهبرداری است.

تبصره (الحاقی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. همچنین تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی (به جز جرائم موضوع مواد (۶۳۹) و (۶۴۰) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) و کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود[۱] و شروع به جرائم مقرر در این تبصره، بلامانع است. رعایت ماده (۴۶) این قانون در خصوص این تبصره الزامی است.[۲]

---

[۱]- مصادیق مهم جرم در حکم کلاهبرداری عبارتند از:
- تبانی کردن اشخاص برای بردن مال دیگری
- تبانی به عنوان شخص ثالث در دادگاه
- انتقال مال غیر بدون اجازه مالک
- خرید مال غیر با علم به عدم مالکیت شخص انتقال دهنده
- معرفی کردن مال دیگری به عنوان مال خود
- تحصیل گواهی انحصار وراثت برخلاف واقع
- مبادرت به تقاضای ثبت ملک برخلاف واقع
- تقاضای ثبت ملک توسط امین
- خیانت یا تبانی متصرف برای ثبت ملک به نام دیگری یا متصرف قلمداد کردن خود
- دریافت وجه یا مال از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی علاوه بر میزان مقرره به صورت متقلبانه
- منتشر نمودن اعلامیه پذیره‌نویسی اوراق بهادار با اطلاعات نادرست یا ناقص
- مبادرت به نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی برخلاف قانون
- تشکیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی بدون اخذ مجوز از مراجع قانونی
- ایجاد دفتر یا مؤسسه و ترجمه اسناد بدون رعایت مقررات قانونی
- جعل عنوان نمایندگی بیمه
- خودداری کردن از استرداد حق طرف
- اظهارات خلاف واقع مؤسسین و مدیران شرکت‌های با مسئولیت محدود در مورد پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی در اوراق و اسناد لازم برای ثبت شرکت
- تقاضای ثبت ملک توسط وارث با علم به انتقال یا سلب مالکیت مورث
- تقویم متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی به مبلغ بیش از قیمت واقعی
- تقسیم منافع موهوم با نبودن صورت دارایی بین شرکا توسط مدیران
- تقسیم منافع موهوم به استناد صورت دارایی بین شرکاء توسط مدیران

❖ **منظور از «تعلیق بخشی از مجازات» در تبصره ماده ۴۷ ق.م.ا.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۲۱- ۱۳۹۹/۰۴/۱۱:** منظور از «تعلیق بخشی از مجازات» در تبصره ماده ۴۷ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹، تعلیق قسمتی از مجازات مندرج در حکم و به هر میزان که دادگاه تشخیص دهد است و نه تمام مجازات.

❖ **شمول مقررات تبصره ماده ۴۷ ق.م.ا نسبت به مباشر، شریک و معاون جرم.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۰۷- ۱۳۹۹/۰۴/۱۵: تعلیق مجازات جرایم مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۴۷ ق.م.ا ۱۳۹۹، شامل مباشر، شریک و به طریق اولی شامل معاون جرم نیز می‌گردد.

ماده ۴۸ـ تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم، ممکن است به طور ساده یا مراقبتی باشد.

ماده ۴۹ـ قرار تعلیق اجرای مجازات به وسیله دادگاه ضمن حکم محکومیت یا پس از صدور آن صادر می‌گردد. کسی که اجرای حکم مجازات وی به طور کلی معلق شده است، اگر در بازداشت باشد فوری آزاد می‌گردد.[۱]

ماده ۵۰ـ چنانچه محکومی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید. تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم، موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می‌شود.[۲]

❖ **همکاری متهم در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان در تجویز تعلیق مجازات مستلزم دستگیری متهمان دیگر نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۶۲۹- ۱۳۹۹/۰۶/۲۹: صرف همکاری متهم در کشف جرم یا شناسایی سایر متهمان در تجویز تعلیق مجازات وی کافی است و در استفاده از این نهاد ارفاقی، الزاماً نیازی به تحقق نتیجه از جمله دستگیری دیگر متهمان نیست.

❖ **غیر قابل تعلیق بودن تعقیب جرائم مشمول تبصره ماده ۴۷ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۶۱۷- ۱۳۹۹/۱۰/۲۲: با توجه به اطلاق بند «الف»» ماده ۴۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر ممنوعیت تعلیق صدور حکم و اجرای مجازات در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛ و با عنایت به اینکه ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ که براساس آن یک تبصره به ماده ۴۷ ق.م.ا الحاق شده است، صرفاً تعلیق «بخشی از مجازات» این دسته از جرایم را مجاز شناخته است؛ بنابراین دادستان نمی‌تواند مستند به ماده ۸۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ «تعقیب» متهمان به ارتکاب جرایم علیه امنیت را تعلیق کند.

❖ **نمونه تعلیق اجرای مجازات.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۰۴۹- ۱۴۰۰/۱۰/۲۱:** ماده ۴۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نوع خاصی از تعلیق اجرای مجازات را بیان نکرده است؛ بلکه درصدد بیان نحوه تعلیق اجرای مجازاتی است که شرایط آن در ماده ۴۶ همین قانون بیان شده است که این تعلیق به صورت قرار، توسط دادگاه و با شرایط ماده ۴۶ قانون مذکور، ضمن یا پس از حکم محکومیت صادر می‌شود.

❖ **جواز صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت یا پس از آن.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۴۲۲- ۱۴۰۰/۱۱/۱۷: اصولاً قرار تعلیق اجرای مجازات، ناظر به جرای حکم بوده و امری اجرایی محسوب می‌شود و مستقل از تعیین مجازات و صدور حکم محکومیت است؛ لذا با توجه به ماده ۴۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، این قرار ممکن است ضمن حکم محکومیت یا پس از آن صادر شود.

ر.ک: ماده ۴۶ همین قانون.

❖ **منتفی بودن تجدیدنظرخواهی در مورد افزایش مدت تعلیق یا لغو قرار تعلیق اجرای مجازات.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۹۹۰- ۱۳۹۹/۰۷/۲۸:** افزایش مدت تعلیق یا لغو قرار تعلیق در اجرای مقررات ماده ۵۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به علت عدم تبعیت محکوم از دستورهای دادگاه بدون عذر موجه در مدت تعلیق، صرفاً یک تصمیم قضایی در حوزه اجرای آراء است و رأی به مفهوم اصطلاحی آن تلقی نمی‌شود؛ لذا موضوع تجدیدنظرخواهی نسبت به آن نیز منتفی است و در تبصره ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ نیز از جمله قرارهای قابل تجدیدنظر ذکر نشده است.

ماده ۵۱ـ تعلیق اجرای مجازات محکوم نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجراء می‌شود.

ماده ۵۲ـ هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود، محکومیت تعلیقی بی اثر می‌شود.

ماده ۵۳ـ در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌های مورد حکم معلق شود، مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیرمعلق محاسبه می‌گردد.

تبصره ـ در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نمی‌گردد، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شود.

ماده ۵۴ـ هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم أخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می‌کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می‌کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم أخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجراء می‌شود.[1]

❖ **مرجع صالح برای لغو قرار تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از مجازات.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۲۳۳- ۱۳۹۹/۰۳/۰۷:** لغو قرار تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از مجازات صرفاً به عهده دادگاهی است که حکم قطعی مربوط به جرم بعدی (که در دوران تعلیق مرتکب شده) از آن دادگاه صادر شده است؛ اعم از اینکه این دادگاه، دادگاه بدوی باشد یا دادگاه تجدیدنظر.

❖ **ممنوعیت صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مورد محکومی که دارای سابقه محکومیت مؤثر یا محکومیت کیفری قطعی دیگری است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۳۵۲- ۱۴۰۰/۰۴/۱۲: مستفاد از مواد ۵۴ و ۵۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ این است که مقنن صدور قرار تعلیق اجرای مجازات را در مورد محکومی که دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری است که در میان آنها محکومیت تعلیقی ولو محکومیت غیر مؤثر باشد را منع کرده است؛ لذا چنانچه دادگاه بدون توجه به محکومیت تعلیقی، اجرای مجازات محکومیت دوم را معلق کند، باید قرار تعلیق اجرای هر دو مجازات لغو شود.

❖ **غیر قابل تعلیق بودن مجازات جرمی که پس از تعلیق مجازات سابق ارتکاب یافته است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۳۸- ۱۴۰۱/۰۳/۰۹: «تعلیق مجازت موضوع محکومیت جرم اخیر» برخلاف نص و فاقد وجاهت قانونی است.

❖ **با صدور حکم به معافیت کیفر جرم اخیر در مورد جرائم درجه هفت، قرار تعلیق اجرای مجازات جرم سابق همچنان معتبر است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۵۹۰- ۱۴۰۱/۰۸/۲۹: فردی در ایام تعلیق، مرتکب جرم درجه هفت شده و دادگاه در خصوص اتهام وی، حکم به معافیت از کیفر صادر کرده است، موضوع تخصصاً از شمول ماده ۵۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ خارج است؛ چه آنکه در صدور حکم معافیت از کیفر، اصولاً «محکومیت» و «تعیین مجازات» موضوعاً منتفی است؛ لذا قرار تعلیق اجرای مجازات کماکان معتبر است.

ماده ۵۵ـ هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده است که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو می‌کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام نیز موظف است در صورت اطلاع از موارد فوق، لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید. حکم این ماده در مورد تعویق صدور حکم نیز جاری است.[1]

❖ **رفع تعارض دستور لغو قرار تعلیق اجرای مجازات با مقررات تعدد و تکرار جرم.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۳۴۲- ۱۴۰۲/۰۵/۲۵: اولاً، چنانچه فردی که محکومیت قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا پنج دارد و با صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، اجرای این محکومیت قطعی معلق شده است، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش در مدت تعلیق شود، دادگاه با توجه به ماده ۵۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر می‌کند و مجازات جرم اخیر باید با توجه به ماده ۱۳۷ این قانون براساس مقررات تکرار جرم تعیین شود؛ زیرا حکم به مجازات قبلی قطعی بوده و صرفاً اجرای آن، معلق شده است و اعمال مقررات تکرار جرم موضوع ماده ۱۳۷ نیز در صورتی است که از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش دیگری شود.

ثانیاً، چنانچه تاریخ وقوع جرم بعد از صدور قرار تعلیق اجرای مجازات و قبل از قطعیت حکمی باشد که اجرای مجازات آن معلق شده است، مستفاد از ماده ۵۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ این است که در صورت احراز و اثبات جرم و پس از قطعیت حکم اخیر، چنانچه این محکومیت یکی از محکومیت‌های مذکور در ماده ۵۴ این قانون باشد، دادگاه قرار تعلیق اجرای مجازات را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر می‌کند؛ لذا مورد از مواردی نیست که مقررات تعدد جرم اعمال می‌شود؛ زیرا در اعمال مقررات تعدد جرم فقط یک مجازات به مرحله اجرا درمی‌آید؛ در حالی که در این ماده مقنن با به کار بردن عبارت «علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می‌شود» به صراحت اجرای دو مجازات را تجویز کرده و به طور ضمنی این مورد را منصرف از مصادیق ماده ۱۳۴ ق.م.ا دانسته است.

❖ **مرجع صالح برای لغو و دستور اجرای حکم معلق شده.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۸۷۸- ۱۴۰۲/۱۰/۲۶: الف- با توجه به مواد ۵۲ و ۵۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، مبنا و ملاک برای عدم ارتکاب جرایمی که قانوناً موجب لغو قرار تعلیق می‌شود، تاریخ صدور قرار تعلیق است.

ب- با توجه به صراحت ماده ۵۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «... پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار اعلام می‌دارد ...»، لغو قرار تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از مجازات صرفاً به عهده دادگاهی است که حکم قطعی مربوط به جرم بعدی (که در دوران تعلیق مرتکب شده) از آن دادگاه صادر شده است؛ اعم از اینکه این دادگاه، دادگاه نخستین باشد یا دادگاه تجدیدنظر و لغو قرار تعلیق اجرای مجازات صادره از دادگاه تجدیدنظر توسط دادگاه نخستین با عنایت به صراحت و اطلاق مقررات ماده مذکور قانوناً بدون اشکال است؛ خصوصاً اینکه «قرار تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از مجازات» قرار نهایی محسوب نمی‌شود و تصمیم در ماهیت قضیه نیست تا اگر از ناحیه دادگاه عالی صادر شود، دادگاه تالی مجاز به لغو آن نباشد.

❖ **مرجع صالح برای لغو قرار تعلیق مجازات جرمی که به اشتباه نسبت به آن قرار تعلیق صادر شده است.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۴۶۳- ۱۳۹۸/۰۶/۰۳:** در فرضی که دادگاه تجدیدنظر استان ضمن تأیید دادنامه بدوی، به اشتباه در مواردی که اجرای مجازات جرم مربوطه قابل تعلیق نبوده مبادرت به صدور قرار تعلیق اجرای مجازات (مذکور در حکم بدوی) نموده است؛ با توجه به اینکه محکوم‌علیه اساساً استحقاق برخورداری از تعلیق اجرای مجازات را نداشته است، لذا با استناد به ماده ۵۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ یا اتخاذ ملاک از آن، لغو قرار تعلیق اجرای مجازات از سوی دادگاه تجدیدنظر فاقد اشکال قانونی به نظر می‌رسد.

فصل هفتم ـ نظام نیمه‌آزادی

ماده ۵۶ـ نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود.[1]

❖ **نمونه اشتباه در صدور قرار تعلیق اجرای مجازات و مرجع صالح برای رفع اشتباه.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۳۵۲- ۱۴۰۰/۰۴/۱۲: مستفاد از مواد ۵۴ و ۵۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ این است که مقنن صدور قرار تعلیق اجرای مجازات را در مورد محکومی که دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری است که در میان آنها محکومیت تعلیقی ولو محکومیت غیر مؤثر باشد را منع کرده است؛ لذا چنانچه دادگاه بدون توجه به محکومیت تعلیقی، اجرای مجازات محکومیت دوم را معلق کند، باید قرار تعلیق اجرای هر دو مجازات لغو شود.

❖ **منظور از حکم تعلیقی سابق در ماده ۵۵ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۳۸- ۱۴۰۱/۰۳/۰۹: منظور از حکم تعلیقی سابق مذکور در ماده ۵۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، آنچنان حکمی است که لغو نشده و دوره تعلیق به پایان نرسیده باشد و شامل احکام و قرارهای تعلیقی لغو شده و آنهایی که زمان تعلیق به پایان رسیده، نمی‌شود.

❖ **غیر قابل تجدیدنظر بودن قرار تعلیق اجرای مجازات.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۵۶۴- ۱۴۰۱/۰۸/۲۴: با توجه به تبصره ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، قرار تعلیق اجرای مجازات از جمله آرای قابل تجدیدنظر شناخته نشده است؛ اما چنانچه، لغو این قرار، با توجه به ماده ۵۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ضرورت داشته باشد، دادگاه تجدیدنظر نیز به مانند دادستان یا قاضی اجرای احکام مربوطه، مراتب را برای لغو قرار به دادگاه صادرکننده قرار اعلام می‌کند.

❖ **غیر قابل اعمال بودن نظام نیمه آزادی در مورد محکومان مالی.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۶۴۲- ۱۳۹۹/۰۱/۳۰:** با عنایت به اینکه مواد قانونی صرفاً ناظر بر جرایم تعزیری است و یکی از شرایط بهره‌مندی محکوم‌علیه از نظام نیمه‌آزادی، رضایت شاکی است؛ لذا به نظر می‌رسد که اعمال این نظام برای محکومان مالی با تصمیم دادگاه صادرکننده حکم یا دادرس اجرای احکام مدنی ممکن نیست و زندانیان مالی صرفاً وفق مواد ۱۳، ۶۶، ۶۷ و ۶۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ با اصلاحات بعدی می‌توانند در مراکز اشتغال داخل و یا خارج از مؤسسه کیفری یا زندان مشغول به کار شوند.

❖ **بلامانع بودن به کارگیری (ادامه خدمت) کارمند محکوم کیفری تحت نظام نیمه آزادی یا آزادی تحت نظارت الکترونیکی در صورت فقدان محرومیت از حقوق اجتماعی یا انفصال از خدمت.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۵۴- ۱۴۰۱/۰۷/۰۴: مستفاد از مواد ۵۶، ۵۷ و ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۵۵۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، به کارگیری (ادامه خدمت) کارمند دولت که محکوم‌علیه حکم کیفری است، تحت نظام نیمه آزادی یا آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در صورتی که فاقد محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع مواد ۲۵ و ۲۶ یا بند «پ» ماده ۲۳ قانون صدرالذکر یا انفصال دائم یا موقت از خدمات عمومی و دولتی (به موجب احکام قطعی کیفری) باشد، فاقد منع قانونی است. ماده ۱۴ آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین های حبس مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۳ رئیس محترم قوه قضاییه مؤید این نظر است.

ر.ک: مواد ۵۵۳ و ۵۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۵۷ـ در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.[۱]

تبصره (الحاقی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار، در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال است.[۲]

فصل هشتم ـ نظام آزادی مشروط

ماده ۵۸ـ در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:[۳]

❖ منظور از حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ در ماده ۵۷ ق.م.ا و عدم تسری مقررات «رأی باز» به مقررات نظام نیمه آزادی.

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۵۶۶- ۱۴۰۱/۰۸/۰۹:** منظور از عبارت «حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت» در صدر ماده ۵۷ ق.م.ا ۱۳۹۲، مجازات قانونی جرم ارتکابی است نه مجازات قضایی که در دادنامه قید می‌شود؛ زیرا مقنن در این ماده از عبارت «محکومیت به حبس» استفاده نکرده است و مؤید این نظر، تصریح ماده ۶۲ این قانون است که در این ماده به جرایم تعزیری اشاره شده است.

۲- ... اشتغال در مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال با خروج از مؤسسه (رأی باز) موضوع شق ۶ بند «ب» ماده یک آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸ رئیس محترم قوه قضاییه با تصویب شورای طبقه‌بندی و براساس مقررات ذی‌ربط این آیین‌نامه (از جمله مواد ۱۸۱، ۱۸۲ و ۱۸۳ آن) به مفهوم اعمال نهاد نظام نیمه آزادی موضوع مواد ۵۶ و ۵۷ ق.م.ا که تابع احکام و شرایط خاصی می‌باشد، نیست و نحوه اجرای نظام نیمه آزادی در مقررات فصل سوم آیین‌نامه اجرایی ماده ۶۳ ق.م.ا ۱۳۹۲ (مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۴) بیان شده است؛ لذا مقررات مذکور در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، در خصوص اشتغال محکومان زندانی در مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال با خروج از مؤسسه قابل تسری به محکومان نظام نیمه آزادی نمی‌باشد.

❖ مقررات تبصره ماده ۵۷ ق.م.ا الحاقی ۱۳۹۹ از جمله قوانین مساعد به حال مرتکب است.

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۳۰- ۱۳۹۹/۰۸/۲۷:** تبصره‌های الحاقی به مواد ۵۷ و ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۹ موضوع مواد ۸ و ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، ناظر به تجویز استفاده از نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه الکترونیکی در جرایم تعزیری درجه دو، سه و چهار است و از آنجا که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری از «زمره قوانین مساعد به حال مرتکبین» موضوع صدر ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ است، نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون قابل اعمال (مؤثر) است.

❖ مرجع صالح برای اظهارنظر در مورد آزادی مشروط.

[۳]- **رأی وحدت رویه شماره ۷۳۱- ۱۳۹۲/۰۸/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.
ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.

مقررات مربوط به پیشنهاد آزادی مشروط ناظر به اجرای احکام قطعی و لازم‌الاجراء است و اظهارنظر قانونی در خصوص مورد هم علی‌الاصول با دادگاه صادرکنندهٔ حکم قطعی (اعم از بدوی یا تجدیدنظر) خواهد بود همچنان که در مقررات نیمه آزادی موضوع ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این امر مورد تصریح قرار گرفته است، لذا رأی شعبه نوزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در حدی که با این نظر انطباق دارد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.

❖ **عدم شمول مقررات آزادی مشروط نسبت به محکومان به حبس دائم تعزیری.**

رأی وحدت رویه شماره ۷۶۴- ۱۳۹۶/۰۹/۰۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه از قانون مجازات اسلامی مصوّب سال ۱۳۹۲ در فصل هشتم راجع به آزادی مشروط محکومان به حبس، جواز آزادی مشروط محکومان به حبس دائم، استفاده نمی‌شود بنابراین با لحاظ حکم مقرر در ماده ۷۲۸ همان قانون نسبت به این قبیل محکومان «قانون آزادی مشروط زندانیان مصوّب سال ۱۳۳۷» قابل اعمال و اجرا نیست. بر این اساس رأی شعبهٔ اول دادگاه انقلاب اسلامی کرمان که متضمن این معناست به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

❖ **دستور آزادی مشروط و قرار تعلیق اجرای مجازات اتخاذ تصمیم در ماهیت نیست و امر اجرائی محسوب می‌شود.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۸۴۴- ۱۳۹۹/۰۱/۳۱: صدور حکم (دستور) آزادی مشروط طبق ماده ۵۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و قرار تعلیق اجرای مجازات موضوع ماده ۴۶ این قانون، اتخاذ تصمیم «در ماهیت امر» نیست؛ بلکه مستقل از امر تعیین مجازات و صدور حکم محکومیت بوده و تصمیم است که در اجرای حکم، مؤثر است، به این معنی که ناظر به اجرای حکم است و امر اجرایی محسوب می‌شود.

❖ **موضوعیت داشتن پیشنهاد صدور حکم آزادی مشروط توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۸۱۷- ۱۳۹۹/۱۲/۰۳: ... تشخیص شرایط مقرر در بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۵۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و پیشنهاد صدور حکم آزادی مشروط وظیفه دادستان یا قاضی اجرای احکام است و پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام در این خصوص موضوعیت دارد. بنابراین صرف درخواست آزادی مشروط محکوم‌علیه از دادگاه کفایت نمی‌کند.

❖ **بلامانع بودن اعطای آزادی مشروط علی‌رغم داشتن سابقه محکومیت کیفری.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۸۶۵- ۱۳۹۹/۱۲/۲۰: در فصل هشتم ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نداشتن سابقه محکومیت حبس به عنوان شرط استفاده از آزادی مشروط نیامده است، بنابراین داشتن سابقه محکومیت به حبس مانع اعطای آزادی مشروط با حصول سایر شرایط مقرر در قانون نیست و تنها ممنوعیت طبق بند «ت» ماده ۵۸ قانون مزبور، مربوط به این است که سابقاً از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

❖ **محاسبه مجازات قابل اجرا در نصاب‌های قانونی برای اعطای آزادی مشروط و عدم محاسبه محکومیت تعلیق شده.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۶۷۱- ۱۴۰۰/۰۶/۱۶: واژه «مجازات» مذکور در ماده ۵۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در عبارت «پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات» مطلق است و مجازاتی را که مرتکب باید تحمل کند در بر می‌گیرد و تصریحی به اینکه فرد باید نصف یا یک سوم مجازات مقرر در حکم را تحمل کند وجود ندارد... بنابراین ملاک برخورداری از آزادی مشروط، میزان مجازاتی است که در محکومیت همراه با تعلیق قابل اجرا است و لذا دادگاه با ملاحظه نصف یا ثلث مجازات قابل اجرا، در خصوص آزادی مشروط اتخاذ تصمیم خواهد کرد.

پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.[۱]

ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.

ماده ۵۹ـ مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات می‌شود، لکن دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مشروط نمی‌تواند کمتر از یکسال و بیشتر از پنج سال باشد جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است.

ماده ۶۰ـ دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند. دادگاه، دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می‌کند.

ماده ۶۱ـ هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجراء در می‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود.[۲]

❖ **عدم تکلیف محکوم‌علیه به پرداخت ضرر و زیان به عنوان یکی از شرایط اعطای آزادی مشروط، در صورتی که حکم به ضرر و زیان صادر نشده است.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۴۱۰- ۱۴۰۰/۱۱/۱۹:** با توجه به تصریح به عبارت «مدعی خصوصی» در بند «پ» ماده ۵۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و برگشت تمام مندرجات بند یاد شده به آن، در صورت صدور حکم بر پرداخت ضرر و زیان، محکوم‌علیه تکلیف دارد تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که موضوع حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده است را بپردازد و یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد؛ اما اگر حکم بر پرداخت ضرر و زیان صادر نشده باشد، اساساً موضوع آن منتفی بوده و محکوم‌علیه در خصوص بند «پ» ماده یاد شده تکلیفی نخواهد داشت.

❖ **تأثیر ارتکاب جرائم قابل گذشت و عدم تأثیر گذشت شاکی خصوصی و مرجع اتخاذ تصمیم در مورد لغو آزادی مشروط.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۱۲- ۱۳۹۹/۰۹/۱۸:** ۱- اطلاق عبارت «تکرار یا ارتکاب یکی از جرایم عمدی موجب قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت» مذکور در ماده ۶۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، جرایم تعزیری قابل گذشت را هم در بر می‌گیرد و لذا اعلام گذشت شاکی خصوصی و صدور قرار موقوفی تعقیب یا قرار موقوفی اجرا (حسب مورد) نسبت به آن جرم، تأثیری در حکم مذکور در ماده قانونی پیش‌گفته از نظر لغو آزادی مشروط ندارد.

۲- ... اتخاذ تصمیم در خصوص لغو آزادی مشروط در صورت تخطی محکوم براساس ماده ۶۱ ق.م.ا ۱۳۹۲ نیز به عهده دادگاه صادرکننده حکم آزادی مشروط خواهد بود.

ماده ۶۲ـ در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم)های الکترونیکی قرار دهد.[1]

❖ **مرجع صالح برای صدور دستور آزادی تحت نظارت سامانه الکترونیکی و امکان صدور دستور ضمن صدور حکم و قابل عدول بودن دستور مذکور.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۸۴۶- ۱۳۹۹/۰۱/۳۰:** اولاً، منظور از «دادگاه» در ماده ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، دادگاه صادرکننده حکم حبس، اعم از دادگاه بدوی یا دادگاه تجدیدنظر استان است که می‌تواند حین صدور حکم به مجازات «حبس» و در صورت وجود شرایط مقرر برای قرار تعویق مراقبتی و با رضایت محکوم، وی را در محدوده مکانی مشخص، تحت نظارت سامانه (سیستم‌های) الکترونیکی قرار دهد.

ثانیاً، اعمال مقررات ماده ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ یک تصمیم قضایی در خصوص نحوه اجرای حکم «محکومیت به حبس» است؛ لذا دادگاه حین صدور حکم حبس در ماهیت امر می‌تواند در صورت احراز شرایط مقرر در تعویق مراقبتی و با رضایت محکوم، هنگام انشای محکومیت حبس، چنین تصمیمی را در همان رأی اتخاذ کند... .

ثالثاً، ... چنانچه دادگاه متعاقب اتخاذ چنین تصمیمی احراز نماید که تصمیم قضایی اشتباهاً صادر شده است (مثلاً شرایط مقرر در تعویق مراقبتی وجود نداشته است)، عدول از تصمیم قضایی اشتباه به طور مستدل توسط دادگاه جایز است.

❖ **صدور دستور آزادی محکوم به حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی مستلزم موافقت دادستان یا قاضی اجرای احکام نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۹۱۱- ۱۳۹۹/۱۲/۱۸: مطابق ماده ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ شرایط مقرر برای برخورداری محکوم‌به حبس از نظام آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی همان شرایط مقرر در تعویق مراقبتی مذکور در مواد ۴۰ و بند «ب» ماده ۴۱ این قانون است و موافقت دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری جزء آن شرایط نیست و ماده ۵۵۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ نیز بر لزوم موافقت دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری جهت اعمال نظام آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی دلالت ندارد... .

با عنایت به ماده ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ تشخیص وجود و تحقق یا عدم تحقق شرایط مقرر برای برخورداری محکوم‌به حبس از نظام آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی با دادگاه است؛ بنابراین دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری موظف است تقاضای محکوم را جهت برخورداری از نظام موصوف به دادگاه ارسال کند؛ مضافاً به اینکه دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند نظر خود را به دادگاه ارسال کند.

❖ **امکان برخورداری محکوم به حبس تحت نظارت سامانه الکترونیکی از نهادهای حقوقی مانند عفو و آزادی مشروط و غیره.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۶۶۷- ۱۴۰۰/۰۶/۲۲: مطابق ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۰۴/۱۰ رئیس قوه قضاییه «فرد تحت مراقبت الکترونیکی مطابق مقررات از حقوقی «مانند» عفو، آزادی مشروط و مرخصی برخوردار می‌باشد».

❖ **قابل عدول بودن تصمیم تحت نظارت سامانه الکترونیکی قرار گرفتن محکوم به حبس.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۲۳۹- ۱۴۰۰/۱۰/۲۶: پذیرش درخواست محکوم به حبس مبنی بر قرار گرفتن تحت نظارت سامانه های الکترونیکی موضوع ماده ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ یک تصمیم قضایی است؛ بنابراین در صورتی که کشف شود شرایط قانونی در زمان اتخاذ تصمیم رعایت نشده و یا محکوم‌علیه حین اجرا شرایطی را که تداوم آنها در زمان اجرا جزو شروط قانونی بهره‌مندی از این تأسیس می‌باشد را از دست داده است، عدول از تصمیم یاد شده با منع قانونی مواجه نیست.

تبصره ۱ـ دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد.

❖ **ممنوعیت تعلیق مجازات برخی از جرائم مانع اعمال نهاد مقرونی قرار گرفتن تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در جرائم مذکور نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۷۰۵- ۱۴۰۱/۰۱/۲۲: ۱- قرار دادن محکوم به حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، تأسیس حقوقی جدیدی برای اجرای مجازات حبس است و ارتباطی با تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم ندارد و در ماده ۴۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ممنوعیت صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در جرایم احصاء شده در ذیل این ماده، بیان شده است و اشاره‌ای به ممنوعیت قرار دادن محکوم به حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در این جرایم ندارد. ضمناً در ماده ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، شرط اعمال مقررات این ماده وجود شرایط مقرر برای تعویق مراقبتی است و چنانچه مقنن به ممنوعیت آزادی تحت نظارت سامانه الکترونیکی نسبت به جرایم مذکور در ماده ۴۷ قانون مورد بحث هم نظر داشت، به این موضوع تصریح می‌کرد؛ بنابراین ممنوعیت موضوع ماده ۴۷ قانون یاد شده مانع اعمال مقررات ماده ۶۲ در جرایم مذکور در ذیل ماده ۴۷ این قانون نیست.

❖ **قرار دادن محکوم به حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی منوط به اجرای حکم است.**

۲- قرار دادن محکوم به حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی موضوع ماده ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ناظر به اجرای حکم بوده و امری اجرایی محسوب می‌شود و مستقل از امر تعیین مجازات و صدور حکم محکومیت است و چنانچه دادگاه حین صدور حکم نسبت به اعمال مقررات ماده ۶۲ این قانون اقدام نکند، با توجه به اصل قانون‌مندی دادرسی کیفری مذکور در ماده ۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، قرار دادن محکوم تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی نیازمند رعایت تشریفات مقرر در ماده ۵۵۳ قانون پیش‌گفته است؛ لذا اعمال مقررات ماده ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ منوط به شروع به اجرای مجازات حبس محکوم خواهد بود.

❖ **عدم تسری تصمیم به قرار گرفتن محکوم به حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی به سایر محکومیت‌های محکوم.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۵۹۶- ۱۴۰۱/۰۲/۲۶: چنانچه فردی چندین محکومیت به حبس قابل اجرا داشته باشد قرار دادن وی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در هر محکومیت به حبس، در صورتی است که دادگاه صادرکننده این محکومیت ضمن صدور حکم به حبس یا براساس ماده ۵۵۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ نسبت به اعمال ماده ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ اقدام کرده باشد؛ لذا اعمال ماده ۶۲ مذکور در خصوص یک محکومیت به حبس قابل تسری به سایر محکومیت‌های حبس وی نیست.

❖ **خروج موضوعی محکومین به جزای نقدی از شمول ماده ۶۲ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۲۱۴- ۱۴۰۱/۰۳/۲۲: با عنایت به صراحت حکم موضوع ماده ۶۲ ق.م.ا ۱۳۹۲ و بند ۲ ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۰۴/۱۰ رئیس قوه قضائیه، آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی موضوع ماده ۶۲ قانون موصوف، مختص محکومان به حبس است و محکومان به حزای نقدی موضوع ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک از قلمرو شمول ماده مذکور (ماده ۶۲ ق.م.ا) خروج موضوعی دارند.

❖ **خروج موضوعی محکومین مالی از شمول ماده ۶۲ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۴۸۸- ۱۴۰۱/۰۶/۰۹: محکومان مالی که در اجرای مواد ۳ و ۲۲ ق.ن.ا.م.م. مصوب ۱۳۹۴ حبس می‌شوند از قلمرو شمول ماده ۶۲ ق.م.ا خروج موضوعی دارند.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است.[۱]

تبصره ۳ (الحاقی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ قوه قضائیه می‌تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، با نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. آیین‌نامه اجرایی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری مرکز آمار و فناوری و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۶۳ـ آیین‌نامه اجرائی مواد مربوط به نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به وسیله سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.[۲]

فصل نهم ـ مجازات‌های جایگزین حبس

ماده ۶۴ـ مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می‌شود.

❖ **مقررات تبصره الحاقی ماده ۶۲ ق.م.ا از جمله قوانین مساعد به حال مرتکب است.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۳۰- ۱۳۹۹/۰۸/۲۷:** تبصره‌های الحاقی به مواد ۵۷ و ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۹ موضوع مواد ۸ و ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، ناظر به تجویز استفاده از نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه الکترونیکی در جرایم تعزیری درجه دو، سه و چهار است و از آنجا که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری از «زمره قوانین مساعد به حال مرتکبین» موضوع صدر ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ است، نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون قابل اعمال (مؤثر) است.

❖ **ملاک محاسبه گذراندن یک چهارم حبس برای برخورداری محکوم به حبس از تأسیس مقوقی تحت نظارت سامانه الکترونیکی، گذراندن مجازات مندرج در حکم است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۹۸- ۱۴۰۲/۰۲/۳۰: با عنایت به عبارت «جرایم تعزیری ...» در صدر ماده ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و سیاق تبصره ۲ الحاقی مصوب ۱۳۹۹ به آن، منظور از حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار در این تبصره، مجازات قانونی جرایم ارتکابی است نه مجازات قضایی مندرج در دادنامه؛ لکن در عبارت «پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس» که در انتهای این تبصره آمده است منظور سپری نمودن یک چهارم مجازات حبس مندرج در حکم است؛ به عبارت دیگر مقنن طبق این تبصره اعمال مقررات ماده ۶۲ قانون پیش گفته را در جرایم درجه دو، سه و چهار به شرطی تجویز کرده است که محکوم، یک چهارم مجازات حبس مندرج در دادنامه را گذارنده باشد.

[۲]- **ر.ک: به آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس مصوب ۱۳۹۸ قوه قضائیه.**

تبصره- دادگاه در ضمن حکم، به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند. دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حکم دهد.

ماده ۶۵- مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.[۱]

ماده ۶۶- مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:[۲]

الف- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از صد و چهل میلیون (۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری.

ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.

ماده ۶۷- دادگاه می‌تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۶) این قانون اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ممنوع است.[۳]

❖ **تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ ق.م.ا الزامی و مستلزم احراز شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مذکور نیست.**

[۱]- **رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶- ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

از مجموع مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس، موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به ویژه اطلاق مواد ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۸ و ۶۹ قانون مذکور چنین مستفاد می‌گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق الاشاره الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی‌باشد. بر این اساس رأی شعبه سی و هفتم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح تشخیص داده می‌شود.

❖ **رفع تعارض دو نهاد مقوقی تخفیف و مجازات‌های جایگزین حبس.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۲۱- ۱۳۹۹/۰۴/۱۱:** در مورد نحوه تعیین مجازات در حبس‌های قانونی درجه هفت حسب مورد و اقتضای هر پرونده، ممکن است دادگاه بخواهد در احراز جهات تخفیف ماده ۳۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ طبق ماده ۳۷ این قانون مجازات را تخفیف دهد که باید مطابق بند «ب» این ماده اقدام کند یا در صورت عدم اقتضای، تخفیف و تشخیص دادگاه به تعیین مجازات حبس مطابق ماده ۶۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ اقدام می‌شود؛ بنابراین در اعمال این دو نهاد افاقی تعارضی وجود ندارد و هر کدام حسب اقتضاء به انتخاب دادگاه صادرکننده رأی مورد استناد و عمل قرار می‌گیرد.

❖ **نمونه تعیین مجازات ترک انفاق براساس مواد ۶۵ و ۶۶ ق.م.ا و ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت.**

[۳]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۹۳۱- ۱۳۹۹/۱۲/۱۸:** اولاً، مجازات قانونی جرم ترک انفاق موضوع ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ با لحاظ ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی و تبصره الحاقی به آن مصوب ۱۳۹۹ (مبنی بر تنصیف حداقل و حداکثر مجازات حبس تعزیری درجه چهار تا هشت) سه ماه تا یک سال حبس است که با توجه به میزان آن از مصادیق جرایم مشمول بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ است.

ماده ۶۸ـ مرتکبان جرائم غیرعمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتکابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس، اختیاری است.

ماده ۶۹ـ مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

ماده ۷۰ـ دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجراء شود.[1]

ماده ۷۱ـ اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.

ماده ۷۲ (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ تعدّد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از یک سال حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

ثانیاً، در مواردی نظیر جرم ترک انفاق مذکور در موردی که حداکثر مجازات قانونی جرم بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این است، موضوع حسب مورد می‌تواند مشمول مواد ۶۶ و ۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و یا شمول بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ باشد؛ که در صورت اخیر، دادگاه مخیر است به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی مطابق جدول تعرفه خدمات قضایی پیوست قانون بودجه سال ۱۳۹۶ (که در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ نیز تغییر نکرده است) حکم صادر کند.

❖ **ضمانت اجرای عجز از پرداخت جزای نقدی جایگزین حبس.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۴۸۰- ۱۴۰۱/۰۶/۰۸:** در مواردی که دادگاه براساس مواد ۶۴ و ۸۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، جزای نقدی جایگزین حبس تعیین می‌کند، مکلف است وفق ماده ۷۰ همین قانون مدت حبس را نیز تعیین کند و در خصوص چگونگی اجراء و وصول جزای نقدی باید مطابق ترتیب مقرر در صدر ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، رفتار شود و چنانچه اجرای حکم (جزای نقدی) به طریق مذکور در صدر ماده ۵۲۹ قانون یاد شده امکان‌پذیر نباشد، با رعایت ماده ۸۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و با عدم پرداخت جزای نقدی از سوی محکوم‌علیه، مجازات اصلی (حبس) مطابق ماده ۷۰ قانون اخیرالذکر نسبت به وی اعمال می‌شود.

❖ **عجز موقت محکوم‌علیه از پرداخت جزای نقدی جایگزین حبس، مانع اجرای این مجازات نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۲۳۰- ۱۴۰۲/۰۴/۱۴: در فرضی که متهم براساس مواد ۶۴ و ۸۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به پرداخت جزای نقدی معینی به عنوان «جایگزین حبس» محکوم شده است، در صورت عجز از پرداخت جزای نقدی، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق ماده ۷۰ پیش گفته، محکوم را جهت تحمل مجازات اصلی (حبس) به زندان معرفی می‌کند و اگر در اثنای اجرای مجازات حبس، محکوم‌علیه آمادگی خود را برای پرداخت جزای نقدی اعلام کند، از آنجا که عجز از پرداخت جزای نقدی منتفی شده است، با لحاظ ماده ۵۱۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و یا احتساب مدت تحمل حبس توسط محکوم و کسر آن از میزان جزای نقدی مقرر در حکم، با پرداخت باقیمانده جزای نقدی، قاضی اجرای احکام مکلف به آزادی محکوم است و موجبی برای ادامه بازداشت وی به سبب اجرای مجازات جایگزین حبس نیست؛ ضمن آنکه هدف مقنن از وضع مقررات مجازات‌های جایگزین حبس، ابتدا اجرای مجازات جایگزین حبس است و نه اجرای مجازات حبس و عجز موقت محکوم‌علیه از پرداخت جزای نقدی جایگزین حبس، مانعی برای اجرای این مجازات پس از حصول ملائت وی نیست. تبصره ۲ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، مؤید این دیدگاه است.

ر.ک: مواد ۵۱۶ و ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۷۳ـ در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.[۱]

ماده ۷۴ـ مقررات این فصل در مورد احکام قطعی که پیش از لازم‌الاجراء شدن این قانون صادر شده است اجراء نمی‌شود.

ماده ۷۵ـ همراه بودن سایر مجازات‌ها با مجازات حبس، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیست. در این صورت دادگاه می‌تواند به مجازات‌های مذکور هم‌زمان با مجازات جایگزین حبس حکم دهد.

ماده ۷۶ـ ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، مجازات قانونی جرم ارتکابی است.

ماده ۷۷ـ قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند. قاضی مذکور به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار دارد.

ماده ۷۸ـ محکوم در طول دوره محکومیت باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مخل اجرای حکم باشد به قاضی اجرای احکام اطلاع دهد.

ماده ۷۹ـ تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به وسیله وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه می‌شود و با تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.[۲] مقررات این فصل پس از تصویب آیین‌نامه موضوع این ماده لازم‌الاجراء می‌شود.

ماده ۸۰ـ چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای یک بار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد.

ماده ۸۱ـ چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء می‌گردد.

---

[۱]- به موجب تبصره الحاقی ماده ۳۷ همین قانون به صورت ضمنی منسوخ شده است.

❖ **نسخ ضمنی ماده ۷۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به موجب تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا الحاقی ۱۳۹۹.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۶۶۲- ۱۴۰۱/۰۸/۱۰: تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا الحاقی ۱۳۹۹ که بیان می‌دارد: «چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود»، ممنوعیت تعیین مجازات جایگزین حبس برای جرایم عمدی با مجازات قانونی بیش از یک سال حبس مذکور در ماده ۷۳ ق.م.ا را مرتفع کرده است؛ بنابراین در صورتی که مرتکب جرم عمدی با مجازات قانونی بیش از یک سال حبس با برخوردار شدن از دو درجه تخفیف به حبس تعزیری به کمتر از نود و یک روز محکوم شود، دادگاه مستند به تبصره ماده ۳۷ قانون پیش‌گفته ملزم به تعیین مجازات جایگزین حبس است.

[۲]- **ر.ک: آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳ هیأت وزیران.**

تبصره- دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را به طور صریح قید و به محکوم تفهیم می‌کند. قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجراء با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید.

ماده ۸۲- چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجراء نشده آن بعد از رفع مانع اجراء می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد مجازات اصلی اجراء می‌شود.

ماده ۸۳- دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه

ب- در جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال

ت- در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال

ماده ۸۴- خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح ذیل مورد حکم واقع می‌شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجراء می‌گردد:[1]

الف- جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا دویست و هفتاد ساعت

ب- جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت

پ- جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت

ت- جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) هزار و هشتاد تا دوهزار و صد و شصت ساعت

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود.

تبصره ۲- حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان آور است.

❖ **اشاره به نمونه مواردی که از مصادیق خدمات عمومی رایگان نیست.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۰۵- ۱۳۹۹/۰۹/۱۵:** چون پرداخت هزینه خرید گوشی تلفن همراه یا تبلت به افراد یا خانواده‌های بی بضاعت یا پرداخت کمک نقدی به ایشان از مصادیق «خدمات عمومی رایگان» خارج است لذا با توجه به ماده ۱۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ صدور چنین احکامی قانوناً جایز نیست.

تبصره ۳ـ دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین‌نامه موضوع این فصل[۱] حکم دهد. در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود.

تبصره ۴ـ قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد.

ماده ۸۵ـ جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم واقع می‌شود و با نظارت اجرای احکام وصول می‌گردد:

الف- جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا یکصد و هشتاد روز

ب- جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) یکصد و هشتاد تا سیصد و شصت روز

پ- جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز

ت- جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز

تبصره ـ محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

ماده ۸۶ـ میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح زیر است:

الف- جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

ب- جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) از پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هشتاد و دو میلیون و پانصد هزار (۸۲/۵۰۰/۰۰۰) ریال

پ- جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) از هشتاد و دو میلیون و پانصد هزار (۸۲/۵۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و سی میلیون (۲۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

ت- جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) از دویست و سی میلیون (۲۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سیصد و سی میلیون (۳۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

ماده ۸۷ـ دادگاه می تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتکابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود.

---

[۱]- **ر.ک: آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۹۳ هیأت وزیران.**

فصل دهم- مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان

ماده ۸۸ـ درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:[۱]

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره‌ـ هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان

۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی[۲]

❖ **تصمیمات راجع به اطفال و نوجوانان در قالب «حکم» انشاء نمی‌شود.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۹۸۹- ۱۴۰۰/۰۲/۰۸:** تصمیماتی که دادگاه طبق ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ درباره اطفال و نوجوانان اتخاذ می‌کند از جمله اقدامات تأمینی و تربیتی است؛ بنابراین این تصمیمات در قالب «حکم» انشاء نمی‌شود و در فرض استعلام، دادگاه پس از اقدام به نصیحت طفل یا نوجوان که بین نه تا پانزده سال تمام شمسی سن دارد و صورتجلسه کردن مراتب، «دستور» آزادی بدون قید و شرط وی را صادر می‌کند.

❖ **منتفی بودن محکومیت کیفری اطفال و نوجوانان نُه تا پانزده سال.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۲۰۶- ۱۴۰۱/۱۲/۰۲: الف- با عنایت به صراحت صدر ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، تصمیم موضوع بند «ت» ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ (اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم) اقدام تأمینی و تربیتی است و توسط دادگاه اطفال اتخاذ می‌شود.

ب- در جرایم تعزیری در خصوص متهمان مشمول ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، یعنی افراد بین ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی، با توجه به اینکه سیاست مقنن نسبت به این افراد، حمایتی و غیرکیفری است، تصمیمات و اقدامات مرجع قضایی (دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان) نسبت به ایشان صرفاً اقدامات تأمینی و تربیتی است و محکومیت به کیفر منتفی است.

پ- تصمیم مقرر در بند «ت» ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ از جمله اقدامات تأمینی و تربیتی است و در قانون، ضمانت اجرای خاصی برای تخطی از آن پیش‌بینی نشده است.

[۲]- **ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی:** «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رییس حوزهٔ قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند.

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و(ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می‌گردد.

تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

ماده ۸۹- درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجراء می‌شود:[1]

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

۱- اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار.

۲- اشتهار به فساد اخلاق و فحشاء.

۳- ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی.

۴- سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء، تکدی‌گری و قاچاق.

۵- تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.»

❖ **قابلیت اعمال مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری ارتکابی توسط نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۸۶۹- ۱۴۰۲/۱۰/۲۶:** نظر به اینکه اعمال مقررات تعدد جرم نظر به مجازات‌های تعزیری است و در خصوص افراد نوجوان با عنایت به ماده ۸۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، مجازات تعزیری تعیین می‌شود، لذا قواعد تعدد جرم در خصوص جرایم تعزیری ارتکابی توسط نوجوان قابل اعمال است و در موردی که با انتفای مجازات حد یا قصاص، مرتکب نوجوان به «مجازات تعزیری» محکوم می‌شود نیز مقررات تعدد جرم موضوع مواد ۱۳۴ ق.م.ا و ۵۱۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، اعمال می‌شود.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پانزده میلیون (۲۱۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.[۱]

ت- پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هشتاد و دو میلیون و پانصد هزار (۸۲/۵۰۰/۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱ـ ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲ـ دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتکابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

ماده ۹۰ـ دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولیّ یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست.

❖ **ضمانت اجرای عدم اجرای مجازات «خدمات عمومی رایگان» توسط محکوم نوجوان.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۳۰- ۱۳۹۸/۰۶/۱۲:** هرچند در قانون، در خصوص فرض امتناع محکوم نوجوان از اجرای مجازات «خدمات عمومی رایگان» موضوع بندهای «پ» و «ت» ماده ۸۹ ق.م.ا ۱۳۹۲ ضمانت اجرای خاصی پیش‌بینی نشده است، لیکن با لحاظ ماده ۸۴ قانون یاد شده و به ویژه تبصره ۲ آن، صدور حکم به مجازات انجام خدمات عمومی رایگان در هر صورت منوط به رضایت محکوم‌علیه است و امتناع وی از انجام این خدمات به معنا و به منزله عدم رضایت به انجام آن است و لذا با اتخاذ ملاک از مواد ۷۰ و ۸۱ این قانون، در صورت امتناع محکوم نوجوان از اجرای حکم صادره در خصوص انجام خدمات عمومی رایگان، دادگاه اطفال و نوجوان باید با توجه به درجه جرم ارتکابی و انطباق آن با بندهای «پ» و «ت» ماده ۸۹ ق.م.ا ۱۳۹۲، با رعایت مصلحت محکوم نوجوان و شرایط وی، مجازات متناسب دیگری را تعیین و تبدیل نماید.

ماده ۹۱ـ در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.[۱]

تبصره ـ دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.

ماده ۹۲ـ در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است، دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت حکم می‌کند.

ماده ۹۳ـ دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات‌ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.

ماده ۹۴ـ دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتکابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.

ماده ۹۵ـ محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.

فصل یازدهم ـ سقوط مجازات

مبحث اول- عفو

ماده ۹۶ـ عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است.

ماده ۹۷ـ عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود.

ماده ۹۸ـ عفو، همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان‌دیده ندارد.

❖ **رعایت شرایط قانونی در تعیین مجازات تعزیری نوجوان مرتکب جرم مستوجب قصاص یا جرائم حدی که ماهیت جرم ارتکابی را درک نکرده است.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۴۰۲- ۱۴۰۱/۰۵/۰۵:** در مواردی که دادگاه وفق ماده ۹۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ احراز نماید که فرد نابالغ کمتر از هجده سال ماهیت جرم موجب حد یا قصاص و یا حرمت آن را درک نمی‌کند، حسب مورد با توجه به سن مرتکب و در انتخاب یکی از تدابیر مندرج در مواد ۸۸ و ۸۹ همین قانون که به واقع تعزیر نوجوان محسوب می‌شود، معیارهای مقرر برای تعیین مجازات تعزیری مندرج در بندهای چهارگانه ماده ۱۸ ق.م.ا شامل انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی، سوابق و وضعیت فردی و خانوادگی، اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی، شیوه ارتکاب جرم و ... را باید مورد نظر قرار دهد و به هر حال دادگاه در تعیین مجازات نوجوان با رعایت ضرورت تناسب مجازات، هدف اصلاحی و دیگر عمومات حاکم بر مجازات‌ها، به تشخیص خود اقدام می‌کند.

مبحث دوم- نسخ قانون

ماده ۹۹ـ نسخ قانون، تعقیب و اجرای مجازات را موقوف می‌کند. آثار نسخ قوانین کیفری به شرح مندرج در ماده (۱۰) این قانون است.

مبحث سوم- گذشت شاکی

ماده ۱۰۰ـ در جرائم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است.

تبصره ۱ـ جرائم قابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است.

تبصره ۲ـ جرائم غیر قابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد.[۱]

تبصره ۳ـ مقررات راجع به گذشت، شاکی در مورد مجازات‌های قصاص نفس و عضو، حد قذف و حد سرقت همان است که در کتاب دوم «حدود» و سوم «قصاص» این قانون ذکر شده است. گذشت شاکی در سایر حدود تأثیری در سقوط و تخفیف مجازات ندارد.

ماده ۱۰۱ـ گذشت باید منجّز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می‌شود که آن شرط یا معلقٌ‌علیه تحقق یافته باشد. همچنین عدول از گذشت، مسموع نیست.[۲]

تبصره ۱ـ گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلقٌ‌علیه است. در این صورت، محکومٌ‌علیه با قرار تأمین مناسب آزاد می‌شود.

تبصره ۲ـ تأثیر گذشت قیم اتفاقی[۳]، منوط به تأیید دادستان است.

ماده ۱۰۲ـ هرگاه متضررین از جرم، متعدد باشند تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع می‌شود ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده‌اند.

تبصره ـ حق گذشت، به وراث قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت همگی وراث حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.

❖ **حق تجدیدنظرخواهی نسبت به قرار یا رأی دادگاه توسط شاکی خصوصی پس از گذشت در مورد جرائم غیر قابل گذشت زائل می‌شود.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۷۵۷- ۱۴۰۱/۰۹/۲۸:** هرچند که در جرایم غیر قابل گذشت در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب کیفری ادامه می‌یابد، ولی سمت شاکی زایل می‌شود. بنابراین حق اعتراض نسبت به قرار دادسرا یا تجدیدنظرخواهی نسبت به رأی دادگاه را ندارد و در صورت اعتراض، با استناد به ملاک مواد ۴۳۲، ۴۴۰ و ۴۴۱ ق.آ.د.ک قرار رد اعتراض یا تجدیدنظرخواهی صادر می‌شود.

[۲]- **ر.ک: مواد ۳۶۱ و ۳۶۲ همین قانون.**

[۳]- **ر.ک: قانون راجع به تعیین قیم اتفاقی مصوب ۱۳۱۶.**

ماده ۱۰۳ـ چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل گذشت محسوب می‌شود مگر اینکه از حق‌الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد.[۱]

ماده ۱۰۴ (اصلاحی ۱۴۰۳/۰۲/۲۵)ـ علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حدّ قَذف این قانون و جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند[۲]، جرایم مندرج در مواد (۵۳۶)، (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۰۹)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۱)، (۶۴۷)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۳)، (۶۷۴)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰ در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد)، (۶۹۲)، (۶۹۳)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹)، (۷۰۰)، (۷۱۶)، (۷۱۷) و (۷۴۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ و شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور، همچنین کلیه جرایم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتکابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه‌دیده مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری[۳] مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ بوده و قابل گذشت است.[۴]

❖ **غیر قابل گذشت بودن جرائمی که قانونگذار صرفاً تعیین مجازات آنها را به مجازات مقرر برای خیانت در امانت احاله داده است.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۴۱- ۱۴۰۰/۰۳/۱۹:** قانونگذار در جرایم موضوع ماده ۲۸ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی، مواد ۳۴۹، ۳۷۰ و ۵۵۵ ق.ت مصوب ۱۳۱۱، ماده ۱۲۸ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ و ماده ۱۱ قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۱۳ فقط مجازات رفتارهای مجرمانه را به مجازات مقرر برای جرم خیانت در امانت احاله داده است و جرایم ارتکابی موضوع این مواد را در حکم خیانت در امانت تلقی نکرده است؛ بنابراین و با توجه به ماده ۱۰۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که اصل را بر غیرقابل گذشت بودن جرایم قرار داده، کلیه جرایم مذکور غیرقابل گذشت می‌باشند.

[۲]- **ر.ک: ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.**

[۳]- **ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲:** «تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.

تبصره‌ـ تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است.»

❖ **درجه‌بندی بزه تصرف عدوانی نسبت به املاک اشخاص خصوصی و دولتی و عمومی و مرجع صالح برای رسیدگی به تحقیقات مقدماتی جرم مذکور.**

[۴]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۷۱- ۱۳۹۹/۰۹/۱۸:** اولاً، بزه تصرف عدوانی موضوع ماده ۶۹۰ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، طبق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ قابل گذشت و مشمول تقلیل مجازات حبس موضوع تبصره این ماده است و همین مجازات تقلیل‌یافته، مجازات قانونی جرم است که در انطباق آن با شاخص‌های ماده ۱۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ جرم درجه هفت محسوب و طبق ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود.

ثانیاً، رسیدگی به بزه تصرف عدوانی نسبت به اموال دولتی و عمومی از شمول ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ خارج است و با توجه به مجازات آن در ماده ۶۹۰ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ (یک ماه تا یک سال حبس) و لحاظ ماده ۱۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و تبصره ۲ آن، درجه شش محسوب می‌شود، بنابراین پس از انجام تحقیقات مقدماتی در دادسرا و صدور کیفرخواست رسیدگی به بزه مزبور در دادگاه کیفری انجام می‌پذیرد.

تبصره (الحاقی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرایم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.[۱]

❖ **غیر قابل گذشت بودن بزه تصرف عدوانی نسبت به اموال عمومی و دولتی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۷۷- ۱۳۹۹/۰۹/۲۴: با عنایت به ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بزه تصرف عدوانی فقط نسبت به املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی قابل گذشت اعلام شده است و این جرایم نسبت به املاک و اراضی اشخاص دولتی و عمومی و از جمله منابع طبیعی غیرقابل گذشت است.

❖ **موقوفی اجرای حکم در صورت تبدیل جرم غیر قابل گذشت به قابل گذشت در صورت فقدان شاکی خصوصی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۶۱- ۱۳۹۹/۰۹/۲۶: در موردی که تعقیب جرم غیرقابل گذشت صرفاً با اعلام جرم و بدون طرح شکایت از سوی شاکی خصوصی آغاز و نهایتاً رأی صادر شده و حکم در حال اجراست و متعاقباً مطابق ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹، این جرم «غیرقابل گذشت» به «جرم قابل گذشت» تبدیل شده است، از موارد شمول ماده ۵۰۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ است و قاضی اجرای احکام قرار موقوفی اجرای حکم صادر می‌کند.

❖ **جز در موارد مصرح، جرائم رایانه‌ای از شمول ماده ۱۰۴ ق.م.ا خارج و غیر قابل گذشت هستند.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۹۵- ۱۳۹۹/۱۰/۰۷: رفتارهایی که تحت عنوان جعل، تخریب، سرقت، نشر اکاذیب و ... در قانون جرایم رایانه ای جرم‌انگاری شده‌اند، جرایم خاصی هستند و این جرایم از جرایمی است که تحت همین عناوین در ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده‌اند، کاملاً متفاوتند؛ زیرا ارکان تشکیل دهنده آنها متفاوت است و چون مقنن در مقام بیان و احصاء جرایم قابل گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ به شماره مواد قانون اشاره نموده است، نه عنوان جرایم، بنابراین وصف قابل گذشت بودن جرایم جعل، تخریب، سرقت و نشر اکاذیب موضوع ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ طبق ماده مذکور را نمی‌توان شامل جرایم رایانه‌ای تحت همین عناوین دانست؛ البته چون ماده ۷۴۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۸۸ از جمله جرایم احصاء شده در ماده ۱۰۴ قانون پیش گفته است، لذا جرم موضوع این ماده که از جرایم رایانه‌ای است، قابل گذشت محسوب می‌شود.

❖ **تقلیل مجازات «نگهداری در کانون اصلاح و تربیت» طبق تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۲۲۷- ۱۴۰۰/۰۵/۱۹: به موجب ماده ۱۰۴ اصلاحی ۱۳۹۹ ق.م.ا، کلیه جرایم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتکابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه‌دیده قابل گذشت است و مطابق تبصره همین ماده، حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا هشت مقرر در قانون برای جرایم قابل گذشت به نصف کاهش می‌یابد. مجازات «نگهداری در کانون اصلاح و تربیت» موضوع بندهای «ب» و «پ» ماده ۸۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نیز چون ماهیتاً حبس محسوب می‌شود و مجازات «سالب آزادی تن» به شمار می‌آید، به احراز جمیع شرایط قانونی مشمول ماده ۱۰۴ قانون پیش‌گفته و تبصره آن است.

❖ **جرائم موضوع قوانین خاص که در ماده ۱۰۴ ق.م.ا به آنها تصریح نشده است جرم غیر قابل گذشت محسوب می‌شود.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۴۶۹- ۱۴۰۱/۰۶/۰۵: مقنن در ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ به شماره موادی از قانون اشاره کرده و جرایم موضوع این مواد را قابل گذشت اعلام کرده است و نه «عنوان مجرمانه جرایم» را؛ بنا به مراتب فوق و با عنایت به تبصره ماده ۱۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، جرایم موضوع مواد ۳۴۹، ۳۷۰ و ۵۵۵ ق.ت مصوب ۱۳۱۱ و ماده ۱۱ قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۰۹ و ماده ۲۸ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ و ماده یک قانون مجازات عاملین متخلف در امر حمل و نقل کالا مصوب ۱۳۶۷، غیرقابل گذشت محسوب می‌شوند.

❖ **شمول تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا نسبت به کلیه جرائم قابل گذشت در تمام قوانین عام و خاص.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۸۷۵- ۱۳۹۹/۰۶/۲۴:** حکم مقرر در تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ شامل کلیه مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا هشت در جرایم قابل گذشت در تمام قوانین عام و خاص است.

مبحث چهارم- مرور زمان

ماده ۱۰۵ـ مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد:[۱]

❖ **آنی بودن جرم تغییر کاربری.**

[۱]- **رأی وحدت رویه شماره ۸۲۲- ۱۴۰۱/۰۳/۳۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

با توجه به عبارات به کار رفته در ماده ۱۰ (اصلاحی ۱۳۸۵/۰۸/۰۱) قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴، «ایجاد بنا»، «برداشتن یا افزایش شن و ماسه» و «سایر اقداماتی که بنا به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی تغییر کاربری محسوب می‌گردد»، رکن مادی بزه تغییر غیرمجاز کاربری اراضی موضوع ماده ۳ این قانون را تشکیل می‌دهد و با ارتکاب هر یک از این اقدامات، بزه یادشده واقع می‌شود و با عنایت به اینکه تداوم آثار و نتایج جرم، به معنای استمرار ارتکاب رکن مادی آن نیست، بنابراین، بزه مذکور از جرایم مستمر به شمار نمی‌آید و از تاریخ وقوع، مشمول مقررات عام مرور زمان تعقیب در جرایم تعزیری موضوع ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌شود. بنا به مراتب، رأی شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان البرز که با این نظر انطباق دارد، به اکثریت آراء صحیح و قانونی است.

❖ **شرایط شمول مرور زمان نسبت به احکام غیابی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۵۰۹- ۱۳۹۹/۰۵/۰۶: اولاً، احکام غیابی، مشمول مرور زمان موضوع ماده ۱۰۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نیستند؛ زیرا مرور زمان موضوع این ماده، خاص احکام قطعی است. ولی با توجه به ماده ۱۰۵ قانون مذکور که مرور زمان تا صدور حکم قطعی جاری است، به ناچار در مورد احکام غیابی، مواعد مذکور در بندهای ماده ۱۰۵ باید منقضی شود تا شرایط آن تحقق پذیرد و موضوع (حکم غیابی)، مشمول مرور زمان ماده ۱۰۵ قانون مذکور شود.

❖ **صدور قرار موقوفی تعقیب در مورد جرائمی که مشمول مرور زمان شده، صرف نظر از احراز یا عدم احراز وقوع جرم.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۳۹۹- ۱۳۹۹/۰۵/۱۲: نظر به اینکه قرار موقوفی تعقیب قراری شکلی است و اصولاً صدور آن مقدم بر قرار ماهوی «منع تعقیب» است؛ بنابراین صرف نظر از احراز یا عدم احراز وقوع جرم، هرگاه رفتار ارتکابی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است مشمول مرور زمان مقرر در ماده ۱۰۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ شود، مقام قضایی طبق بند «ث» ماده ۱۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند.

❖ **لازم‌الاتباع بودن نظر دادگاه در صورت اختلاف دادسرا و دادگاه در خصوص درجه جرم ارتکابی و ملاک بودن نظر دادگاه در شمول یا عدم شمول مرور زمان.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۸۴۷- ۱۴۰۰/۰۲/۰۱: دادسرا درجه جرم ارتکابی را هفت و دادگاه آن را شش می‌داند، دادسرا مکلف به تبعیت از نظر دادگاه است و مرور زمان نیز براساس نظر دادگاه محاسبه می‌شود.

❖ **منتفی شدن مرور زمان دادرسی با صدور حکم قطعی دادگاه تجدیدنظر و شروع مرور زمان اجرای حکم از تاریخ رأی قطعی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۲۰۱۱- ۱۴۰۰/۰۳/۱۰: صدور رأی از دادگاه تجدیدنظر که قطعی است، مرور زمان دادرسی را پایان داده و موضوعاً منتفی می‌کند. نه اینکه قاطع مرور زمان باشد؛ بدیهی است پس از صدور رأی قطعی، مرور زمان اجرای حکم موضوع ماده ۱۰۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ آغاز می‌شود.

❖ **محاسبه مواعد مرور زمان براساس ماده ۴۴۳ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۸۲۶- ۱۴۰۰/۰۸/۰۵: مطابق ماده ۴۴۳ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹ از نظر احتساب مواعد قانونی، سال شمسی دوازده ماه، ماه سی روز، هفته هفت روز و شبانه‌روز بیست و چهار ساعت است؛ بنابراین مواعد مرور

الف- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای پانزده سال.
ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال.
پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال.
ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال.
ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال.

تبصره ۱ـ اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضائی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضائی انجام می‌دهند.

تبصره ۲ـ در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می‌شود.

ماده ۱۰۶ـ در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرفنظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارد.[1]

زمان مذکور در مواد ۱۰۵ تا ۱۰۷ ق.م.ا بر این اساس محاسبه می‌شود و مدت هر سال موضوع این مواد قانونی، معادل سیصد و شصت روز است.

❖ **ملاک محاسبه شروع مرور زمان نسبت به شریک و معاون جرم.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۶۴۰- ۱۴۰۱/۰۲/۲۰: مرور زمان موضوع مواد ۱۰۵ و ۱۰۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ناظر به «درجه جرم تعزیری ارتکابی» است که براساس مجازات قانونی جرم مشخص می‌شود؛ لذا ملاک احتساب شروع مرور زمان موضوع این مواد نسبت به کلیه کسانی که به نحوی در ارتکاب جرم تعزیری مداخله داشتند (مرتکب و معاون) با لحاظ عاریتی بودن معاونت در جرم یکسان بوده و همان مجازات قانونی جرم ارتکابی براساس زمان وقوع جرم است.

❖ **جرائم مشمول مرور زمان ماده ۱۰۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۴۷۱- ۱۴۰۱/۰۵/۲۵: با توجه به اطلاق ماده ۱۰۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ کلیه جرایم موجب تعزیر اعم از قابل گذشت و غیرقابل گذشت به استثنای موارد احصاء شده در ماده ۱۰۹ و تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مذکور مشمول مرور زمان ماده ۱۰۵ قانون مذکور هستند.

❖ **شمول مرور زمان نسبت به جرم «خودداری محکوم‌علیه از اعلام کامل اموال به منظور فرار از اجرای حکم».**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۶۳۳- ۱۴۰۲/۱۰/۰۹: با عنایت به اطلاق عبارت «جرایم موجب تعزیر» در صدر ماده ۱۰۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، بزه موضوع ماده ۱۶ ق.ن.ا.م.م (خودداری محکوم‌علیه از اعلام کامل اموال خود به منظور فرار از اجرای حکم یا برخلاف واقع معسر قلمداد نمودن محکوم‌علیه) که از جمله جرایم موجب مجازات تعزیری است، مشمول مرور زمان می‌گردد و با انقضاء موعد مقرر در بند «ث» ماده مذکور، تعقیب آن موقوف می‌شود.

❖ **عدم شمول مرور زمان شکایت نسبت به جرائم مستمر.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۲۸۰- ۱۳۹۹/۰۴/۰۲:** سقوط حق شکایت کیفری مذکور در ماده ۱۰۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، مربوط به جرائم آنی است، نه جرائم مستمر؛ بنابراین در جرایم مستمر نظیر ترک انفاق و تصرف عدوانی، مادام

تبصره- غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می‌شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد.

ماده ۱۰۷- مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است:[1]

که مرتکب در حال ارتکاب عنصر مادی جرم است، حق تعقیب کیفری برای شاکی و متضرر از جرم کماکان باقی است و مشمول مرور زمان تعقیب شکایت به استناد ماده یاد شده نخواهد شد.

❖ **تأثیر تبدیل مجازات غیر قابل گذشت به قابل گذشت در مرور زمان شکایت.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۵۰۸- ۱۳۹۹/۰۴/۳۱: تغییر وصف جرم غیرقابل گذشت به جرم قابل گذشت در قانون لاحق در ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ از مصادیق قوانین مساعد به حال متهم موضوع ماده ۱۰ این قانون محسوب می‌شود؛ بنابراین اگر شاکی تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون لاحق (قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) شکایت خود را مطرح نکرده باشد، چنانچه تا این تاریخ مواعد مذکور در ماده ۱۰۶ این قانون سپری شده باشد، موجب قانونی جهت تعقیب کیفری متهم وجود نداشته و باید قرار موقوفی تعقیب صادر شود اما اگر شاکی پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، مطابق قانون حاکم، شکایت خود را مطرح کرده باشد، تغییر وصف جرم غیرقابل گذشت به جرم قابل گذشت به موجب قانون لاحق (ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹) با توجه به طرح شکایت شاکی در زمان قانون سابق و شروع به تعقیب متهم و در نتیجه انتفای مرور زمان شکایت، موجب قانونی جهت تسری مقررات ماده ۱۰۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نسبت به فرض مذکور وجود ندارد.

❖ **مدعی شمول مرور زمان شکایت در خصوص جرائم قابل گذشت.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۰۹- ۱۳۹۹/۰۹/۲۳: شاکی در جرم قابل گذشت اظهار می‌دارد در زمانی از وقوع جرم مطلع شده که با لحاظ فاصله زمانیِ اطلاع وی و اعلام جرم، بزه انتسابی به متهم مشمول مرور زمان شکایت موضوع ماده ۱۰۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نمی‌باشد و در واقع شاکی منکر اطلاع از وقوع جرم در گذشته و یا به محض ارتکاب آن است؛ نافی را نفی کافی است و لذا چنانچه متهم مدعی شمول مرور زمان به واسطه علم و اطلاع شاکی در تاریخی پیش از زمانی باشد که شاکی اقدام خود را بر آن مبنا قرار داده است، باید آن را اثبات کند.

❖ **تکلیف نماینده قانونی در خصوص طرح شکایت در مواعد مقرر در جرائم قابل گذشت.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۳۴۰- ۱۴۰۱/۰۵/۳۱: مستنبط از ماده ۱۰۶ و تبصره ذیل آن از ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ این است که تکلیف مقرر مبنی بر طرح شکایت در مواعد مقرر در جرایم قابل گذشت از تاریخ اطلاع از وقوع جرم جهت جلوگیری از شمول مرور زمان شکایت، علاوه بر متضرر از جرم، نماینده قانونی ایشان را شامل می‌شود. کلمه «ورثه» مذکور در ماده و تبصره ماده ۱۰۶ پیش‌گفته که نماینده قانونی مورث خود هستند، با «الغاء خصوصیت از آن»، مؤید این استنباط است.

❖ **شمول مرور زمان نسبت به جرم تغییر کاربری و عدم شمول آن نسبت به قلع و قمع بنای ناشی از تغییر کاربری.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۹۹۲- ۱۳۹۹/۰۷/۱۳:** جرم تغییر کاربری غیرمجاز موضوع ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، از جرایم آنی است؛ زیرا عنصر مادی جرم مذکور در همان زمان تغییر کاربری اراضی محقق شده است؛ لذا با حصول شرایط مقرر در قانون می‌تواند مشمول مرور زمان باشد ... لیکن قلع و قمع بنا که جزء لاینفک حکم کیفری است؛ چون ماهیت مجازات ندارد و امری حقوقی است، مشمول مرور زمان موضوع ماده ۱۰۷ قانون اخیرالذکر نمی‌شود.

❖ **شمول مرور زمان نسبت به مجازات حبس یا جزای نقدی موضوع ماده ۲۴ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۸۰۴- ۱۳۹۹/۱۲/۱۷: ... مجازات حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت موضوع ماده ۲۴ ق.م.ا که به عنوان ضمانت اجرای تخطی محکوم از اجرای مجازات تکمیلی تعیین شده است، از حیث مرور زمان، مشمول عمومات ماده ۱۰۷ این قانون است.

❖ **عدم شمول مرور زمان اجرای حکم نسبت به احکام غیابی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۹۶۱- ۱۳۹۹/۱۲/۲۶: احکام غیابی مشمول مرور زمان موضوع ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیستند؛ زیرا مرور زمان موضوع این ماده، خاص احکام قطعی است؛ ولی با توجه به ماده ۱۰۵ قانون مذکور که مرور زمان تا صدور حکم قطعی جاری است، در مورد احکام غیابی، مواعد مذکور در بندهای ماده ۱۰۵ باید منقضی شود تا شرایط آن تحقق پذیرد و موضوع (حکم غیابی) مشمول مرور زمان ماده ۱۰۵ قانون مذکور شود؛ با عنایت به مطالب مذکور، در صورت شمول مرور زمان موضوع ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به حکم غیابی، قرار موقوفی اجراء صادر می‌شود.

❖ **عدم شمول مرور زمان تعقیب نسبت به جرائم ممانعت از حق و ایجاد مزاحمت ملکی و شمول مرور زمان اجرای مجازات نسبت به جرائم مذکور.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۳۸۴- ۱۴۰۰/۱۰/۲۱: ۱- در جرایم ممانعت از حق و ایجاد مزاحمت ملکی موضوع ماده ۶۹۰ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مادام که مرتکب در حال ارتکاب عنصر مادی جرم است، با توجه به مستمر بودن جرایم یاد شده، موضوع از مقررات مرور زمان در مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که ناظر به جرایم آنی است، منصرف است؛ بنابراین جرایم یاد شده مادام که استمرار داشته باشد، مشمول مقررات مرور زمان تعقیب نخواهد بود.

۲- اطلاق مقررات مرور زمان در ماده ۱۰۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مربوط به اجرای احکام قطعی تعزیری، شامل جرایم ممانعت از حق و ایجاد مزاحمت ملکی که منتهی به صدور حکم قطعی شده است، نیز می‌شود و استمرار این جرایم مانع از اعمال مقررات مرور زمان نسبت به مجازات تعیین شده در حکم قطعی نیست.

❖ **عدم شمول مرور زمان نسبت به حکم رفع تصرف عدوانی و اعاده به وضع سابق و قلع و قمع بنا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۹۱۴- ۱۴۰۱/۰۹/۰۲: ۱- حکم به رفع تصرف عدوانی و اعاده به وضع سابق که به تبع احراز جرم تصرف عدوانی و تعیین مجازات صادر می‌شود، امری حقوقی است و ماهیت مجازات ندارد؛ لذا مشمول مرور زمان اجرای حکم موضوع ماده ۱۰۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نیز نمی‌شود.

۲- همان‌طور که در رأی وحدت رویه شماره ۷۰۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ذکر شده است، قلع و قمع بنا موضوع ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها (اصلاحی ۱۳۸۵/۰۸/۰۱) جزء لاینفک حکم کیفری و تکلیف قانونی دادگاه رسیدگی‌کننده به موضوع است و ماهیت مجازات ندارد و امری حقوقی است؛ لذا مشمول مرور زمان اجرای حکم موضوع ماده ۱۰۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نیز نمی‌شود.

❖ **شمول مرور زمان اجرای مجازات نسبت به مجازات تکمیلی به تبع مجازات اصلی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۶۶۳- ۱۴۰۲/۱۰/۲۴: ۱- مجازات تکمیلی، همانگونه که از عنوان آن پیداست، مجازاتی است که به منظور تحقق اهداف اصلاحی مجازات‌ها و بعضاً صیانت از جامعه در تکمیل و تتمیم مجازات اصلی (اعم از تعزیر، حد و قصاص) توسط دادگاه تعیین می‌شود؛ بنابراین مجازات تکمیلی که وابسته به مجازات اصلی است از نظر شمول احکام مرور زمان نیز همین طور است؛ یعنی در جرایم تعزیری در هر مورد که اجرای مجازات اصلی به لحاظ شمول مرور زمان موضوع ماده ۱۰۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ موقوف شود، اجرای مجازات تکمیلی نیز موقوف می‌شود. (با شمول مرور زمان مذکور، اجرای کلیه مجازات‌های مندرج در دادنامه اعم از اصلی و تکمیلی موقوف می‌شود).

❖ **مرور زمان منصرف از جرائم مستوجب حد و مجازات‌های تکمیلی جرائم مزبور است.**

۲- مرور زمان اجرای مجازات با توجه به ماده ۱۰۷ قانون پیش گفته و بندهای ذیل آن، صرفاً ناظر به جرایم تعزیری است؛ بنابراین جرایم مستوجب حد مشمول مقررات مرور زمان اجرا نمی‌شوند؛ لذا در فرضی که در جرم مستوجب حد،

الف- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال
ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای پانزده سال
پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای ده سال
ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای هفت سال
ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای پنج سال

تبصره ۱ـ اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می‌شود.

تبصره ۲ـ مرور زمان اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت‌نامه‌های قانونی، مشمول مقررات این ماده است.

ماده ۱۰۸ـ هرگاه اجرای مجازات، شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی‌شود.[1]

ماده ۱۰۹ـ جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور
ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده[2]

علاوه بر مجازات حد، مجازات تکمیلی نیز توسط دادگاه تعیین شده است و فقط مجازات حد اجرا شده است، مجازات تکمیلی که وابسته به مجازات اصلی و در تکمیل مجازات حدی تعیین شده نیز باید اجرا شود و عدم اجرای آن با گذشت مدت زمانی از تاریخ صدور حکم قطعی، به هر علتی که باشد تأثیری در قابل اجرا بودن مجازات تکمیلی ندارد.

❖ **عدم اعمال مرور زمان در خصوص زندانی فراری.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۴۴۲- ۱۴۰۲/۰۶/۲۲:** در صورتی که محکوم پس از اتمام مرخصی بدون عذر موجه به زندان بازنگردد یا از زندان فرار کند، از آنجا که اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی وی قطع شده است، مطابق قسمت آخر ماده ۱۰۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، مرور زمان اعمال نمی‌شود.

❖ **تعریف جرائم مرتبط با مفاسد اقتصادی.**

[2]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۱۳۸- ۱۴۰۰/۱۱/۲۰:** در قانون تعریفی از جرایم مرتبط با مفاسد اقتصادی وجود ندارد؛ اما با توجه به ذکر جرایم اقتصادی در مواد ۱ و ۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی و بند «ب» ماده ۱۰۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، جرایمی که مقدمه یا لازمه ارتکاب جرایم اقتصادی هستند.

❖ **بند «چ» ماده ۳۶ و بند «ب» ماده ۱۰۹ ق.م.ا منصرف از جرم اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال دولتی است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۶۱۵- ۱۴۰۰/۱۲/۰۱: با توجه به اینکه جرم اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال ذیل ماده ۵۹۸ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ رفتاری غیر عمدی است که از سوی قانونگذار جرم‌انگاری شده است؛ آنچه در بند «چ» ماده ۳۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ تحت عنوان «تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت» به عنوان جرم اقتصادی برشمرده است شامل همه جرایم مذکور در فصل سیزدهم این قانون نیست خصوصاً آنکه از عبارت «کلیه جرایم مذکور

پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر

ماده ۱۱۰ـ هرگاه در مورد یک شخص به موجب حکم یا احکامی محکومیت‌های قطعی متعدد صادر شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت‌ها، نسبت به دیگر محکومیت‌ها، قاطع مرور زمان است.[۱]

ماده ۱۱۱ـ در موارد تعلیق اجرای مجازات یا اعطای آزادی مشروط در صورت لغو قرار تعلیق یا حکم آزادی مشروط، مبدأ مرور زمان، تاریخ لغو قرار یا حکم است.

ماده ۱۱۲ـ قطع مرور زمان، مطلق است و نسبت به کلیه شرکا و معاونان اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می‌شود هر چند تعقیب فقط درباره یکی از آنها شروع شده باشد. همچنین شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکا یا معاونان جرم قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است.[۲]

در فصل سیزدهم» نیز در قانون استفاده نشده است؛ و تصریح مقنن در بند «ز» ماده ۳۶ پیش‌گفته تحت عنوان «تصرف غیر قانونی در اموال عمومی یا دولتی» که صرفاً به یکی از جرایم مذکور در فصل سیزدهم قانون تعزیرات اشاره دارد، مؤید آن است که قانونگذار در بند «چ» ماده ۳۶ پیش‌گفته همه جرایم مذکور در فصل سیزدهم قانون تعزیرات را مد نظر نداشته است؛ مضافاً آنکه جرم تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت در قوانین دیگر نیز جرم‌انگاری شده است در نتیجه بزه اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال دولتی از شمول بند «چ» ماده ۳۶ پیش‌گفته و بند «ب» ماده ۱۰۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ خارج است و مشمول مرور زمان می‌شود.

❖ **عدم شمول مرور زمان نسبت به جرم انتقال مال غیر با رعایت نصاب مقرر در ماده ۳۶ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۱۵۸- ۱۴۰۲/۰۳/۱۶: فروش مال غیر به صراحت ماده اول قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب سال ۱۳۰۸ کلاهبرداری قلمداد شده است؛ لذا احکام مربوط به کلاهبرداری بر این بزه مترتب می‌شود و در نتیجه با رعایت نصاب مقرر در بند «ب» ماده ۱۰۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، مشمول مروز زمان نخواهد بود.

❖ **اجرای مجازات محکومیت اول قاطع مرور زمان محکومیت‌های بعدی است.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۹۰- ۱۳۹۹/۰۹/۲۲: استعلام:** چنانچه زندانی دارای دو فقره محکومیت کیفری باشد و پیش از شروع به اجرای حکم دوم، مرتکب غیبت از مرخصی شود و از تاریخ غیبت از مرخصی، مدت مرور زمان سپری شود، آیا از جمع مواد ۱۰۸ و ۱۱۰ ق.م.ا می‌توان گفت که محکومیت دوم مشمول مرور زمان شده است؟

پاسخ: بنابراین موضوع سؤال به اعتبار شروع به اجری محکومیت قبلی (با توجه به اینکه مرخصی جزء دوره تحمل مجازات تلقی می‌شود) و اعلام مراتب محکومیت موخر به زندان در زمان تحمل محکومیت به خاطر محکومیت سابق، از شمول ماده ۱۰۸ ق.م.ا خارج و مشمول ماده ۱۱۰ همین قانون است.

❖ **قطع مرور زمان به معنای منتفی شدن مرور زمان نیست بلکه مبدأ جدید برای محاسبه مرور زمان است.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۴۴۲- ۱۴۰۲/۰۶/۲۲:** ۱- مطابق نص قسمت اخیر ماده ۱۱۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، شروع به اجرای حکم در مورد برخی شرکا یا معاونان جرم، نسبت به دیگر محکومانی که حکم آنها اجرا نشده است نیز قاطع مرور زمان است.

۲- با عنایت به ماده ۱۱۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، هرگاه در پرونده‌ای متهمان یا محکومان متعدد باشند؛ اعم از مباشر و معاون، چنانچه پیش از سپری شدن مواعد مقرر در مواد ۱۰۵ و یا ۱۰۷ قانون مذکور، مرور زمان تعقیب یا مرور زمان اجرای حکم (حسب مورد) نسبت به یکی از شرکا یا معاونان جرم به علتی قطع شود، این قطع مرور زمان شامل شرکا و معاونان دیگر نیز خواهد شد. مطلق بودن قطع مرور زمان به همین معناست و با توجه به اینکه قطع مرور زمان به معنی منتفی شدن مرور زمان نیست؛ بلکه تاریخ قطع مرور زمان مبدأ جدیدی برای محاسبه مرور زمان می‌باشد، لذا تاریخ

ماده ۱۱۳ـ موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجـرای مجـازات، مـانع از اسـتیفای حقـوق مـدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می‌تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید.

مبحث پنجم- توبهٔ مجرم

ماده ۱۱۴ـ در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگـاه مـی‌توانـد عفـو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.[1]

شروع به اجرای حکم در مورد یکی از شرکا، موجب قطع مرور زمان نسبت به محکومان دیگر است و مبدأ جدیـدی بـرای محاسبه مرور زمان می‌باشد.

❖ **شمول ماده ۱۱۴ ق.م.ا نسبت به سرقت و حبس‌های غیر تعزیری.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۷۵۹- ۱۳۹۸/۰۶/۱۲:** اطلاق عبارت «در جـرائم موجـب حـد» در مـاده ۱۱۴ ق.م.ا ۱۳۹۲ شامل حد سرقت نیز می‌شود و استثنای مذکور تنها ناظر بر حدود «قذف» و «محاربه» است کـه بـه آنهـا تصـریح شده است؛ ثانیاً، اعمال مقررات تبصره ۲ ماده ۲۷۸ قانون مرقوم که به حبس غیـر تعزیـری اختصـاص دارد نـافی اعمـال مقررات ماده ۱۱۴ نیست.

❖ **بلامانع بودن مقررات توبه در خصوص مجرمین غیر مسلمان.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۵۰- ۱۴۰۰/۰۳/۲۵: طبق ماده ۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، قـوانین جزایـی ایـران دربـاره «کلیه اشخاصی» که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هـوایی جمهـوری اسـلامی ایـران مرتکـب جـرم شـوند اعمـال می‌شود؛ مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. مقررات «توبه مجـرم» کـه در مبحـث پـنجم از فصـل یازدهم کتاب اول ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ آمده است، تفاوت و تفکیکی بین مسلمان و غیر مسلمان در اعمـال مقـررات توبـه قائل نشده است و کلمه مجرم یا مرتکب در مواد قانونی مربوط به توبه به طور مطلق بیان شده است؛ بنـابراین در صـورت اعلام توبه توسط مرتکب که احراز آن به عهده قاضی رسیدگی‌کننده است، اعمال مقررات مربوط به توبه در خصـوص وی صرف نظر از اینکه مسلمان باشد یا غیر مسلمان، بلامانع است.

❖ **منظور از توبه متهم قبل از اثبات جرم، قبل از صدور حکم قطعی است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۵۲۵- ۱۴۰۰/۰۵/۱۰: اولاً، منظور از عبارت «مـتهم قبـل از اثبـات جـرم توبـه کنـد»، مذکور در ماده ۱۱۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ این است که متهم باید قبل از قطعیت حکم (قبل از صدور حکـم قطعـی) توبـه کند و دادگاه رسیدگی‌کننده در هر مرحله از مراحل دادرسی، اعم از بدوی یا تجدیـدنظر و قبـل از قطعیـت حکـم، توبـه متهم و ندامت و اصلاح وی را احراز کند.

ثانیاً، مستنبط از ماده ۱۱۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ این است که در جـرایم تعزیـری و در اعمـال مقـررات مـاده ۱۱۵ قـانون مذکور، مرتکب باید قبل از صدور حکم قطعی توبه کند و ادله مربوط به توبه را تا قبل از قطعیت حکم، بـه مقـام قضـایی (اعم از تعقیب یا رسیدگی) ارائه کند و توبه بعد از صدور حکم، فاقد اثر قانونی است.

❖ **عدم صلاحیت دادسرا در احراز توبه متهم و ندامت و اصلاح وی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۶۰۲- ۱۴۰۲/۰۸/۱۳: احراز توبه متهم و ندامت و اصلاح وی، طبق مـواد ۱۱۴ و ۱۱۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با قاضی دادگاه است و دادسرا حق مداخله در آن را ندارد و لذا در صورت توبـه مـتهم، دادسـرا بایـد پرونده را با صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست به دادگاه ارسال کند.

ر.ک:

- بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

تبصره ۱ـ توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.
تبصره ۲ـ در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می‌شود.
ماده ۱۱۵ـ در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.
تبصره ۱ـ مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.
تبصره ۲ـ اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۲)، (۹۳) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی[۱] نمی‌شود.[۲]
ماده ۱۱۶ـ دیه، قصاص، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد.
ماده ۱۱۷ـ در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات درنظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

- **تبصره ۲ ماده ۲۷۸ همین قانون.**

[۱]- تعزیر منصوص شرعی عبارت است از: محرماتی است که از نظر شارع تحریم شده و نوع مجازاتش منصوص و معین است اما اندازه و میزان دقیق آن بیان نشده است و بر عهده قاضی نهاده شده است.

❖ **مقررات توبه در جرائم منصوص شرعی.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۲۲۴- ۱۴۰۱/۱۲/۰۱:** مطابق احکام اسلام، توبه در جرایم مستوجب حد مسقط حد است و به طریق اولی مسقط تعزیر؛ با این وجود قانونگذار بر پایه برخی مصالح اجتماعی و با اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه در قبال جرایم تعزیری، در تعزیرات درجه یک تا پنج، توبه را مسقط تعزیر ندانسته است؛ اما در تعزیرات منصوص شرعی، با توجه به عبارت «اطلاق مقررات این ماده» در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا مقصود قانونگذار از این عبارت، خروج حکم تعزیرات منصوص شرعی و توبه مرتکب در این تعزیرات، از شمول اطلاق موجود در این ماده است؛ به بیان دیگر قانونگذار در تبصره یاد شده، اطلاق ماده مبنی بر اینکه «در جرایم تعزیری درجه یک تا پنج، توبه موجب تخفیف مجازات است» و نیز اطلاق حکم تبصره یک این ماده مبنی بر اینکه «تکرار جرم مانع بهره‌مندی از آثار توبه است» را از شمول احکام تعزیرات منصوص شرعی خارج کرده و توبه در تعزیرات منصوص را تابع احکام و مقررات خاص این تعزیرات دانسته است. نتیجه اینکه به جز تعزیرات منصوص شرعی، اگر دادگاه توبه مرتکب را احراز کند، در جرایم تعزیری درجه شش تا هشت، مجازات ساقط و در سایر جرایم تعزیری، موجب تخفیف مجازات می‌شود.

ماده ۱۱۸ـ متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید.[۱]

ماده ۱۱۹ـ چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند.

مبحث ششم- اعمال قاعدهٔ درأ

ماده ۱۲۰ـ هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

ماده ۱۲۱ـ در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی‌الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

بخش سوم ـ جرائم

فصل اول ـ شروع به جرم

ماده ۱۲۲ـ هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود:[۲]

❖ **اثر توبه در جرائم تعزیری.**

[۱]- **رأی وحدت رویه شماره ۸۱۳- ۱۴۰۰/۰۵/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

با عنایت به مواد ۱۱۵ و ۱۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرگاه متهم قبل از قطعیت حکم، توبه کند و ندامت و اصلاح وی برای قاضی محرز شود، در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت، مجازات ساقط می‌شود و در سایر جرایم موجب تعزیر، دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال کند، اما بعد از قطعیت حکم، موضوع از شمول این مقررات خارج است. بدیهی است، بعد از قطعیت حکم، عفو یا تخفیف مجازات محکومان مطابق بند ۱۱ اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مشابه آنچه ذیل ماده ۱۱۴ و تبصره ۲ ماده ۲۷۸ قانون یاد شده مقرر شده است)، امکان‌پذیر است.

❖ **عدم تکلیف مرجع رسیدگی‌کننده در خصوص توبه و ارائه دلایل مربوط به توبه پس از صدور حکم قطعی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۴۶۴- ۱۳۹۹/۱۰/۱۴: مستنبط از ماده ۱۱۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ این است که در جرایم تعزیری و در اعمال مقررات ماده ۱۱۵ قانون مذکور، مرتکب باید پیش از صدور حکم قطعی (پیش از قطعیت حکم) توبه کند و ادله مربوط به توبه را نیز تا پیش از قطعیت حکم به مقام قضایی اعم از مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه کند.

چنانچه مرتکب پیش از قطعیت حکم توبه کرده و ادله مربوط به توبه را نیز مطابق ماده ۱۱۸ ق.م.ا تا پیش از قطعیت حکم به مقام قضایی رسیدگی کننده ارائه کند، در هر مرحله از مراحل دادرسی اعم از بدوی، تجدیدنظر و فرجام می‌تواند اعمال مقررات توبه را ولو به طور مکرر درخواست کند. بر این اساس، اعلام توبه متهم در جرایم مستوجب تعزیر پس از قطعیت حکم در قانون پیش‌بینی نشده است و مرجع قضایی در این خصوص با تکلیفی مواجه نیست و فقط می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست کند.

❖ **اکتفا به قدر متیقن در تعیین مجازات شروع به جرم.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۸۶۴- ۱۳۹۹/۰۶/۲۵:** مجازات شروع به جرم با توجه به مجازات قانونی مقرر برای همان جرم که به نحو تام ارتکاب می‌یابد، تعیین می‌شود. در صورتی که رفتار ارتکابی شروع به جرم محسوب شود ولی

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار
ب- در جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج
پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش
تبصره- هرگاه رفتار ارتکابی، ارتباط مستقیم با ارتکاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.
ماده ۱۲۳- مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد.
ماده ۱۲۴- هرگاه کسی شروع به جرمی نماید و به اراده خود آن را ترک کند به اتهام شروع به آن جرم، تعقیب نمی‌شود لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد به مجازات آن محکوم می‌شود.

فصل دوم ـ شرکت در جرم

ماده ۱۲۵- هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر

برای تطبیق آن با گونه‌های مختلف یک جرم مانند سرقت‌های مختلف، دلایل و قرائن لازم موجود نباشد، باید به قدر متیقن اکتفاء و مبتنی بر سبک‌ترین عنوان مجرمانه اتخاذ تصمیم کرد.

❖ **شمول ماده ۱۲۲ ق.م.ا نسبت به جرائم عقیم و محال.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۵۲۸- ۱۴۰۰/۱۱/۲۳: ماده ۱۲۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ شامل جرم عقیم نیز می‌شود؛ بنابراین فردی که مرتکب جرم عقیم شده است، مجازات وی حسب مورد طبق بندهای ذیل این ماده تعیین می‌شود. همچنین طبق تبصره ماده یاد شده، اقدامات انجام شده برای ارتکاب جرم محال در حکم شروع به جرم تلقی شده است؛ لذا مجازات مرتکب جرم محال نیز حسب مورد طبق بندهای ذیل ماده ۱۲۲ قانون پیش‌گفته تعیین می‌شود.

❖ **امکان تحقق شروع به اجرای جرم تامی که با ترک فعل محقق می‌شود.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۰۱۲- ۱۴۰۱/۰۵/۰۱: با عنایت به اینکه تحقق جرم تامی که با ترک فعل انجام می‌شود، بدون شروع به اجرای آن متصور نیست؛ در نتیجه، شروع به اجرای جرم نیز با ترک فعل امکان‌پذیر است. چنانچه نجات غریق توانایی نجات دادن فرد را داشته باشد، با این حال به قصد قتل یا ایراد صدمه بدنی به وی برای نجات او اقدامی نکند و یا آتش‌نشان به رغم توانایی، از خاموش کردن آتش خودداری کند، با احراز دیگر شرایط قانونی از جمله شرایط موضوع مواد ۱۲۲ و ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مرتکب، تحت عنوان شروع به جرم قابل تعقیب و مجازات است.

باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.[۱]

تبصره- اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب‌های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد.

فصل سوم ـ معاونت در جرم

ماده ۱۲۶- اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:[۲]

الف- هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.[۳]

❖ **تعیین میزان مجازات جزای نقدی هر یک از شرکای بزه کلاهبرداری.**

[۱]- **رأی وحدت رویه شماره ۸۳۸- ۱۴۰۲/۰۸/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

نظر به اینکه مقنن به موجب ماده «یک» قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ با بیان عبارت «پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است» کیفر مرتکب واحد جرم کلاهبرداری را تعیین نموده است و از طرف دیگر در ماده «۱۲۵» قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ مجازات شریک جرم را مجازات فاعل مستقل قرار داده است؛ لذا با توجه به لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری، چنانچه کلاهبرداری با مشارکت دو یا چند نفر انجام شده باشد، جزای نقدی هر یک از شرکای جرم به میزان سهم او از مال اخذ شده تعیین خواهد شد و صدور حکم بر محکومیت هر یک از شرکا به پرداخت جزای نقدی معادل کل مبلغ مورد کلاهبرداری، تعیین مجازات بیش از میزان مقرر قانونی خواهد بود و در مواردی که سهم هر یک از شرکا دقیقاً معلوم نباشد، میزان جزای نقدی به صورت مساوی بین آنان تعیین می‌گردد. بنا به مراتب، رأی شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان فارس تا حدی که با این نظر انطباق دارد با اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود.

❖ **شرایط تحقق مشارکت در جرم و عدم تأثیر مساوی بودن یا نبودن اثر رفتار شرکاء در تحقق جرم.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۶۰- ۱۴۰۱/۰۵/۰۲: در صورت تحقق عنوان «مشارکت در جرم» کافی بودن یا نبودن رفتار هر یک از شرکا جرم و مساوی بودن یا نبودن اثر کار آنان، تأثیری در موضوع اعمال مجازات شریک در جرم ندارد؛ لذا چنانچه احراز شود که یکی از سارقین مسلح است چون سرقت ارتکابی مشمول ماده ۶۵۲ ق.م.ا (تعزیرات) ۱۳۷۵ است مجازات هر دو سارق براساس این ماده تعیین می‌شود و عدم اطلاع سارق دیگر از مسلح بودن شریک دیگر، تأثیری در تحقق عنوان شرکت در جرم سرقت مسلحانه ندارد.

ر.ک: ماده ۵۳۳ همین قانون.

❖ **همکاری در رکن مادی جرم علاوه بر رکن معنوی از شمول معاونت در جرم خارج است و مشمول مشارکت در جرم است.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۰۱۴- ۱۴۰۱/۰۲/۳۱:** معاون جرم شخصی است که صرفاً در رکن روانی جرم با مباشر همکاری می‌کند و دارای وحدت قصد با مباشر جرم است؛ اما چنانچه شخص علاوه بر همکاری در رکن روانی جرم، در عملیات اجرایی جرم نیز مداخله داشته باشد (همکاری در رکن مادی جرم) در این صورت به عنوان شریک جرم قابل تعقیب و مجازات است و موضوع از مقوله معاونت در جرم خارج است.

❖ **تمایز جرم تهدید به عنوان جرم تام با تهدید به ارتکاب جرم به عنوان معاونت در جرم.**

[۳]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۹۹۰- ۱۴۰۰/۰۲/۲۵:** «تهدید به ارتکاب جرم» موضوع بند «الف» ماده ۱۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که رکن مادی معاونت در جرم محسوب می‌شود، متفاوت از تهدیدی است که به عنوان جرم مستقل

ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.
پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.
تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.
ماده ۱۲۷ (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)- در صورتی که در شرع، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:[1]
الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه
ب- در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش
پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش
ت- در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتکابی
تبصره ۱- در مورد بند (ت) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتکابی است مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.
تبصره ۲- در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند (ت) این ماده اعمال می‌شود.
ماده ۱۲۸- هر کس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.
ماده ۱۲۹- هرگاه در ارتکاب رفتار مجرمانه، مرتکب به جهتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جهتی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.

(جرم تام) در ماده ۶۶۹ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده است؛ با این توضیح که «تهدید به ارتکاب جرم» که در ردیف ترغیب، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم در بند «الف» ماده ۱۲۶ قانون صدرالذکر آمده است، مقید و محدود به مصادیق تهدیدی نیست که در متن ماده ۶۶۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ آمده است و هر نوع «تهدید به ارتکاب جرم» که در تهدیدشونده مؤثر واقع شده و او را در ارتکاب جرم مصمم کند و موجب ارتکاب جرم شود، از مصادیق تهدید بند صدرالذکر محسوب می‌شود.

❖ **نمونه تعیین مجازات معاونت در جرمی که مجازات قانونی جرم مجموع چند نوع مجازات است.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۰۳- ۱۳۹۹/۰۴/۱۱:** در جرایم تعزیری اگر مجازات قانونی جرم، مجموع چند نوع مجازات باشد، مجازات معاون نیز از همه آن مجازات‌ها؛ ولی با یک تا دو درجه پایین‌تر تعیین می‌شود و چنانچه درجات پایین‌تر فاقد بعضی از انواع مجازات قانونی جرم باشد، به همان نوع یا انواعی که وجود دارد اکتفا می‌شود.

فصل چهارم ـ سردستگی گروه مجرمانهٔ سازمان‌یافته

ماده ۱۳۰ـ هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتکابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی‌الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی‌الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی‌الارض محکوم می‌گردد.[۱]

تبصره ۱ـ گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.

تبصره ۲ـ سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.

فصل پنجم ـ تعدد جرم

ماده ۱۳۱ـ در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود.[۲]

❖ **ماده ۱۳۰ ق.م.ا ناسخ کیفر سردستگی در قوانین خاص نیست.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۹۳۸- ۱۳۹۹/۰۳/۱۷:** ماده ۱۳۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که در مقام بیان عنوان خاص «سردستگی گروه مجرمانه» در کلیه جرایم است، ناسخ کیفر سردستگی گروه مجرمانه مذکور در قوانین خاص مانند ماده ۴ ق.ت.م.م.ا.ا.ک یا ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر نیست و هر یک در جای خود قابلیت اعمال دارد.

❖ **عدم تسری امکان تعدد مادی جرم نسبت به جرم ترک انفاق زن و اولادی که زندگی مشترک دارند.**

[۲]- **رأی وحدت رویه شماره ۳۴- ۱۳۶۰/۰۸/۳۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

نظر به اینکه نفقهٔ زن و اولاد واجب‌النفقه که زندگی مشترک دارند معمولاً یکجا و بدون تفکیک سهم هر یک از آنان پرداخته می‌شود ترک انفاق زن و فرزند از ناحیهٔ شوهر در چنین حالت ترک فعل واحد محسوب و مستلزم رعایت ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی [ماده ۱۳۱ ق.م.ا] است و آثار و نتایج متعدد فعل واحد موجب اعمال مقررات مربوط به تعدد جرم نخواهد بود.

❖ **رانندگی با وسایل نقلیه موتوری بدون گواهینامه تعدد معنوی تلقی می‌شود.**

رأی وحدت رویه شماره ۶۳۸- ۱۳۷۸/۰۶/۰۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به صراحت ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی ناظر به مواد ۷۱۴ الی ۷۱۷ قانون که مقرر داشته هرگاه راننده یا متصدی وسائل موتوری که در حین رانندگی مرتکب قتل غیرعمد شده در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته باشد... به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد موضوع از مصادیق بارز تعدد معنوی جرم می‌باشد زیرا چنانچه نظر مقنن بر اعمال مقررات مربوط به تعدد مادی جرم بوده که مستلزم تعیین مجازات جداگانه برای هر یک از جرائم مزبور می‌باشد. با وجود مواد ۷۱۴ و ۷۲۳ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی دیگر نیازی به وضع ماده ۷۱۸ آن قانون نبوده و با این اوصاف نداشتن پروانه رانندگی در چنین وضعیتی از موجبات مشدده جرم است که در خود قانون، مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته شده است بنا به مراتب فوق‌الاشعار هیأت عمومی دیوان عالی کشور به اکثریت آراء رأی شعبه ششم دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان شرقی را که در مورد اتهام قتل غیرعمد بدون داشتن

ماده ۱۳۲ـ در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتکابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

تبصره ۱ـ چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می‌شود.

تبصره ۲ـ چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می‌شود؛ مانند تفخیذ در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می‌شود.[۱]

تبصره ۳ـ اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می‌شود.

تبصره ۴ـ چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجراء می‌گردد.

گواهینامه رانندگی به استناد ماده ۷۱۸ قانون مارالذکر یک فقره مجازات برای متهم تعیین کرده منطبق با مقررات و موازین قانونی و صحیح تشخیص می‌دهد.

❖ **شمول مقررات تعدد اعتباری نسبت به رفتار مأمورانی که با قاچاقچیان تبانی کرده و با اخذ رشوه به آنها اجازه عبور داده‌اند.**

رأی وحدت رویه شماره ۸۳۰- ۱۴۰۲/۰۱/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق، از تعقیب مرتکبان خودداری می‌کنند، مطابق تبصره یک ماده ۳۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در حکم مختلس محسوب می‌شوند و هرگاه برای خودداری از انجام وظیفه مذکور، وجه یا مالی اخذ کنند، رفتار آنان مشمول عنوان «ارتشاء» نیز می‌شود. در این موارد، به لحاظ آنکه «اخذ وجه یا مال» برای «خودداری از تعقیب مرتکبان» مذکور در تبصره یاد شده است، موضوع مشمول مقررات تعدد اعتباری است و باید وفق ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «مجازات اشد» تعیین شود. بنا به مراتب و با عنایت به ذیل تبصره یک ماده ۳۵ قانون صدرالذکر، رأی شعبه سی و دوم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود.

❖ **ترک نفقه زن و اولاد که زندگی مشترک ندارند تعدد مادی محسوب می‌شود.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۶۵۷- ۱۳۹۸/۰۶/۰۵: با لحاظ رأی وحدت رویه شماره ۳۴ مورخ ۱۳۶۰/۰۸/۳۰، در حالتی که نفقه زوجه و اشخاص واجب‌النفقه که زندگی مشترکی دارند و معمولاً یکجا و بدون تفکیک سهم هر یک از آنان پرداخت می‌شود (مانند نفقه زوجه و اولاد)، ترک انفاق آنان (ترک انفاق زوجه و اشخاص واجب‌النفقه) ترک فعل محسوب می‌شود و مشمول مقررات تعدد جرم نیست؛ اما در صورتی که محل زندگی آنان جدای از هم می‌باشد و سهم هر یک جداگانه پرداخت می‌شود، ترک نفقه هر یک از آنان جرم جداگانه‌ای محسوب و مشمول مقررات تعدد مادی است.

❖ **تهدید و بلافاصله عملی نمودن آن جرم واحد محسوب می‌شود.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۶۳۶- ۱۴۰۱/۰۶/۰۱: چنانچه فردی با چاقو دیگری را تهدید به ایراد جرح کند و بلافاصله هم تهدید خود را عملی نموده و جراحاتی وارد کند، به لحاظ اینکه از منظر عرفی مجموع اقدامات وی یک رفتار (ایراد جرح با چاقو) تلقی می‌شود صرفاً به اتهام یاد شده قابلیت تعقیب و مجازات دارد.

❖ **رفع تعارض تبصره ۲ ماده ۱۳۲ ق.م.ا با تبصره ماده ۱۳۵ قانون مذکور.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۴۹- ۱۴۰۰/۰۸/۳۰:** تبصره ۲ ماده ۱۳۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مربوط به تعدد جرایم حدی است که در راستای هم و در یک واقعه باشند؛ در حالی که تبصره ماده ۱۳۵ قانون مذکور ناظر به تعدد جرایم حدی و تعزیری است که از یک جنس باشند؛ بنابراین تعارضی بین مقررات دو تبصره یاد شده وجود ندارد.

ماده ۱۳۳ـ در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می‌شود.

ماده ۱۳۴ (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ در تعدّد جرائم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است:[1]

❖ **جریان مقررات تعدد مادی در موردی که جاعل خود استفاده کننده از سند مجعول باشد.**

[1]- **رأی وحدت رویه شماره ۶۲۴- ۱۳۷۷/۰۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

نظر به اینکه به موجب مواد ۷۵ تا ۸۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای جعل و استفاده از سند مجعول مجازات جداگانه تعیین شده و به علاوه در ماده ۸۳ قانون مزبور نیز برای استفاده‌کننده از سند مجعول در مواردی که جاعل خود استفاده‌کننده باشد مجازات مقرر گردیده است بنابراین بر طبق مواد مزبور استفاده از سند مجعول عملی مستقل از جعل محسوب و نسبت به جاعل نیز بزه جداگانه است بنا به مراتب دادنامه شماره ۶- ۱۳۷۶/۰۲/۲۸ که به موجب آن با رعایت تعدد و ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی برای جعل و استفاده از سند مجعول کیفرهای جداگانه تعیین شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

❖ **ماکمیت ماده ۱۳۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در جرائم مواد مخدر و تعدد بزه‌های ارتکابی.**

رأی وحدت رویه شماره ۷۳۸- ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحیهٔ آن مصوب ۱۳۸۹ حکم خاصی در مورد تعدد جرم وضع نکرده بنابراین ماده (۱۳۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با توجه به آمره بودن آن، در جرائم مواد مخدر نیز حاکم بوده و در تعیین مجازات برای مرتکبین این‌گونه جرائم، در صورت تعدد بزه‌های ارتکابی لازم‌الرعایه است بر این اساس آراء دادگاه‌های انقلاب اراک، مشهد و همدان که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.

❖ **در تعیین مجازات حبس توأم با جزای نقدی، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و صلاحیت دادگاه است.**

رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴- ۱۳۹۴/۰۸/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار هر یک از مجازات‌ها را در درجه‌ای خاص قرار داده که قرار گرفتن هر مجازات در مرتبه‌ای معین در عین حال مبیّن شدت و ضعف آن کیفر نیز می‌باشد، لکن در هر یک از این درجات نیز کیفرهای غیر متجانس وجود دارد که به لحاظ عدم امکان سنجش آنها با یکدیگر، تشخیص کیفر اشد در بین آنها بعضاً با اشکال مواجه می‌گردد؛ به منظور رفع اشکال، تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون یاد شده، در مقام بیان قاعده، مقرر می‌دارد: ... در صورت تعدد مجازات‌ها و عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است...؛ علاوه بر این در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی، از جزای نقدی به عنوان «بدیل مناسب‌تر» مجازات حبس (در مقام تخفیف و تبدیل آن مجازات) و کیفر جایگزین مجازات حبس که علی‌القاعده ماهیت خفیف‌تر و ملایم‌تری از حبس دارد، استفاده شده است و عرف و سابقه قانونگذاری در کشور ما نیز حکایت از صحت چنین استنباطی دارد. بنا به مراتب مذکور، به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و بالنتیجه صلاحیت دادگاه است.

❖ **نمونه اعمال تعدد جرم در بزه‌های متعدد راجع به مواد مخدر.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۲۰۵۰- ۱۳۹۹/۰۱/۰۵: چنانچه متهم قبل از صدور حکم قطعی، در دفعات متعدد مرتکب جرایم موضوع مواد ۴ یا ۵ یا ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر شده باشد، با توجه به تعدد رفتار ارتکابی، موضوع مشمول مقررات تعدد جرم است و مجازات مرتکب باید برابر ماده ۱۳۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ تعیین شود؛ ولی

چنانچه متهم با رفتار واحد مرتکب جرم گردیده ولی مواد مخدر به دفعات (در زمانهای مختلف) از وی کشف شود، هرگاه مواد مکشوفه همگی از جنس موضوع یک ماده از قانون مبارزه با مواد مخدر باشد، مثلاً همگی از جنس موضوع ماده ۵ یا ۸ قانون مذکور باشد، چون بر اساس مجموع میزان مواد مکشوفه و رعایت تناسب، یک مجازات تعیین می‌شود، لذا منصرف از مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۱۳۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ است و هرگاه مواد مکشوفه از جنس دو یا چند ماده از قانون فوق‌الذکر باشد، مجازات مرتکب باید براساس مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۱۳۴ قانون یاد شده، تعیین شود.

❖ **اعمال مقررات تعدد جرم در خصوص تعزیر مقرر ماده ۴۲۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۸۰۵- ۱۳۹۹/۰۱/۲۶: با توجه به اطلاق اصطلاح «تعزیر» در ماده ۱۳۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، حکم این ماده شامل تعزیر مقرر در ماده ۴۲۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ناظر به ماده ۶۱۲ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ نیز می‌باشد.

❖ **عدم اعمال تعدد جرم در مورد شخصی که مواد مخدر را خریداری، حمل و به فروش رسانده است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۳۰- ۱۳۹۹/۰۲/۰۱: موردی که ناظر به کیفیت تعیین مجازات برای شخصی است که مرتکب جرایم خرید، حمل و فروش یا در معرض فروش قرار دادن مواد مخدر (به عنوان مثال مقدار سی کیلوگرم تریاک) شده است با عنایت به اینکه مقدمه لازم جرم «در معرض فروش قرار دادن» یا «فروش مواد مخدر» خرید، حمل و نگهداری آن است، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود.

❖ **غیر قابل اعمال بودن مقررات تعدد جرم در مورد مجازات‌های منصوص شرعی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۳۱- ۱۳۹۹/۰۴/۱۸: مقررات ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ در خصوص جرایم تعزیری منصوص شرعی قابل اعمال نیست؛ زیرا مجازات منصوص شرع که به موجب شرع تعیین شده، ثابت است و براساس ماده مذکور قابل تشدید نیست.

❖ **عدم اختصاص مقررات تعدد جرم به مجازات حبس.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۵۰۷- ۱۳۹۹/۰۵/۰۸: ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹، کیفیت تشدید و تعیین مجازات را در موارد «تعدد جرایم موجب تعزیر» معین کرده است و اختصاص به مجازات حبس ندارد.

❖ **نمونه اعمال تعدد جرم در مورد جرائمی که حداقل مجازات مشخص نشده یا ثابت است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۶۹۳- ۱۳۹۹/۰۶/۱۲: مواردی که در قانون، حداقل مجازات حبس یا جزای نقدی مشخص نشده یا ثابت است، شامل مقرراتی که در آن حداقل مجازات موضوعیت دارد (نظیر تبصره الحاقی به ماده ۱۸ و بند «ب» ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹) نمی‌شود. بند «ج» ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ نیز مؤید این امر است.

❖ **عدم تأثیر گذشت یکی از شکات پس از صدور حکم قطعی در مجازاتی که پس از اعمال تعدد جرم تعیین شده است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۸۷۸- ۱۳۹۹/۰۷/۲۲: در موردی که فردی مرتکب سه جرم متعدد (اعم از مختلف یا غیر مختلف) شده است، گذشت یکی از شکات بعد از صدور حکم قطعی، در مجازات تعیین شده که براساس مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ صادر شده است، تأثیر ندارد.

❖ **قابلیت اعمال همزمان دو عامل تشدیدکننده مجازات (تعدد و تکرار جرم).**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۱۶۷- ۱۳۹۹/۰۸/۲۴: در جرایم تعزیری، در فرضی که دو عامل تشدیدکننده مجازات یعنی تعدد و تکرار که هر دو حکم مقنن است، وجود دارد، باید هر دو عامل در تعیین مجازات مرتکب لحاظ شود. ابتدا مجازات مرتکب براساس مقررات ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ (ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) تعیین و سپس مجازات تعیین شده براساس ماده ۱۳۷ اصلاحی ۱۳۹۹ تشدید می‌شود و با توجه به عبارت «بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک چهارم» که در دو ماده یاد شده آمده است، تشدید مجازات با لحاظ هر دو عامل مشدده (تعدد و تکرار) بیش از حداکثر مجازات به اضافه یک چهارم آن نخواهد بود.

الف- هرگاه جرائم ارتکابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعداد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.[۱]

❖ **قابل اعمال بودن مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیر ارتکابی توسط نوجوان.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۱۸۳- ۱۳۹۹/۰۹/۱۵: قواعد تعدد جرم در خصوص جرایم تعزیری ارتکابی توسط نوجوان قابل اعمال است و در موردی که با انتفای مجازات حد یا قصاص، مرتکب نوجوان به «مجازات تعزیری» محکوم می‌شود نیز مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۱۳۴ ق.م.ا اعمال می‌شود.

❖ **مجازات قابل اجرا پس از اعمال مقررات تعدد جرم.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۲۵۰- ۱۴۰۰/۰۳/۱۹: در فرضی که ناظر به تعدد جرایم ارتکابی مختلف است و فرد از حیث اتهام سرقت تعزیری به تحمل «یک سال و نیم حبس تعزیری و رد مال» و از حیث مجازات کلاهبرداری به تحمل «یک سال حبس تعزیری و رد مال و جزای نقدی نسبی» محکوم شده است، با عنایت به ملاک رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۹ دیوان عالی کشور محکومیت به تحمل یک سال و نیم حبس تعزیری موضوع اتهام سرقت که مجازات اشد مندرج در دادنامه است قابل اجراست.

❖ **اعمال مقررات تعدد جرم در مورد مواد مخدر غیر هم جنس.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۵۰- ۱۴۰۱/۰۳/۲۵: فردی همزمان مرتکب دو جرم «حمل مشروبات الکلی و تریاک» یا «حمل تریاک و هروئین» که موضوع دو جنس متفاوت از مواد ۵ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر با الحاقات و اصلاحات بعدی است می‌شود، مشمول مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ است و تشابه رکن مادی جرایم ارتکابی و همزمانی ارتکاب آن دو جرم، مانع از تسری مقررات تعدد مادی جرایم بر رفتار مرتکب نیست.

❖ **غیر متخلف محسوب شدن جرم کلاهبرداری و جرائمی که در مورد آنها مجازات کلاهبرداری مقرر شده است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۶۲۵- ۱۴۰۱/۰۶/۱۵: ارتکاب جرایمی که مجازات جرم دیگر درباره آنها مقرر شده است یا طبق قانون جرم دیگری محسوب می‌شود؛ مانند کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده است و یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود جرایم غیر مختلف محسوب می‌شود.

❖ **موارد جرائم غیر متخلف.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۸۸۷- ۱۳۹۹/۰۶/۲۳:** در موارد زیر جرایم غیرمختلف محسوب می‌شود:

۱- ارتکاب یک جرم خاص به صورت متعدد؛ مانند ارتکاب متعدد سرقت‌های منطبق با یک ماده مشخص.

۲- جرایمی که به رغم تعدد عنصر قانونی و متفاوت بودن مجازات‌ها، تحت عنوان جرم واحد شناخته می‌شوند؛ مانند سرقت‌های متعدد، جعل اسناد مختلف، صدور چک بلامحل به هر شیوه که در قانون مقرر شده است.

۳- رفتارهای متعدد مجرمانه که موضوع آنها واحد است؛ مانند حمل، نگهداری، فروش، صادرات، واردات و ساخت مواد مخدر از نوع واحد، مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت از ماهواره و اسلحه و مهمات از نوع واحد.

۴- دو یا چند رفتار مجرمانه که در یک ماده قانونی ذکر و برای آنها مجازات پیش‌بینی شده است.

۵- ارتکاب جرایمی که مجازات جرم دیگر درباره آنها مقرر شده است یا طبق قانون جرم دیگری محسوب می‌شود؛ مانند کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده است و یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود.

۶- شروع، معاونت و مباشرت در یک جرم.

ضمناً در مواردی که به موجب نص خاص یا رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور از قبیل رأی شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۰۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (جعل و استفاده از سند مجعول) ضوابط و معیارهای خاصی مقرر شده باشد به همان ترتیب عمل می‌شود.

ب- در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتکابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.[1]

❖ **نحوه اعمال تعدد جرم در جمع جرائم متعدد مشابه با جرائم متعدد مشابه از نوع دیگر.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۲۴- ۱۳۹۹/۰۹/۰۵: در مورد جمع جرایم متعدد مشابه با جرایم متعدد مشابه از نوع دیگر، ابتدا برای هر یک از جرایم مشابه مطابق بند «الف» ماده ۱۳۴ اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به عنوان جرایم مشابه تعیین کیفر می‌شود و برای جرایم متعدد مشابه دیگر نیز مطابق همان بند تعیین کیفر می‌شود و چون در نهایت این جرایم غیر هم‌نوع نیز محسوب می‌شوند، حسب مورد با توجه به تعداد آنها مطابق بندهای «ب» یا «پ» ماده ۱۳۴ اصلاحی مذکور تشدید می‌شود.

❖ **تعیین مجازات جزای نقدی در مورد کلاهبرداری‌های متعدد.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۸۵- ۱۳۹۹/۰۹/۰۹: ۱- در صورت ارتکاب کلاهبرداری‌های متعدد، صرفاً یک فقره جزای نقدی براساس بزهی که مال برده شده در آن نسبت به دیگر جرایم بیشتر است، تعیین می‌شود.

❖ **با گذشت شاکی نسبت به یکی از دو جرم قابل گذشت و صدور قرار موقوفی تعقیب اعمال تعدد جرم منتفی می‌شود.**

۲- در جرایم متعدد، اعم از مختلف یا غیر مختلف قابل گذشت، چنانچه پیش از صدور حکم قطعی در خصوص یکی از دو جرم قابل گذشت، باگذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر شود، نسبت به جرم دیگر مقررات تعدد اعمال نمی‌شود و براساس مقررات جرم واحد تعیین کیفر می‌شود؛ ولی چنانچه بعد از صدور حکم قطعی، یکی از شکات گذشت کند، این امر در مجازات تعیین شده که براساس مقررات تعدد صادر شده است مؤثر نیست.

❖ **عدم تکلیف دادگاه در تشدید مجازات جرائم متعدد غیرمتخلف.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۹۲- ۱۳۹۹/۰۹/۱۸: هرگاه جرایم ارتکابی مختلف نباشد، صرف نظر از تعداد آنها (کمتر از سه جرم یا بیشتر) مطابق بند «الف» ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ فقط یک مجازات تعیین می‌شود و دادگاه الزامی به تشدید مجازات ندارد و مخیر است حسب مورد، مطابق ضوابط مقرر در بندهای «ب» و «پ» ماده مذکور مجازات را تشدید کند.

❖ **غیرمتخلف بودن انواع سرقت‌های موضوع فصل پنجم قانون مجازات اسلامی و نحوه تعیین مجازات سرقت‌های متعدد.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۸۳۶- ۱۴۰۰/۰۸/۳۰: ۱- ... سرقت‌های موضوع مواد ۶۵۱ الی ۶۶۱ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ جرایم غیرمختلف شناخته می‌شوند.

۲- فردی که مرتکب سرقت‌های متعدد گردیده است، با توجه به بند «الف» ماده ۱۳۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی صرف‌نظر از تعداد آنها فقط یک مجازات و آن هم شدیدترین مجازات در میان آنها تعیین می‌شود و تعیین مجازات اشد براساس معیارها و ضوابط مربوط نظیر جرمی که حداکثر مجازات حبس آن بیشتر است صورت می‌پذیرد.

❖ **ملاک حداکثر مجازات جرائم متعدد مختلف کمتر از سه جرم که مورد لحوق حکم قرار می‌گیرد.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۱۷۶- ۱۳۹۹/۰۹/۱۵:** در «تعدد جرایم تعزیری» موضوع بند «ب» ماده ۱۳۴ اصلاحی ق.م.ا مصوب ۱۳۹۹ که «جرایم مختلف ارتکابی» بیش از سه جرم نیست، حداکثر مجازاتی که دادگاه برای هر یک از جرایم متعدد ارتکابی «می‌تواند» تعیین و مورد لحوق حکم قرار دهد «حداکثر مجازات مقرر قانونی هر یک از جرایم ارتکابی» است.

❖ **اعمال مقررات تعدد جرم در مورد استعمال و نگهداری مواد مخدر و رعایت اصل تناسب در تعیین مجازات.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۸۴۱- ۱۳۹۹/۱۲/۰۹: ... اگر شخص مرتکب استعمال مواد مخدر و نگهداری تریاک شود، چون دو جرم مختلف واقع شده و قانونگذار مجازات‌های متفاوتی برای آنها پیش‌بینی کرده است، دادگاه باید

پ- چنانچه جرائم ارتکابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک چهارم آن تعیین کند.

ت- در تعدد جرائم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجراء است.[۱]

ث- در هر یک از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجراء گردد، مجازات اشد بعدی اجراء می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجراء شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو[۲] در حکم اجراء است.[۳]

براساس بند «ب» ماده ۱۳۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، حداقل مجازات هر یک از جرایم مذکور را بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر قانونی تعیین کند. بدیهی است دادگاه در تعیین مجازات به این کیفیت اصل تناسب را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

❖ **تأثیر جرائم درجه شش و بالاتر در تشدید مجازات جرائم درجه هفت و هشت.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۶۹۵- ۱۳۹۹/۰۵/۱۹:** در تعدد جرایم درجه هفت و هشت با درجه شش و بالاتر حسب مورد مطابق بند «ت» ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ رفتار می‌شود. به عبارت دیگر؛ ارتکاب جرائم درجه هفت و هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید این جرایم (شش و بالاتر) نمی‌شود اما به عکس جرایم درجه شش و بالاتر در تعیین مجازات جداگانه برای جرایم درجه هفت و هشت (و تشدید آن) حسب مورد براساس شاخص‌های مقرر در بندهای «ب» و «پ» ماده مذکور، مؤثر است.

[۲]- **ر.ک: ماده ۹۶ همین قانون.**

❖ **منظور از عفو در بند «ث» ماده ۱۳۴ ق.م.ا.**

[۳]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۲۱- ۱۳۹۹/۰۴/۱۱:** واژه عفو در بند «ث» ماده ۱۳۴ اصلاحی ۱۳۹۹ عفو خصوصی موضوع ماده ۹۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ است.

❖ **با اعمال کیفیات مخففه قضایی و عفو موجبی برای اجرای مجازات اشد بعدی نیست.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۶۸- ۱۳۹۹/۰۹/۱۹: مقنن طبق بند «ث» ماده ۱۳۴ اصلاحی ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ «تقلیل یا تبدیل مجازات اشد» را به یکی از علل قانونی موجب اجرای مجازات اشد بعدی دانسته است که شامل تخفیف مجازات به موجب قانون موضوع بند «ب» ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد و منصرف از مواردی است که با اعمال کیفیات مخففه توسط دادگاه (تخفیف قضایی)، مجازات اشد تقلیل یابد و نیز در صورت شمول عفو نسبت به مجازات اشد چون عفو از موارد اجرای مجازات است، موجب قانونی جهت اجرای اشد بعدی وجود ندارد.

ج- در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتکابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا یک ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند.
چ- در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود.

❖ **فروع موضوعی معافیت از پرداخت بخشی از جزای نقدی و تبدیل مجازات به دلیل عدم بهبود بیماری محکوم‌علیه از موضوع بند «ث» ماده ۱۳۴ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۸۹۹- ۱۴۰۰/۰۱/۳۱: ۱- تبصره ۳ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر معافیت محکوم‌علیه از پرداخت بیست درصد جزای نقدی که توسط قاضی اجرای احکام کیفری و بدون تغییری در حکم محکومیت جزای نقدی اعمال می‌شود، مقدمه اجرای حکم و نوعی تدبیر اجرایی است که از قلمرو شمول بند «ث» ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ خروج موضوعی دارد.
۲- تبدیل مجازات تعزیری موضوع قسمت اخیر ماده ۵۰۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ به مجازات مناسب دیگر در فرض عدم امید به بهبودی بیمار که ناظر به وضعیت شخصی محکوم‌علیه و تدبیر در اجرای حکم محکومیت است، از قلمرو شمول اطلاق «تبدیل قانونی» موضوع قسمت اخیر بند «ث» ماده ۱۳۴ اصلاحی ۱۳۹۹ ق.م.ا (مبنی بر اجرای مجازات اشد بعدی در فرض تبدیل) منصرف بوده و خروج موضوعی دارد.

❖ **فروع موضوعی اعمال کیفیات مخففه قضایی و تخفیف یا تبدیل مجازات توسط دادگاه از بند «ث» ماده ۱۳۴ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۴۱۵- ۱۴۰۰/۰۶/۳۰: ۱- اگر با اعمال ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مجازات اشد تقلیل یابد یا تبدیل شود، همان مجازات تقلیل یافته یا تبدیل شده اجرای می‌شود و موجب قانونی برای اجرای مجازات اشد بعدی وجود ندارد. به عبارت دیگر، مقنن طبق بند «ث» ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ «تقلیل یا تبدیل مجازات اشد» را به یکی از علل قانونی، موجب اجرای مجازات اشد بعدی دانسته است که شامل تخفیف مجازات به موجب قانون موضوع بند «ب» ماده ۱۰ قانون یاد شده می‌شود و منصرف از مواردی است که مجازات اشد با اعمال کیفیات مخففه توسط دادگاه (تخفیف قضایی) تقلیل یابد؛ وگرنه با فلسفه وضع مقررات ناظر به تخفیف قضایی مجازات که به موجب بند «خ» ماده ۱۳۴ قانون مورد بحث در موارد تعدد جرم نیز تجویز شده است، در تعارض خواهد بود.
۲- منظور قانونگذار از عبارت «آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجراء است» در بند «ث» ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ آن است که محکومیت اشد مندرج در دادنامه مشمول یکی از نهادهای مذکور شود و لزوم آزادی محکوم در پی اعمال یکی از نهادهای مورد اشاره از قانون استنباط نمی‌شود.

❖ **ملاک تشخیص مجازات اشد در بند «ث» ماده ۱۳۴ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۸۳۹- ۱۴۰۰/۰۸/۰۸: با لحاظ بند «ث» ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ ملاک تشخیص مجازات اشد، مجازات قضایی (یعنی مجازات مندرج در دادنامه) است نه مجازات قانونی.

❖ **اجرای مجازات اشد مقرر در دادنامه مشمول محکومیت کیفری (تکرار جرم) نمی‌شود.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۱۰۷- ۱۴۰۲/۰۷/۱۷: اصل بر این است که هر کس برای ارتکاب جرمی محکوم شود مجازات مندرج در آن حکم در مورد وی اجرا می‌شود و عدم اجرای مجازات، امری استثنایی و نیازمند تصریح قانونی است که در مورد تعدد جرم این تصریح قانونی وجود دارد؛ ولی در مورد تکرار جرم، چنین استثنایی مقرر نشده است؛ بنابراین در تعدد جرایم تعزیری برابر بندهای «ث» و «ح» ذیل ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه یا مجازات اشد مقرر در حکم تجمیعی با شرایط مقرر در بندهای یاد شده اجرا می‌شود و چنانچه مرتکب، محکومیت کیفری دیگری که مشمول مقررات تکرار جرایم تعزیری است نیز داشته باشد، مجازات اخیر نیز در مورد وی اجرا می‌شود.

ح- هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد (۲۳) یا (۲۶) این قانون به عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجراء می‌شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیر آشد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده (۲۵) این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجراء می‌شود.

خ- در تعدّد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.[۱]

د- در صورتی که مجموع جرائم ارتکابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود.

ماده ۱۳۵ـ در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتداء حد یا قصاص اجرا می‌شود مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق‌الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتداء تعزیر اجراء می‌گردد.

تبصره ـ در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیرحدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.[۲]

فصل ششم ـ تکرار جرم

ماده ۱۳۶ـ هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

ماده ۱۳۷ (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ هر کس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا

❖ **نمونه اعمال کیفیات مخففه در صورت تعدد جرم.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۱۹۷- ۱۳۹۹/۰۹/۰۳:** در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف موضوع ماده ۳۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، مجازات هر یک از جرایم با توجه به بند «خ» ماده ۱۳۴ ق.م.ا (اصلاحی ۱۳۹۹) مطابق ماده ۳۷ اصلاحی این قانون تعیین می‌شود.

❖ **تبصره ماده ۱۳۵ ق.م.ا منصرف از موردی است که حکم قطعی در خصوص یکی از جرائم حدی یا تعزیری هم جنس صادر شده است.**

[۲]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۴۹- ۱۴۰۰/۰۸/۳۰:** اعمال مقررات تبصره ماده ۱۳۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مادامی است که حکم قطعی در خصوص جرایم حدی و تعزیری که از یک جنس باشند، صادر نشده است؛ ... لذا جرم تعزیری بعد از صدور حکم محکومیت جرم حدی ارتکاب یافته است، موضوع خارج از شمول تبصره ماده ۱۳۵ ق.م.ا است و با صدور حکم محکومیت در خصوص جرم تعزیری، هر دو مجازات (حدی و تعزیری) اجرا می‌شود.

شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتکابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.[1]

❖ **عدم شمول مقررات عمومی ماده ۱۳۷ ق.م.ا نسبت به مرتکبین جرائم موضوع بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر.**

[1]- رأی وحدت رویه شماره ۷۷۶- ۱۳۹۸/۰۲/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستنبط از مقررات ماده ۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶/۰۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، این است که برای اعمال مقررات تشدید مجازات در اثر تکرار، نسبت به مرتکبین جرایم موضوع بندهای یک تا پنج ماده هشت این قانون، انطباق جرم مذکور در هر بند، با محکومیت سابق مربوط به همان بند، از حیث مقدار مواد مخدر لازم است و با این وصف مقررات عمومی ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این موارد حاکم نیست و رأی شعبه چهل و چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.

❖ **امکان تشدید مجازات شلاق تعزیری.**

رأی وحدت رویه شماره ۷۹۵- ۱۳۹۹/۰۶/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با عنایت به اینکه مطابق قسمت دوم ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی «نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود» و تشدید مجازات موضوع ماده ۱۳۷ قانون مذکور شامل انواع تعزیر از جمله شلاق نیز می‌شود. همچنین مقررات ماده ۱۹ همین قانون بنا به صراحت تبصره ۴ آن، تنها جهت تعیین درجه مجازات است و لذا دلالتی بر استثنای مجازات شلاق تعزیری از شمول احکام عام راجع به تشدید مجازات ندارد و قاعده «التعزیر دون الحد» نیز ناظر به تعیین مجازات بدون اعمال کیفیات مشدده است؛ بنا به مراتب، تشدید مجازات شلاق تعزیری با رعایت سایر شرایط قانونی فاقد اشکال است و رأی شماره ۳۰۴۱- ۱۳۹۸/۱۲/۱۵ شعبه ۱۷ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود.

❖ **قابلیت اعمال همزمان دو عامل تشدیدکننده مجازات (تعدد و تکرار جرم).**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۱۶۷- ۱۳۹۹/۰۸/۲۴: در جرایم تعزیری، در فرضی که دو عامل تشدیدکننده مجازات یعنی تعدد و تکرار که هر دو حکم مقنن است، وجود دارد، باید هر دو عامل در تعیین مجازات مرتکب لحاظ شود. ابتدا مجازات مرتکب براساس مقررات ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹ (ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) تعیین و سپس مجازات تعیین شده براساس ماده ۱۳۷ اصلاحی ۱۳۹۹ تشدید می‌شود و با توجه به عبارت «بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک چهارم» که در دو ماده یاد شده آمده است، تشدید مجازات با لحاظ هر دو عامل مشدده (تعدد و تکرار) بیش از حداکثر مجازات به اضافه یک چهارم آن نخواهد بود.

❖ **اعمال مقررات تکرار جرم مقرر در قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص جرائم مربوط به مواد مخدر.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۴۹۸- ۱۳۹۹/۱۰/۲۴: اولاً، مقررات ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ عام است و علی‌الاصول باید در کلیه جرایم رعایت شود. معهذا قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر قانون خاص است؛ لذا در هر مورد که حکم خاصی در این قانون وجود دارد، باید براساس همین قانون عمل شود و در مواردی که قانون مذکور ساکت است، طبق مقررات عام ق.م.ا عمل می‌شود. در خصوص تکرار جرم، چون طبق مواد ۱۴، ۹، ۶، ۵، ۲ و ۳۹ قانون مبارزه با مواد مخدر مقررات خاصی پیش‌بینی شده است، لذا در تکرار جرایم موضوع این قانون باید طبق همین مقررات عمل شود.

ثانیاً، در موردی که فرد واجد سابقه محکومیت به یکی از مجازات‌های تعزیری درجه یک تا پنج غیر از جرایم موضوع قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر است و متعاقباً از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم مربوط به مواد مخدر از درجه یک تا شش می‌شود، مشمول مقررات تکرار جرم براساس ماده ۱۳۷ ق.م.ا است.

ماده ۱۳۸ـ مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود.

ماده ۱۳۹ (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)ـ در تکرار جرائم تعزیری، در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.

تبصره‌ـ چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.

بخش چهارم ـ شرایط و موانع مسؤولیت کیفری

فصل اول ـ شرایط مسؤولیت کیفری

ماده ۱۴۰ـ مسؤولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است.

ماده ۱۴۱ـ مسؤولیت کیفری، شخصی است.

ماده ۱۴۲ـ مسؤولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتکابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.

ماده ۱۴۳ـ در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.[1]

❖ **ملاک محاسبه شمول مرور زمان یا حصول اعاده حیثیت در مقررات تکرار جرم.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۹۶۱- ۱۴۰۱/۱۲/۰۳: در فرضی که متهم بعد از قطعیت احکام مرتکب جرم عمدی درجه یک تا شش شده است، مبدأ محاسبه شمول مرور زمان یا حصول اعاده حیثیت، تاریخ قطعیت احکام اولیه است نه تاریخ صدور حکم تجمیعی. (ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲)

❖ **منتفی بودن صدور حکم تجمیعی در فرضی که جرم ارتکابی مشمول مقررات تکرار جرم است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۴۷۷- ۱۴۰۲/۰۷/۰۵: هرچند تعدد و تکرار جرم، هر دو از عوامل تشدید مجازات است؛ اما کاملاً متفاوت از یکدیگر بوده و در فرضی که جرم ارتکابی مشمول احکام تکرار جرم موضوع ماده ۱۳۷ اصلاحی ۱۳۹۹ ق.م.ا است، نقض تمام احکام و صدور حکم واحد تجمیعی و اجرای مجازات اشد موضوع مواد ۱۳۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و ۵۱۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ منتفی است و لذا علاوه بر محکومیت اخیر که مبتنی بر مقررات تکرار جرم است، محکومیت سابق نیز لازم‌الاجرا است و در خصوص نحوه اجرای محکومیت‌های حبس محکوم مطابق صدر ماده ۲۳۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰ با اصلاحات آن رفتار می‌شود.

❖ **بلامانع بودن تعقیب کیفری مدیران شرکت به عنوان مباشرت یا مشارکت یا معاونت علاوه بر مسئولیت کیفری شخص حقوقی.**

[1]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۶۸۶- ۱۳۹۹/۱۲/۰۵:** مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست؛ لذا چنانچه با دلایل کافی احراز شود که یکی (یا برخی) از اعضای هیأت مدیره در ارتکاب

ماده ۱۴۴ـ در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

ماده ۱۴۵ـ تحقق جرائم غیر عمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است. در جنایات غیرعمدی اعم از شبه عمدی و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود.

تبصره ـ تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی محسوب می‌شود.

فصل دوم ـ موانع مسؤولیت کیفری

ماده ۱۴۶ـ افراد نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند.

ماده ۱۴۷ـ سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

ماده ۱۴۸ـ در مورد افراد نابالغ، براساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود.

جرم عالمانه همکاری داشته‌اند و با توجه به رفتار ارتکابی آنان عنوان مباشرت یا مشارکت یا معاونت در جرم بر او (یا آنان) صادق باشد، علاوه بر مسئولیت کیفری شخص حقوقی، تحت همین عناوین مورد تعقیب و مجازات قرار می‌گیرند.

❖ **منظور از عبارت «در راستای منافع آن (شخص حقوقی)» در ماده ۱۴۳ ق.م.ا.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۹۹۸ - ۱۴۰۰/۰۲/۲۵: منظور از عبارت «در راستای منافع آن» در ماده ۱۴۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ این است که ارتکاب جرم توسط شخص حقیقی که نماینده قانونی شخص حقوقی است، در جهت تأمین نفعی برای شخص حقوقی باشد و این امر مستلزم آن نیست که شخص حقوقی از وقوع جرم منتفع شود.

❖ **منظور از ارتکاب جرم به نام شخص حقوقی، ارتکاب جرم تحت عنوان شخص حقوقی است.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۹۸۱ - ۱۴۰۰/۰۳/۰۱: مراد مقنن از عبارت «نماینده قانونی به نام شخص حقوقی مرتکب جرم شود» مذکور در ماده ۱۴۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، ان است که نماینده قانونی شخص حقوقی، نه با نام و مشخصات حقیقی خود، بلکه با نام و تحت عنوان شخص حقوقی مرتکب عمل مجرمانه شود؛ به نحوی که براساس مواد ۵۸۸ و ۵۸۹ ق.ت، رفتار مجرمانه به شخص حقوقی منتسب و آثار آن نیز بر شخص حقوقی بار شود.

❖ **بلامانع بودن اعمال مجازات مربوط به ارتشاء در خصوص اشخاص حقوقی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۲۰۲ - ۱۴۰۱/۰۵/۰۵: مطابق ماده ۱۴۳ ق.م.ا ۱۳۹۲، چنانچه نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود مسئولیت کیفری متوجه شخص حقیقی و حقوقی است؛ بنابراین هرچند ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷ در خصوص تعیین مجازات اشخاص حقیقی (مستخدمین، مأمورین دولتی یا عمومی) است؛ اما این امر مانع اعمال مجازات بر شخص حقوقی در راستای اعمال ماده ۱۴۳ یاد شده نیست.

❖ **بلامانع بودن تعقیب شخص حقیقی پس از صدور قرار منع تعقیب شخص حقوقی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۱۲۸ - ۱۴۰۲/۰۳/۱۳: در موردی که قبلاً شخص حقوقی مستقل از شخص حقیقی مورد تعقیب قرار گرفته و قرار منع تعقیب صادر شده است؛ با توجه به اینکه یکی از شرایط حصول اعتبار امر مختوم کیفری، وحدت متهم است و از آنجا که شخصیت شخص حقوقی از شخص حقیقی مرتکب جرم مستقل است؛ تعقیب کیفری شخص حقیقی پس از صدور قرار منع تعقیب شخص حقوقی بلامانع بوده و مشمول قاعده اعتبار امر مختوم نیست.

ماده ۱۴۹ـ هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسؤولیت کیفری ندارد.

ماده ۱۵۰ـ هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود.

شخص نگهداری شده یا خویشاوندان او می‌توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی می‌کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی و در غیراین صورت در تأیید دستور دادستان، حکم صادر می‌کند. این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، هرگاه علائم بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این حکم را دارند. این امر مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری‌های روانی، مرتکب، درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تأمینی را صادر کند.

تبصره ۱ـ هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی‌شود. در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.[۱]

❖ **عدم تأثیر افاقه جنون در جرائم حق‌الناس.**

[۱]- **نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۹۱- ۱۳۹۹/۰۳/۱۹:** افاقه به معنای بازگشت مجنون به حالت تعادل روانی است به گونه‌ای که قادر به تشخیص اعمال و رفتار خود باشد و این مسأله یکی از امور موضوعی است که مقام قضایی باید آن را احراز کند. ثانیاً، تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک و تبصره یک ماده ۱۵۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، دارای دو قسمت است: در قسمت نخست، مقام قضایی، ملزم به بررسی و احراز افاقه مجنون است و شیوه احراز آن به نظر مقام رسیدگی‌کننده است و در قسمت دوم افاقه موضوعاً منتفی است و حکم این قسمت ناظر بر جرایم حق‌الناسی مانند قصاص و دیه است که مطابق قسمت اخیر تبصره یک ماده ۱۵۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، در این جرایم جنون مرتکب (متهم) قبل از صدور حکم قطعی، مانع از تعقیب و رسیدگی نمی‌باشد و تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، در مقام تبیین تشریفات دادرسی و نحوه رسیدگی در این موارد است.

❖ **عدم تسری تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا به اثبات جنون مین ارتکاب جرم پس از صدور حکم قطعی.**

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۳۲۶- ۱۴۰۲/۰۳/۲۷: مقررات تبصره یک ماده ۱۵۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در موردی که پس از صدور حکم قطعی، مشخص شده است مرتکب «در زمان ارتکاب جرم مجنون» بوده است، تسری ندارد و با توجه به مواد ۴۹۴ و ۵۰۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ اصل بر لازم‌الاجراء بودن احکام قطعی است و تعویق و توقف اجرای احکام لازم‌الاجراء امری استثنایی و محدود به موارد تصریح شده در قانون است.

در نتیجه چنانچه مدارک و دلایل جدیدی پس از صدور حکم قطعی به اجرای احکام واصل شده (ارائه شده) است که کاشف از جنون محکوم در زمان ارتکاب جرم است، می‌تواند از موارد درخواست اعاده دادرسی موضوع بند «ج» ماده ۴۷۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ باشد.

ر.ک: تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

تبصره ۲ـ قوه قضائیه موظف است مراکز اقدام تأمینی را در هر حوزه قضائی برای نگهداری افراد موضوع این ماده تدارک ببیند. تا زمان شروع به کار این اماکن، قسمتی از مراکز روان درمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می‌شود.

ماده ۱۵۱ـ هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد. در جرائم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود.

ماده ۱۵۲ـ هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب‌الوقوع از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتکابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.

تبصره ـ کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر می‌باشند نمی‌توانند با تمسک به این ماده از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند.

ماده ۱۵۳ـ هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بیهوش کند.

ماده ۱۵۴ـ مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روانگردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.

ماده ۱۵۵ـ جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

تبصره ـ جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست.

ماده ۱۵۶ـ هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف- رفتار ارتکابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.